



## یادداشت ماه

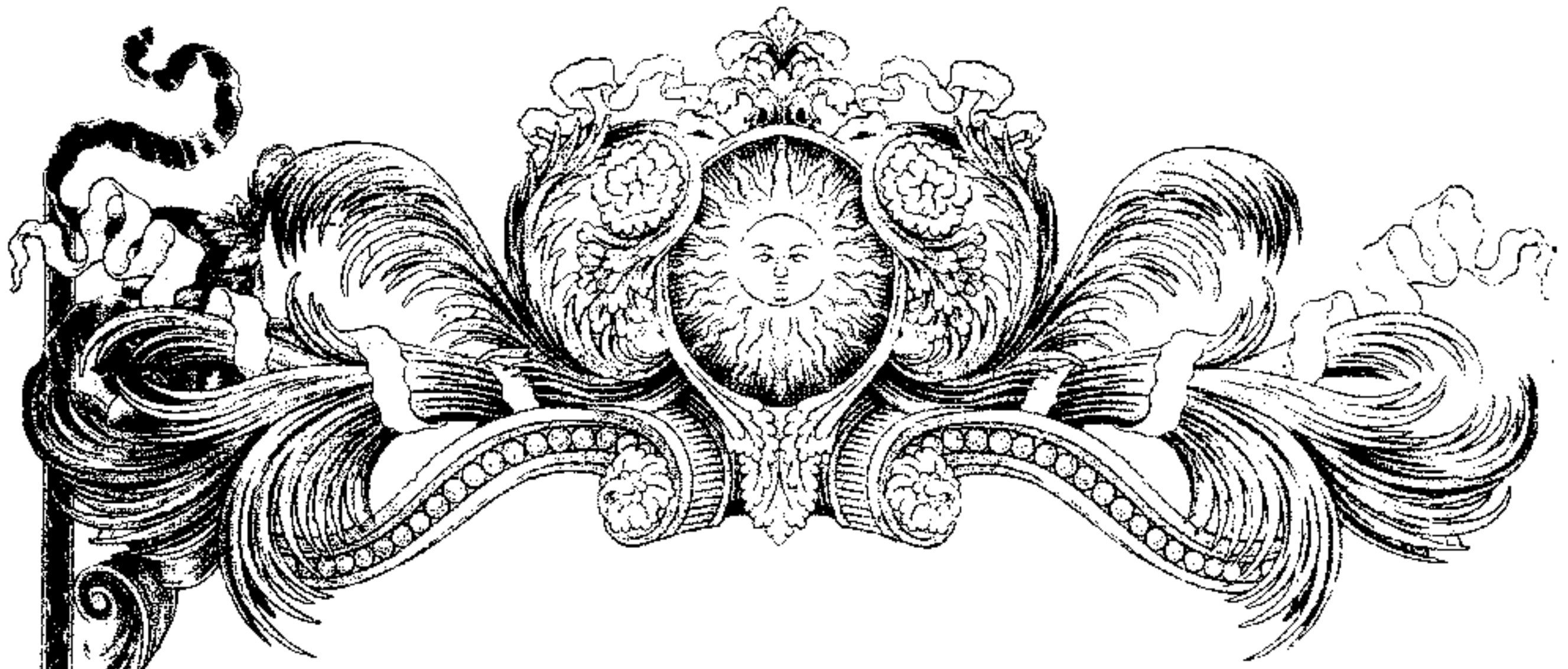
هیأت تحریریه پیام بهائی افتخار آن را دارد که بخش عمده مقالات این شماره را به مناسبت برخورد این ماه با سالروز صعود حضرت ولی امرالله (۴ نوامبر ۱۹۵۷) به آثار و احوال حضرتش اختصاص دهد. امید ما آنست که انتشار این شماره مخصوص شوق مطالعه در آثار و احوال حضرت ولی امرالله را در احبّاء عزیز بر انگیزد تا از گنجینه های گرانبھائی که طی سی و شش سال از قلم حضرتش صادر شده برای درك حقیقی مفهوم نظم اداری، و هدفهای امر اعظم برای جهان آینده، بیشتر از پیش خود را بهره مند سازند. مقالاتی که جمع آوری و برای چاپ آماده شد از یکصد صفحه مجله متجاوز بود، لذا قصد داشتیم این شماره را در ۹۶ صفحه منتشر سازیم. اما بخاطر بحران وضع مالی مجله و هزینه سنگین پست به ناچار مقداری از مقالات را کنار گذاریم و این شماره را در ۶۴ صفحه تقدیم خوانندگان می نمائیم. امیدواریم مقالات دیگر را بتدریج و در فرصت های مناسب به چاپ برسانیم. از نویسندگان عزیز آن مقالات نیز بدینوسیله معذرت می خواهیم.

ما کاملاً واقفیم که مقالات این شماره بهیچ روی گویای شخصیت و مقام حضرت شوقی ربّانی نیست، باید امیدوار بود که محققین و نویسندگان در سمینارها و کنفرانسها و ب کتابها و مقالات خود این کار را دنبال نمایند و نتایج مطالعات و تحقیقات خود را در اختیار همگان قرار دهند.

## فهرست مندرجات

بخشی از الواح مقدسه وصایا / ۳	امرالله (مهری افنان) / ۳۳
سرمقاله، حضرت شوقی ربّانی حماسه آفرین	دیدگاه تربیتی حضرت ولی امرالله (نیر
عصر تکوین / ۵	ایمن) / ۳۹
اسرار عهد و میثاق الهی (ایادی امرالله جناب	نوگل باغ ملاحظت (شعر) / ۴۲
علی اکبر فروتن) / ۱۵	مقدمه ای کوتاه بر سبک تویعات حضرت
فرع دو شجره مبارکه و ثمره دو سدره	ولی امرالله (صالح مولوی نژاد) / ۴۳
رحمانیه (محمد افنان) / ۱۸	بصیرت و بینش حضرت ولی امرالله (بند
دوران کودکی مولای محبوب (هوشنگ	ترجمه فؤاد روستائی) / ۴۹
گهرریز) / ۲۱	خاطراتی از يك زیارت، امریک فلا، ترجمه
میراث حضرت شوقی ربّانی (بهمن	ف. بهکرا / ۵۳
نیک اندیش) / ۲۶	اخبار و بشارات جهان بهائی / ۶۰
کلیاتی درباره پیام های عمومی حضرت ولی	سخنی با خوانندگان / ۶۳

عکس روی جلد: مرقد مبارک حضرت ولی امرالله  
عکس پشت جلد: حمداً لمن سان هیکل امره بدرع الميثاق، از خطبه الواح مبارک وصایای حضرت  
عبدالبهاء. اثر برهان زهرائی



از یادگار صدیق  
 باد فرخ و شهنشاه مبارک و شاکه در مسدود چرخ سوزان افروز  
 در خوار کرد و در غایت برفا طوفان ز شرمنشید در روز بروز فرخ و سوز و درد  
 بر در شرف ز یادگار است و لاله بر سر بیدار عبدالبها و صبح از غایت و یادگار در جوارش  
 او نمائید و ترمیم با کسند از عهد صفا و فقه عصامه و غیره در صفت از غایت  
 و من المزة قد المزدکی کثیر لغات را اسباب اسکر تاج و من غایت و مانند عبدالمهم  
 بر نافع از کسر جادیه کسند و علم مخالف بر افروز و خود را کسند و با اسکر  
 باز نماید نفس را حق را و عقاید محض منند چه یک هر حق بر از غایت از  
 و نیت عدل نمایند و ما دعا که من کفر ضلال بسین و صبح عبدالبها  
 حمد لله عباد

قسمتی از الواح و صایا، به خط مبارک حضرت عبدالبها.





خیال روی تو در هر طریق همدم ماست  
نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست  
برغم مدعیانی که منع عشق کنند  
جمال و چهره تو حجت موجه ماست

حما

حما

هیئت  
مقالات  
عزیز امر  
و مشیل  
است. ت  
در این ه  
از خود  
نهایت  
می کرد  
برادر  
کمتر  
اوصاف  
شانه و  
در موقع  
نبوده  
فرموده  
الاستی  
موجب  
وجه تلا  
این است  
خواهد  
خواهید  
بزرگ  
قوت و  
بنوری

# حضرت شوقی ربّانی

## حماسه آفرین عصر تکوین

(گشت)

در وجود مقدّس آن حضرت که هرگز از خود سخن نمی گفتند و همه فتوحات و انتصارات را به شیفتگان جمال اقدس ابھی نسبت می دادند حداقل دوازده نقش مهم و وظیفه تاریخی متمرکز بوده و این نقش ها و وظایف گوناگون را حضرتش در نهایت نیرومندی و توانائی و در حدّ اعلای از خود گذشتگی و فداکاری تقریباً يك تنه یا به مدد يك دو سه تن معاضد و مساعد به احسن وجه به انجام رسانده و تحقق کامل بخشیده اند. این مقاله بیان مجمل و فشرده چنان رسالت تاریخی همه جانبه است.

۱ - غصن ممتاز

شک نیست که اعضای خاندان مقدّس حضرت بهاءالله از شرف و امتیاز خاص برخوردار بوده اند اما آن چه موجب شگفتی و حیرت است این که از خویشان نزدیک حضرت شوقی ربّانی جز عده بسیار قلیلی که در رأس آنان حضرت ورقه علیا بهائیه خاتم قرار داشتند کسی بر عهد و میثاق الهی پایدار نماند و اکثراً از مرتبه غصنی زنده و روینده به حطب خشک مرده سقوط کردند شاخه سرسبز و شکوفا و سرکشیده ای که ممتاز از جمیع بود و اصالت سدره الهی را در خود منعکس می کرد تنها حضرت شوقی ربّانی بودند که فی الحقیقه آیه قرآنی "اصلها ثابت و

هیئت تحریریه پیام بهائی افتخار دارد که مقالات این شماره را به حضرت شوقی ربّانی ولی عزیز امر بهائی اختصاص دهد، شخصیتی که نظیر و مثیل او هرگز در تاریخ ادیان الهی دیده نشده است. تاریخ هرگز بیاد ندارد که مردی روحانی در این همه شئون حیات انسانی چنین آثار ابدی از خود بیادگار گذاشته باشد، مردی که در نهایت خضوع و فروتنی "بنده آستانش" امضا می کرد و به قسمتی از جهان بهائی خود را "برادر حقیقی شما" معرفی می فرمود. بی گمان کمتر نفسی بغیر از پیامبران الهی شایسته اوصاف و نعوتی بوده که حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه و عزّ شأنه در پاسخ سؤال يك خانم غربی در موقعی که حضرت شوقی ربّانی کودکی بیش نبوده اند در حق ولی عزیز امر بهائی عنوان فرموده اند:

"سیکون له من امره عجب تسمعن به فی الاستقبال و تشاهدینه باکمل صوره و اعظم موهبه و اتم کمال و اعظم قوه و اشدّ قدره یتلألؤ وجهه تلالؤاً تتنور به الافاق (مضمون بیان مبارک این است که امر او در آینده موجب شگفتی خواهد شد و شما این مطلب را در مستقبل ایام خواهید شنید و او را با کامل ترین صورت و بزرگ ترین موهبت و بیشترین کمال و اعظم قوت و قدرت مشاهده خواهید کرد و صورت او بنوری خواهد درخشید که آفاق بآن روشن خواهد

فرعهای السماء" در حق حضرتش مصداق داشت و این توصیف زیبای حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا بازگو کننده اصل و نسب درست آن حضرت بود آن جا که فرموده اند:

"التحية و الشناء و الصلاة و البهاء علی اول غصن مبارک خضل نصر ریان من السدرۃ المقدسة الرحمانیه منشعب من کلتی الشجرتین الربانیتین و ابداع جوهرة فريدة عصماء تتلألؤ من خلال البحرین المتلاطمین" از امتیارات شاخه ممتاز آن است که می روید و برگ و بار می آورد و جهانیان را زیر سایه خود پناه می دهد و این همان تحولی است که در تاریخ امر الهی روی داد و جامعه کوچک بهائی در ظل آن حضرت به یک جامعه پهناور جهان گستر مبدل گشت.

## ۲ - ولی امرالله

عنوان ولی در ادبیات دینی اسلامی و ادب عرفانی مرتبه و منزلت بسیار شامخی دارد. این عنوان بر حضرت علی علیه السلام جانشین حضرت محمد رسول الله اطلاق شده و پیروان طریقت را هم در عرف صوفیه ولی و اولیاء نامیده اند. ترجمه ولی به کلمه Guardian تنها یکی از معانی وسیع این کلمه را ارائه می کند و این هم از نتایج قروتنی بی نهایت آن حضرت است که از کل حقائق مندرج در کلمه ولی فقط به صفت Guardian که به معنی حافظ و نگهدار است یعنی حافظ و نگهدار امر الهی یا نفسی که تولیت امر حضرت بهاء الله را برعهده دارد اکتفا فرمودند و سایر معانی کلمه را برای احبای غرب تشریح و توضیح نکردند.

یک معنای "ولی" دوست یعنی دوست صدیق است و شاید از جمله بهمین مناسبت بوده است که آن حضرت در ذیل توقیعات خویش به احبای غرب چنین امضا می فرمودند:

برادر حقیقی شما. شوقی

فرهنگ معین می نویسد که ولی کسی است که به اعلی مقامات سلوک رسیده باشد و بالحق متصرف در خلق باشد. مقام ولایت فی الحقیقه

باطن نبوت است زیرا ظاهر نبوت اعلام احکام است و باطن آن تصرف در نفوس خلق است برای اجرای آن احکام. کلمه ولی به انسان کامل اطلاق می شود. در نفحات الانس عبدالرحمن جامی ذکر دو نوع ولایت می شود اول ولایت عامه که مشترک است میان همه مؤمنان چنانکه قال الله تعالی: "الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور. دوم ولایت خاصه که مخصوص است به واصلان از ارباب سلوک" وهی عبارة عن فناء العبد فی الحق و بقائه به" به زبان دیگر ولی آن است که به قول ابوعلی جوزجانی در حال خود فانی می شود و در مشاهده حق باقی، یعنی کسی است که از خود خبر ندارد و از غیر خدا بیگانه و برکنار است. ابراهیم ادهم در تعریف ولی گفته است:

ولی آن کس است که نه به دنیا رغبت دارد و نه به عقبی عنایت می نماید چه بخاطر خدا از این همه دو فارغ شده و روی دل را یکسره بسوی حق آورده است. به قول مولوی چنین ولی: سایه یزدان بود بنده خدا

مرده این عالم و زنده خدا  
دامن او گیر و رو تو بی گمان  
تا رهی از آفت آخر زمان

## ۳ - مبین آیات الله

از امتیازات استثنائی امر حضرت بهاء الله آن است که حضرتش اختیار تفسیر و تبیین آیات الله را بموجب کتاب مستطاب اقدس و لوح عهدی به حضرت عبدالبهاء اعطا فرمودند و همین اختیار را نیز مرکز عهد و میثاق به حضرت شوقی ربانی ولی امر الهی مرحمت کردند و به حقیقت اگر تبیینات حضرت ولی امرالله منجمله درباره نظم اداری و نظم بدیع جهان آرای الهی نبود شاید هیچ یک از احبای توانائی آن را نداشت که از کلمات حضرت بهاء الله و آثار حضرت عبدالبهاء وجود هسته و جرثومه چنین نظمی را در تعالیم مبارکه حدس زند تا چه رسد بآن که به درک تفصیل آن توفیق یابد.

(در همین نشریه - شماره های ۱۴۹ - ۱۵۱ و ۱۵۲) متذکر آن شده اند. معروف است که عده ای از خواص احباً که عموماً از علما بودند بعد از وصول کتاب مستطاب اقدس به ایران به اطاعت از دستور آن کتاب شریف، مجلس شوری آراستند و تصور کردند که باید محلّ تشکیل جلسات محرمانه آن محفل را "بیت العدل" نامید غافل از آن که بیت در این جا به معنی مؤسسه است چنان که در تمدن اسلام به کلمه بیت الحکمه برمی خوریم و در زبان غرب وقتی بیت لردها (House of Lords مجلس شیوخ) یا اطاق تجارت ... گفته می شود مراد مؤسسه است نه خانه و غرفه.

براستی شگفت است که چگونه در عنفوان جوانی وقتی حضرتش تولیت امر الهی را عهده دار گشتند فی الفور وسعت و جامعیت آن نظم جهان آراء الهی را به تمامها ملاحظه و مشاهده کردند و متدرجاً در توقیعات مبارکه خود به تشریح آن همچنین بیان مراحل و مدارجی که باید تا رسیدن به حکومت جهانی حضرت بهاء الله طی شود توجه نمودند و آن نظم را چنان که بجای خود خواهد آمد نه فقط وجه مساعی جمیع اهل بهاء دانستند بلکه نقطه نهائی سیر تکاملی عالم انسانی عنوان فرمودند. از کلمات آن حضرت است:

"اتحاد اهل عالم درخشان ترین مرحله ای است که حال جامعه انسان رو به آن روان است ... دوره ملت سازی سپری گردیده و هرج و مرجی که از ایجاد دولت های ملی مختلف ناشی شده باعلی درجه خود نزدیک می شود. لهذا جهانی که به بلوغ می رسد باید خود را از شرّ این بت برهاند و وحدت و یگانگی جمیع روابط انسانی را قبول کند و یکباره دستگامی را براه اندازد که این اصل اصیل وحدت را در آن تجسم بخشد"

(نظم جهانی بهائی - ص ۱۶۴)

همه می دانیم که مخاطبان حضرت بهاء الله را نفوسی تشکیل می دادند که با معارف اسلامی و عرفانی سروکار داشتند و احياناً آثار حضرت رب اعلی و پیش کسوتان شیخیه را خوانده و دریافته بودند لذا کلام آن حضرت باسانی قابل درک و فهم مردم مغرب زمین و دیگر اقطار عالم نبود. خطابات حضرت عبدالبهاء در اروپا و امریکا، مبادی اجتماعی امر الهی را که در بطون آثار جمال قدم نهفته بود آشکار و نمودار کرد و تشریحات حضرت ولی امرالله عظمت و شوکت نظم تازه جهان آرائی را که در همان آثار مبارکه مکنون و مکتوم بود علی رهوس الاشهاد معلوم داشت. غربی و شرقی و شمالی و جنوبی اکنون قدرت استنباط آثار جمال اقدس ابهی را یکسان حاصل کرده اند و بخش مهمی از این توفیق، مرهون ترجمه های بی مانند حضرت شوقی ربانی بوده که لسان وحی را قابل فهم عموم کرده است.

اختیار تبیین کلماتالله که به حضرت عبدالبهاء و بعد حضرت شوقی ربانی تفویض شد نه فقط اصالت و طهارت کلام الهی را از تصرفات و تحریفات افراد جاهل یا غافل محفوظ داشته و می دارد بلکه موجب آن بوده که تطابق آن کلام با مقتضیات متحول زمانه بهتر فهمیده شود زیرا بی گمان کلام الهی برای یک قرن و دو قرن نیست باید لااقل طی هزار سال برآورنده نیازهای جامعه بشری باشد.

۴ - شارح نظم بدیع جهان آرای الهی  
کلمه نظم بدیع که در کتاب مستطاب اقدس آمده (۱۸۷۳) و قبل از آن در آثار حضرت باب بشارت داده شده (طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء الله) بی شبهه برای اکثریت مردم شرق که در فقه و اصول و حدیث و علم اخبار و نظائر آن تشکّل فکری و ذهنی یافته بودند قابل درک نبود و در این باره قرائن متعددی موجود است و این نکته ای است که جناب علی نخبجوانی عضو ارجمند بیت العدل اعظم الهی در مقالات خود

## ۵ - سازنده نظم اداری بهائی

شک نیست که فکر نظم اداری در آثار حضرت بهاء الله مندمج و تاحدودی مستتر است. دستور تشکیل بیت العدل محلی و بیت العدل عمومی، تأسیس مؤسسه حقوق الله، انتصاب ایادی امرالله، حکم مشورت، احداث مشارق اذکار، و نظائر آن در آثار جمال قدم جل اسمه الاعظم آمده است. حضرت عبدالبهاء در الواح متمدده خصوصاً الواح وصایای خود که منشور نظم حضرت بهاء الله قلمداد شده طرح کلی این نظم اداری را (بیت العدل خصوصی یا ملی - نحوه انتخاب بیت العدل عمومی و موضوع تأسیس مؤسسات خیریه و اجتماعی در حول مشرق الاذکار و نظائر آن) مرحمت فرموده اند. ولکن نحوه اجراء و تحقق عملی این نظم را حضرت شوقی ربائی بعنوان معمار سازنده آن قصر مشید تشریح و تفصیل نمودند و در زمان آن حضرت بود که محافل روحانی محلی قوت گرفت و وسعت یافت و محافل روحانی مرکزی و ملی بوجود آمد و ایادی امرالله برگزیده شدند و اوقاف بهائی نظم و سامانی حاصل کرد و مدارس تابستانه بهائی، ضیافات نوزده روزه، کلاس های درس اخلاق و مؤسسات دیگر اداری ترتیب تازه ای یافتند و اهمیت جدیدی پیدا کردند. از تبیینات آن حضرت و نیز اقدامات آن وجود مقدس روشن شد که نظم بهائی حالت ارگانیك دارد و مانند درختی که ریشه های آن در خاک بارور شریعت الله حفظ و به الهام الهی تغذیه می شود هر روز شاخه های تازه و برگ های نو و شکوفه های بدیعی برمی آورد و با مقتضیات زمان تحول و تکامل می پذیرد، پس ثابت و راکد نیست و خطر تصلب و تحجر در آن وجود ندارد.

## ۶ - مجری فرمان ملکوتی

فرمان ملکوتی مجموعه الواحی را گویند که در سال های ۱۹۱۶ - ۱۹۱۷ بعنوان یرلیغ بلیغ تبلیغ و دستور هدایت بخش مهاجرت و تفرق

اهل بهاء از قلم معجز شیم حضرت عبدالبهاء صادر شد و نفوسی چون میس مارثاروت آقا و خاتم دان، اگنس الکساندر در همان حیات مبارکش به اجرای آن مفتخر شدند و لکن اجرای وسیع و منظم آن فرمان در زمان حضرت ولی امرالله به هدایت و تشویق مستمر حضرتش انجام پذیرفت و با اولین نقشه ۷ ساله ایالات متحده امریکا و کانادا در سال ۱۹۲۷ آغاز شد و از سال ۱۹۴۶ بیعد به سایر ممالک بهائی تعمیم داده شد و بالاخره به تاج نقشه ده ساله یعنی جهاد کبیر جهانی متوج و آراسته و مکمل گردید، نقشه ای که فقط در یک سال بعلمت قیام فارسان امر حضرت بهاء الله که به اشاره آن حضرت بمیدان خدمت شتافتند منجر به فتح حدود یکصد کشور و سرزمین عالم شد.

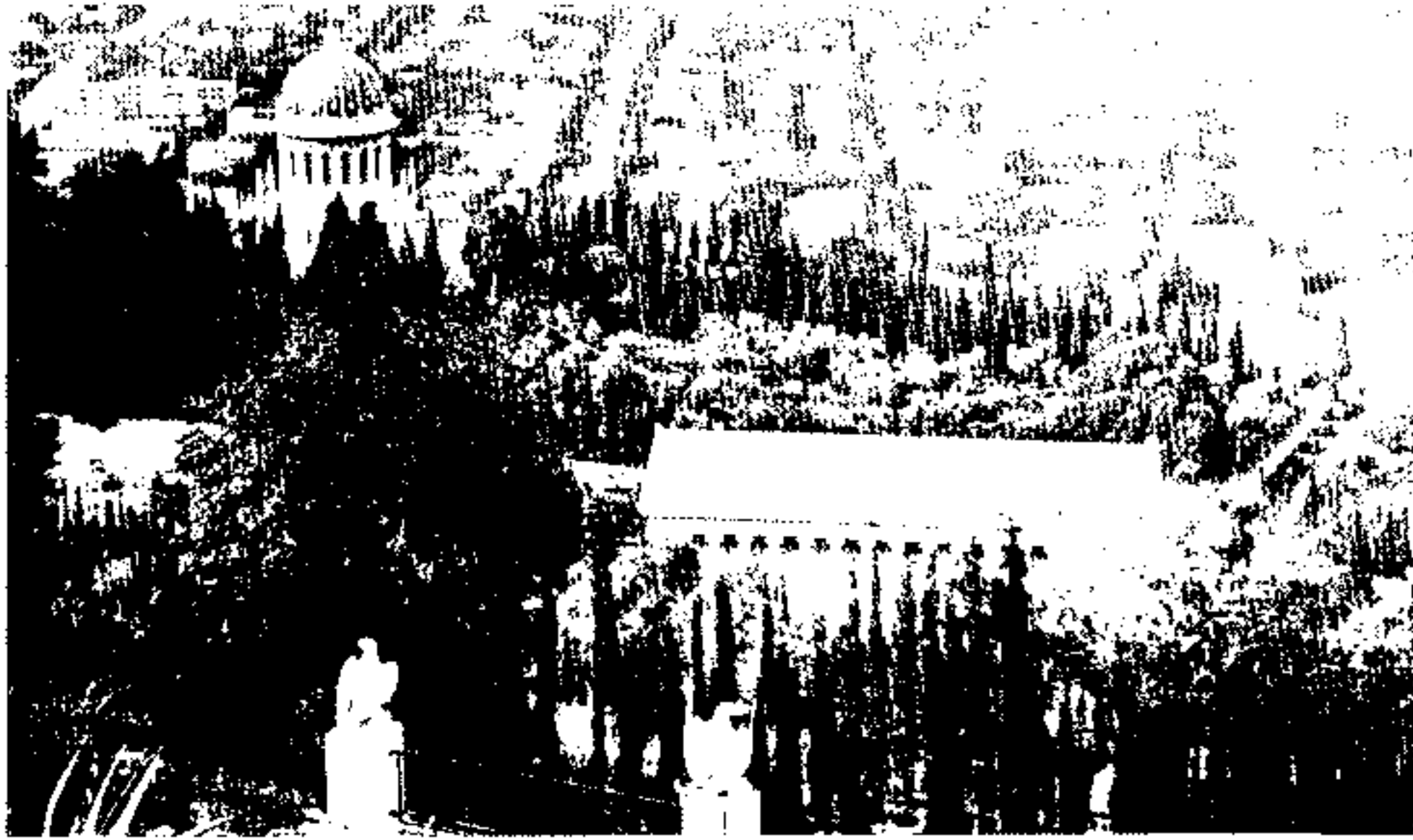
به پشتیبانی و راهنمایی و شورانگیزی آن حضرت امر مبارک که در زمان حضرت بهاء الله فقط در ۱۵ کشور و در زمان حضرت عبدالبهاء جمعاً در ۲۵ کشور شناخته شده بود به دو بیست و چهل و اندی کشور و سرزمین گسترش یافت و از دیانتی شرقی به امری جهان شمول مبدل گشت. این فتوحات در تاریخ جمیع ادیان عالم بی سابقه و نظیر است حتی اشاعه آئین مسیح که گسترده ترین دیانت جهان است در طی قرن های متمادی متوالی و در مواردی به یاری سلطه سیاسی و نظامی صورت گرفت در حالی که دیانت بهائی یک قرن و نیم در عین مظلومیت یا مجهولیت از نظر وسعت موقعیتی یافته که او را بلافاصله بعد از مسیحیت قرار می دهد.

## ۷ - بناکننده مرکز جهانی بهائی

طرح اصلی مرکز جهانی را باید در لوح مبارک گرمل جست که از قلم اعلی در یکی از بازدیدهای آن حضرت از حیفا نازل شد و به عنوان منشور مرکز جهانی بهائی شناخته شده است. حضرت عبدالبهاء ۶ اطاق از ۹ اطاق مقام اعلی را به اشک چشم و خون جگر ساختند. مسافرخانه مقام اعلی هم در آن زمان ساخته شد

و برخی در عهد حضرت جهانی ش و حیثیتی که در دست مستخدم تاج خلا (۱۹۵۳) اعلی و بناشد ولایت دیگری می کند. نفرمود حضرت خرید ری غرب که آن نهادد مقدمات دیگر آنها به





موکول و محول گردید .

از بدایع امر آن که در هر مورد نقشه های این ابنیه به تصویب حضرتش رسیده و احياناً به الهامی الهی و ذوق و تشخیص هنری استثنائی در نقشه های معماران اصلاحات و تصحیحاتی را معمول فرموده اند کما آن که بر روی نقشه مشرق الاذکار طهران نشانه اصلاحات و تصحیحات آن حضرت را هم اکنون می توان بازیافت .

#### ۸ - مترجم و معرفی آثار ابھی

در کتاب "گوهر یکتا" که شرح احوال و خدمات بی مثال آن حضرت به قلم شریک زندگی حضرتش روحیه خانم امه البهاء است به آرزوی عهد جوانی آن حضرت که با تحصیل زبان وقت خویش را به ترجمه آثار مبارکه اختصاص دهند اشارت رفته است .

حضرت شوقی ربّانی در طی سی و شش سال خدمات متعدّد و متنوع خویش به عنوان ولی امر الهی موفق به ترجمه منتخبات یا اصل چندین اثر از آثار مبارکه حضرت بهاء الله و برخی آثار عبدالبهاء و جملات و عباراتی از آن طلعات مقدّسه گردیدند که نه فقط راه گشای مترجمان

و برخی از تاسیسات اولیه و تملیکات ضروریّه هم در عهد مبارك تحقق یافت اما فی الحقیقه در زمان حضرت شوقی ربّانی ولی امر بهائی بود که مرکز جهانی شکل زیبای کنونی خود را گرفت و اعتبار و حیثیتی بی سابقه حاصل کرد . بسیاری از املاک که در دست ناقضان عهد و میثاق افتاده بود مستخلص شد . اطاق های مقام اعلی تکمیل و تاج طلا بر سر ملکه کرمیل نصب گردید (۱۹۵۳) . حدائق زیبا و بهشت آسای حول مقام اعلی و قصر بهجی احداث گشت . محفوظ آثار بناشد (۱۹۵۷) ، طرح قوس کرمیل را مرکز ولایت مشخص فرمود و علاوه بر آن بنیادهای دیگری نهاده شد که بحث در آن سخن را مطول می کند .

اما حضرتش به احداث مرکز جهانی اکتفا نفرمود در ظل هدایت و حمایت و تشویق آن حضرت اراضی فراوانی به نام مشارق اذکار خریداری شد . مشرق الاذکار ویلمت ام المعابد غرب که در زمان حضرت عبدالبهاء حجر زاویه آن نهاده شده بود تکمیل شد . (۱۹۵۳) و مقدمات اولیه ساختمان مشارق اذکار در قازات دیگر عالم تمهید شد که تکمیل بنا و گشایش آنها به بعد از صعود مبارك ( ۴ نوامبر ۱۹۵۷ )

تاریخ و  
حیات  
جری  
تاریخ  
سابق  
مستند  
روز  
به ده  
جهان  
بر نیاید  
عاریت  
حضرت  
یکصد

ری آن  
به نه  
بهاء  
روست  
یفت و  
میدل  
ن عالم  
سید  
سی قرن  
سینه  
بی که  
سیت پ  
م و ز

نوع  
کی از  
به  
ه شده  
مقام  
ختند  
ته شد

آن آثار به زبان های غربی شد بلکه ضمناً به فهم درست و صحیح آن آثار ارجمند کمک و یاری فوق العاده نمود.

این آثار جمال مبارک و حضرت عبدالبهاء توسط حضرت ولی امرالله بتمامی ترجمه شده است:

۱ - کلمات مکنونه از حضرت بهاءالله ۱۹۲۵

۲ - کتاب مستطاب ایقان ۱۹۳۱

۳ - لوح شیخ یا لوح خطاب به ابن ذئب ۱۹۴۱

۴ - لوح لاهه از حضرت عبدالبهاء

۵ - لوح حضرت عبدالبهاء خطاب به پروفیسور فورل

۶ - لوح ملاح القدس از حضرت بهاءالله

۷ - الواح وصایای حضرت عبدالبهاء

مواردی که منتخباتی از آثار مقدسه توسط آن حضرت به زبان انگلیسی آورده شده اینهاست:

۱ - منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاءالله ۱۹۳۵

۲ - ادعیه و مناجات های حضرت بهاءالله ۱۹۳۸

از این گذشته در توفیعات مبارکه آن حضرت عبارات متعدّد از آثار جمال قدم و حضرت عبدالبهاء ترجمه و درج شده از قبیل آیاتی از کتاب مستطاب اقدس - لوح هفت شمع - الخ که مجموع آن ها حجم قابل ملاحظه ای را تشکیل می دهد. حضرت ولی امرالله در چهار زبان فارسی - عربی - انگلیسی و فرانسه تسلط کامل داشتند و بلاغت و فصاحت آن حضرت در هر چهار زبان موجب اعجاب سخن شناسان قرار گرفته (رجوع شود از جمله به مقاله سبک فارسی حضرت ولی امرالله به قلم جناب دکتر علی محمد ورقا ایادی امرالله در کتاب: (The Vision of Shoghi Effendi)

بموجب این مقاله شماره توفیعات و دستخط های آن حضرت به فزون از ۱۴ هزار می رسد که حدود ۳۳۸۷ عدد آن به فارسی و عربی است.

#### ۹ - نمودار بلاغت و فصاحت ادبی

گفتگو از بلاغت و فصاحت ادبی آثار حضرت ولی امرالله به زبان انگلیسی خارج از حوزه صلاحیت نویسنده این سطور است در این جا به اجمال اشارتی به رسائی و شیوانی و زیبایی کلام آن حضرت در زبان فارسی می کنیم که از نظر انسجام و استحکام و توانائی آن حضرت در یافت کلمات بیکدیگر در میان آثار فارسی برآستی ممتاز است.

جمله ها در آثار آن حضرت غالباً طولانی است، کلمات پرتنین است، گرچه حضرتش به صنایع بدیمی توجه چندانی ندارند اما سخن در عین سادگی، شکوهمند است. غنای لفظی آثار آن حضرت موجب تحیر هر خواننده ای است. کلمات عربی که بعضاً مهجور است در نسج فارسی چنان با مهارت جایگزین شده که خواننده عادی هم براحتی و روانی می خواند و از آهنگ کلام لذت می برد. اشارات و استنادات به الواح جمال قدم و مرکز عهد آن محیی رم و اصطلاحات معمول در آثار طلعات مقدسه در حد اعلای فراوانی است.

خطبه های عربی که حضرتش در آغاز بعضی از توفیعات منیمه خود آورده اند نمودار کمال فصاحت و بلاغت است. عبارات فارسی که بعد از آن خطاب می آید نیز همین خصوصیت را حفظ کرده است حضرتش فارسی و عربی را چنان مزج و بهم پیوند داده اند که جدا کردن آنها از یکدیگر غیرممکن بنظر می رسد. نمونه آن را در توفیق مبارک نوروز ۱۰۱ بدیع که معادل God Passes by در زبان انگلیسی است ملاحظه می کنیم که پس از خطبه ای مفصل چنین می فرمایند:

"یا معشرالمؤمنین، در این دم که قرن اول افخم کور اعظم جمال قدم که به شهادت مرکز میثاق آن محیی رم آفتاب روشن قرون اولی و نیر منور قرون آخری است در شرف اختتام است بانک یا طوبی و یا بشری از اهل ملااعلی بلند است و صوت تهلیل و تکبیر و

ابتدا هنوز عادت نکرده بودند که دست بدست یکدیگر دهند و اقداماتی عظیم را مشترکاً تعهد کنند و به انجام رسانند (گوهر یکتا - ص ۲۸۶) ولی امرالله متدرجاً افراد را برای این نوع همکاری جمعی هدایت و تربیت کردند و قدم بقدم تعاون و تعاضد را در سطح محلی - ملی - بین المللی ترویج فرمودند. (۱)

۱۱ - مری و سرمشق

همه زندگانی حضرت ولی امرالله سرمشق جاودانی برای اهل بها است. پرکاری و پشتکار آن حضرت، حصر نظر به مصالح امر مبارک، بی گیری امور تا رسیدن به نتیجه مطلوب، خضوع و فروتنی فوق العاده که همه پیشرفت های حاصله در تحت قیادت خویش را بخود احباً منسوب می فرمودند، سادگی و مهربانی فوق العاده در عین حال حشمت و جلال و طمأنینه و وقار ذاتی، بسیاری از این صفات و کمالات را مؤلفان ارجمند چون امثالهباء روحیه خانم و جناب یوگو جیاگری در مورد حضرتش نوشته و بحق ستوده اند در "گوهر یکتا" این اثر فراموش نشدنی حضرت امة البهاء چنین می خوانیم:

"خلقت حضرت شوقی افندی فعال و خلاق بود یعنی دائماً بایستی بکوشند و چیزی را ابداع و تأسیس فرمایند، امری را منظم و مرتب کنند، از خیالات واهی بی اندازه نفرت داشتند. هرگز کسی را ندیدم که در تمام زندگی مانند ایشان در يك سبیل سالک و بسوی يك هدف معین در حرکت باشد. آن چه دارا بودند یا هرچه حق سبحانه و تعالی بایشان عنایت فرموده بود باکمال وجه و اشد قوه بود یعنی ذوق شدید، دوست داشتن شدید، یعنی هرچه بود در کمال شدت از ایشان بروز و ظهور می نمود" (ص ۱۲۸)

جناب لروی ایواس ایادی امرالله در مورد آن حضرت گفته اند:

"حضرت ولی امرالله زندگانی خود را بکلی فدای امر الهی فرموده بودند نه تنها ساعات

تقدیس و تسبیح در حول حرم کبریا از اعلی عرفات جنت ابهی متصاعد. تبارک هذا القرن الابدع البدیع و المصردری المشمشع المبارک المنیع الذی مارأت شبهه عیون الاولین و الاخرین ..."

۱۰ - بسیج کننده و سازمان دهنده

درست است که فرمان ملکوتی حضرت عبدالبهاء در حد خود طرح ریزی توسعه امر الهی در آینده است اما مفهوم برنامه و برنامه ریزی را در زمانی که جامعه غربی نسبت باین دو کلمه بعلمت سابقه آنها در رژیم کمونیستی شوروی با احتیاط و احیاناً بی اعتمادی نگاه می کرد حضرت ولی امرالله وارد عرصه امور روحانی کردند اما آن چه موجب حیرت می شود قدرت فوق العاده آن حضرت است که توانستند وحیداً فریداً از نقطه ای دور دست که خود می بایست از خلال انقلابات متعددی بگذرد این همه نیروها را در سراسر عالم بهائی بسیج کنند و به خدمت در اجرای فرمان ملکوتی حضرت مولی الوری بکارند. کلمات آن حضرت از جهت شورانگیزی و ایجاد حرکت و نشاط روحانی و تشویق و تهییج مانند ندارد. صدها و هزارها نفر نقشه زندگی شخصی خود را بخاطر امتثال امر آن حضرت يك سره بکنار نهادند و بدون تجربه و در مواردی بدون توشه راه رهسپار سرزمین ناشناخته شدند و در آن جا به هدایت آن حضرت بنیاد تشکیلات امر بهائی را در نهایت عشق و شور و فداکاری تأسیس کردند. تاریخ جهان سرداران بسیار شناخته که توانسته اند لشکریان خود را به فتح صوری اقالیم و دیار تشویق و تهییج کنند ولی در عرصه فتوحات روحانی تجربه دوران حضرت ولی امر بهائی بحقیقت ممتاز و استثنائی است.

تجهیز قوای جامعه بهائی یکی از طریق تهییج و تشویق بود دیگر از طریق تربیت افراد که مورد توجه خاص حضرت ولی امرالله قرار گرفت بفرموده حضرت امثالهباء احبای الهی در

طولانی کار روزانه ایشان بلکه اوقات خواب و استراحت و خوراک لیز وقف امر و در جهت خدمت بیشتر و مؤثر تر به آستان الهی بود ... حضرت ولی امرالله وجودی حساس و دارای قلبی بی نهایت لطیف و رقیق بودند ... از خصائص دیگر آن حضرت فروتنی و افتادگی بی حد و اندازه ایشان بود ... عشقی که به دیگران داشتند قابل تصور نیست. همه مردم را قلباً دوست داشتند و در هر يك آیتی از خدا می دیدند به دستاوردها و موفقیت های افراد می نگریستند و هیچگاه به تصور یا گناهان کسی توجه نمی فرمودند. قلب پرمهرشان همواره آماده عفو و آماده کمک بود ...

(پیام بهائی - نوامبر ۹۲)

چون خود آن حضرت سرمشق فضائل انسانی بودند لذا کلمات آن حضرت در امور اخلاقی و امور تربیتی به دل می نشست و کارگر می افتاد. از آن حضرت نصوص بسیاری در این دو زمینه وجود دارد که برخی از آنها در مجموعه نمونه حیات بهائی گردآوری شده است. (۲ مجموعه نصوص تربیتی نیز حاوی بیانات بسیاری از آن حضرت است.

۱۲ - حضرت ولی امرالله بعنوان مفسر تاریخ از رشته های مهم اندیشه بشری که همواره متفکران را در شرق و غرب عالم بخود مشغول داشته یکی هم فلسفه تاریخ یعنی فکر کلی در جریان و سیر تاریخ و جستجوهای قانون عمومی و هدف و غایت تحولات جوامع بشری است. در عصر ما متفکران بزرگی از مورخ و جامعه شناس و فیلسوف به بررسی فلسفه تاریخ پرداختند و در تکاپوی آن بوده اند که بدانند آدمیت به کجا می رود و چه قوایی بر حرکت تاریخ حکومت می کند؟ حضرت ولی امرالله را بی گمان از ممتازترین مفسران یا فیلسوفان تاریخ می توان بحساب آورد. مقاله ای که زیر عنوان "نظرگاه حضرت شوقی ربانی در مورد تحول عمومی جهان" در

کتاب (The Vision of Shoghi Effendi (1993) آمده روشنگر این حقیقت است.

ماحصل بحث در آن مقاله تحلیلی این است که حضرت ولی امرالله پس از اسوالد اسپنگلر از اولین متفکران جهان بودند که به نقد تمدن غربی و تمایلات مادی و ضد دینی آن و گرایش آن بخود کامگی و نژادپرستی و غیر آن پرداختند ولی در عین حال بجای آن که بدبینی اسپنگلر را در مورد فرجام آن تمدن تأیید و تصدیق کنند ضرورت احیای روحانی آن تمدن و ایجاد تعادل میان گرایش مادی و روحانی را مطرح فرمودند. آن چه موجب تحول و تجدید حیات چنین تمدنی خواهد شد امری جز قوه دین نخواهد بود و دین آن قوه قدسیه ای است که از منشأ الهی سرچشمه می گیرد و در عین حال دو اثر متضاد در عالم بوجود می آورد. بعنوان قوه دافعه آن چه را از تمدنات و فرهنگ های گذشته از حیز اعتبار ساقط شده متلاشی و منهدم می کند و بعنوان قوه جاذبه عناصر یک نظم و تمدن تازه متناسب زمان و موافق احتیاجات عالم انسان را بهم تلفیق می دهد و ترکیبی بدیع ارائه می کند. قانون این "دیالکتیک" یا جدل روحانی همان است که حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس آورده اند که "قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ماشهدت عین الابداع شبهه". ولادت نظم جدید همواره با درد و رنج توأم است هم چنان که تولد کودک نیز در عین راحت و آسودگی تحقق نمی پذیرد و بلیات و مصیباتی که عالم انسان امروزه گرفتار آن است فی الحقیقه نشانه های این درد زه (درد زایمان) و گواه مرحله انتقال تمدن از نظام کهنه به نظام تازه هستند.

هدف این تحول عظیم روحانی در دوره حاضر چیست؟ تحقق یک جامعه جهانی و استقرار ملکوت الهی بر کره ارض و تحقق صلح عمومی و وحدت عالم انسانی. حضرت شوقی ربانی مانند مورخ و جامعه شناس دقیق و آگاه تاریخ تکامل جامعه بشری از مرحله قبیله نشینی، به اتحاد

قبائل و تملک و ملیت و این تحول و جهانی می در پناه بصورت ادواری روزه حضرت ای کمال در نیروهای هرچند شود اما هر تر گوئی عبارت دین است که در "جدل تاریخ" پرشیب و حرکت تاریخ حضرت ولی امر بهائی دانند. هر منجر می دشمنان و در آثار نظرگاه بیوه به اعتقاد کودک به بد در حرکت چنین سیر خروش و هی پدیدار است تعالیم الهی رسد، هم حضرت به آخری بیان فدر در توقیعی

مبارکه نقل شده که نشان می دهد این عصر و یوم نمایانگر نقطه کمال تاریخ است و درخت آفرینش فی الحقیقه در انتظار ثمره این ظهور کاشته شده و همه مظاهر الهی برای آماده کردن جامعه بشری به درک این عصر و این یوم آمده اند.

در توفیق مبارک نوروز ۱۰۱ بدیع باستاناد به نصوص مبارکه چنین می خوانیم:

"این ظهور اعظم در جمیع کتب سماوی به ذکری فوق الاذکار و به امری فوق الامور و به نوری فوق الانوار مرقوم و مذکور

و در توفیق مبارک رضوان ۱۰۵ بدیع باین بیان مبارک جمال قدم استناد شده:

"قد بشر کل نبی بهذا یوم و نوح کل رسول حبا لهذا الظهور"

و هم چنین به این کلام حضرت مولی الوری استشهاد رفته:

"جمیع اولیاء در اعصار و قرون ماضیه گریان و سوزان آرزوی آنی از ایام الله را می نمودند و در این حسرت از این عالم فانی به جهان باقی شتافتند"

حال بپورد است که این مقاله را به بیانی از خود حضرت ولی عزیز امرالله پایان دهیم که بی گمان بهتر از هر سخنی معرف اندیشه های حضرت است:

"فقط اهل بهاء که معتقدند ظهور حضرت بهاء الله بمنزله غایت کمال و اعلی مرتبه این تکامل عظیم در حیات اجتماعی بشری است می توانند به اهمیت این بیان مبارک که در امتداد و عزت و جلال دور بهائی نازل فرموده بی برند که می فرماید:

هذا السلطان الايام قذاتی فیه محبوب العالمین و هذا لهوالمقصود فی ازل الازال \*

قبائل و تشکیل شهرها و اتحاد مدائن و ظهور ملت و ملیت را ورق می زنند و مرحله بعدی در این تحول و تکامل را ناچار ظهور جامعه متحده جهانی می دانند.

در پاسخ این سؤال که آیا سیر تاریخ بصورت خطی تصاعدی یا تنزلی یا بصورت ادواری روی می دهد پاسخ مستنبط از بیانات آن حضرت این است که در عین آنکه جهان بسوی کمال در حرکت است ناچار بعلت مقاومت نیروهای مخالف، همواره نوساناتی در کار می آید و هرچند بسیاری از امور در تاریخ تکرار می شود اما هر بار تکرار در سطح دیگری یا روشن تر گوئیم سطح والاتری صورت می گیرد. عبارت دیگر سیر تاریخ بیشتر بصورت حلزونی است که در عین حال همواره خط مستقیم بر اثر "جدل تاریخ" که بآن اشارت رفت شکسته و پرشیب و فراز می شود. تکرار می کنیم که حرکت تاریخ بر خط مستقیم تصاعدی نیست حضرت ولی امرالله قانون تاریخ را لااقل در مورد امر بهائی توالی و تتابع بحران و پیروزی می دانند. هر بحران عظیمی به پیروزی عظیم تر منجر می شود و هر پیروزی بزرگ مخالفت دشمنان و در نتیجه بحران را برمی انگیزد.

در آثار مبارکه حضرت شوقی ربانی نوعی نظرگاه بیولوژیک از تاریخ بچشم می خورد زیرا به اعتقاد حضرتش همان طور که فرد انسان از کودکی به بلوغ و از آن به جوانی و ساختوردگی در حرکت است، عالم انسانی نیز در مجموع چنین سیر و حرکتی دارد و اکنون جوش و خروش و هیجان دوران جوانی در همه عالم پدیدار است ولی زود است که در تحت تأثیر تعالیم الهی عالم به مرحله بلوغ یعنی کمال رسد، همان بلوغ که علائم شاخصه آن را حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس و الواح آخری بیان فرموده اند.

در توقیعات منیعه آن حضرت بسیار نصوص

\* ص ۱۰۶ - ۱۰۷ نظم جهانی بهائی ترجمه جناب هوشمند فتح اعظم.



جمعی از اعیان و زائرین در حضور مبارک حضرت عبدالنہاہ . حضرت ولی امراللہ در ردیف چلو نفر سوم از چپا قرار دارند . این عکس احتمالاً در سال ۱۹۱۴ برداشته شدہ است .

او  
دو  
۱  
۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲  
۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰  
۵۱  
۵۲  
۵۳  
۵۴  
۵۵  
۵۶  
۵۷  
۵۸  
۵۹  
۶۰  
۶۱  
۶۲  
۶۳  
۶۴  
۶۵  
۶۶  
۶۷  
۶۸  
۶۹  
۷۰  
۷۱  
۷۲  
۷۳  
۷۴  
۷۵  
۷۶  
۷۷  
۷۸  
۷۹  
۸۰  
۸۱  
۸۲  
۸۳  
۸۴  
۸۵  
۸۶  
۸۷  
۸۸  
۸۹  
۹۰  
۹۱  
۹۲  
۹۳  
۹۴  
۹۵  
۹۶  
۹۷  
۹۸  
۹۹  
۱۰۰

# اسرار عهد و میثاق الهی

"تا توانید از اسرار عهد و میثاق الهی بیان کنید"<sup>۱</sup>

حضرت عبدالبهاء

به قلم ایادی امرالله جناب علی اکبر فروتن

عظمی"<sup>۲</sup> جالس و امرالله را بقوه میثاق حارس گشته اند.

نکته، ثانی - الواح مبارکه و صایای حضرت عبدالبهاء مقارن با انقلابات ارض اقدس بتدریج نازل شده و قسمت اعظم آن منشور مشهور در بحبوحه طغیان اهل عدوان و ناقضان عهد و پیمان و تهدیدات و تضییقات متوالیه، مأموران بی وجدان از قلم ملهم مرکز میثاق ربّ متان صدور یافته و در آن حین که حضرت غصن ممتاز به احسن اوصاف و ابداع اذکار از کلک گهریار مولی الاخیار در آن وثیقه، بلیغه موصوف و مذکور و به مقام منیع و رفیع مبین آیات الله و ولی امرالله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله و احباء جمال ابهی منصوب و بطراز عصمت موهوبی مطرز، هیکل مبارک دوره، صباوت را می پیموده اند.

نکته، ثالث - ثقل فادح ولایت امرالله و قیادت جامعه جهانی احباء الله هنگامی بر شانه مبارک گوهر یکتا و غصن منشعب از سدره منتهی نهاده شده که در ریعان شباب می زیسته و بیش از بیست و چهار (۲۴) سال نداشته اند. رسالت هیکل الطف اسنی در عالم ادنی سی و شش سال بوده و در این مدت قلیله آثاری از وجود مبارک بوجود آمده که موجب حیرت و

یکی از امتیازات باهره دور بهائی که در ادوار گذشته سابقه نداشته عهد و میثاق رسین و متین ربّ العالمین است.

در الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء و توابع منیعه حضرت ولی امرالله و پیام های مکرر معهد اعلی این موضوع مهم و حیاتی بکمال وضوح توضیح و تشریح گشته و دانشمندان جامعه بهائی در این خصوص مقالات عدیده نگاشته و خطابات بلیغه القاء نموده اند که فی الحقیقه حاجتی به بسط کلام در این مقام باقی نمانده است معذک برای اجابت دستور هیئت تحریریه "پیام بهائی" این بنده بنگارش چند نکته مبادرت می نماید.

نکته اول - کتاب مستطاب اقدس در حدود سنه یک هزار و هشتصد و هفتاد و سه (۱۸۷۳) بتدریج از قلم اعلی نازل شده و در آن سفر کریم شارع امر عظیم به تلویحی ابلغ از تصریح در دو موضع مقام مرکز عهد قوم را در زمانی که از سن مبارک غصن الله الاعظم بیش از بیست و نه (۲۹) سال غی گذشته تنصیب فرموده اند، یعنی حضرت عبدالبهاء نوزده (۱۹) سال قبل از نزول صحیفه حمرا کتاب عهد جمال اقدس ابهی مرکز میثاق الهی و مبین آیات ربّانی بوده و بعد از غروب شمس حقیقت "بر سریر خلافت

۱ - مأخذ اول "منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد سوم ص ۲۱۲"  
۲ - مأخذ ثانی "توقیع منیع نوروز ۱۰۱، ص ۱۷۶ مجموعه توقیعات مبارکه"



منظره کوه کرمل و مقام مقدس اعلی در آغاز دوران ولایت

دهشت محققین و متفکرین و احبّاء و اصغیاء آئین مبین است بنحوی که اگر نفسی بخواهد فتوحات و انتصارات حاصله در این مرحله جلیله را احصا نماید و یا به اختصار فهرست وار بشمار آورد هر قدر توانا و دانا باشد خویش را عاجز و قاصر مشاهده نماید و این بیان دور از مبالغه و اغراق است و متفق علیه بیگانه و آشناست.

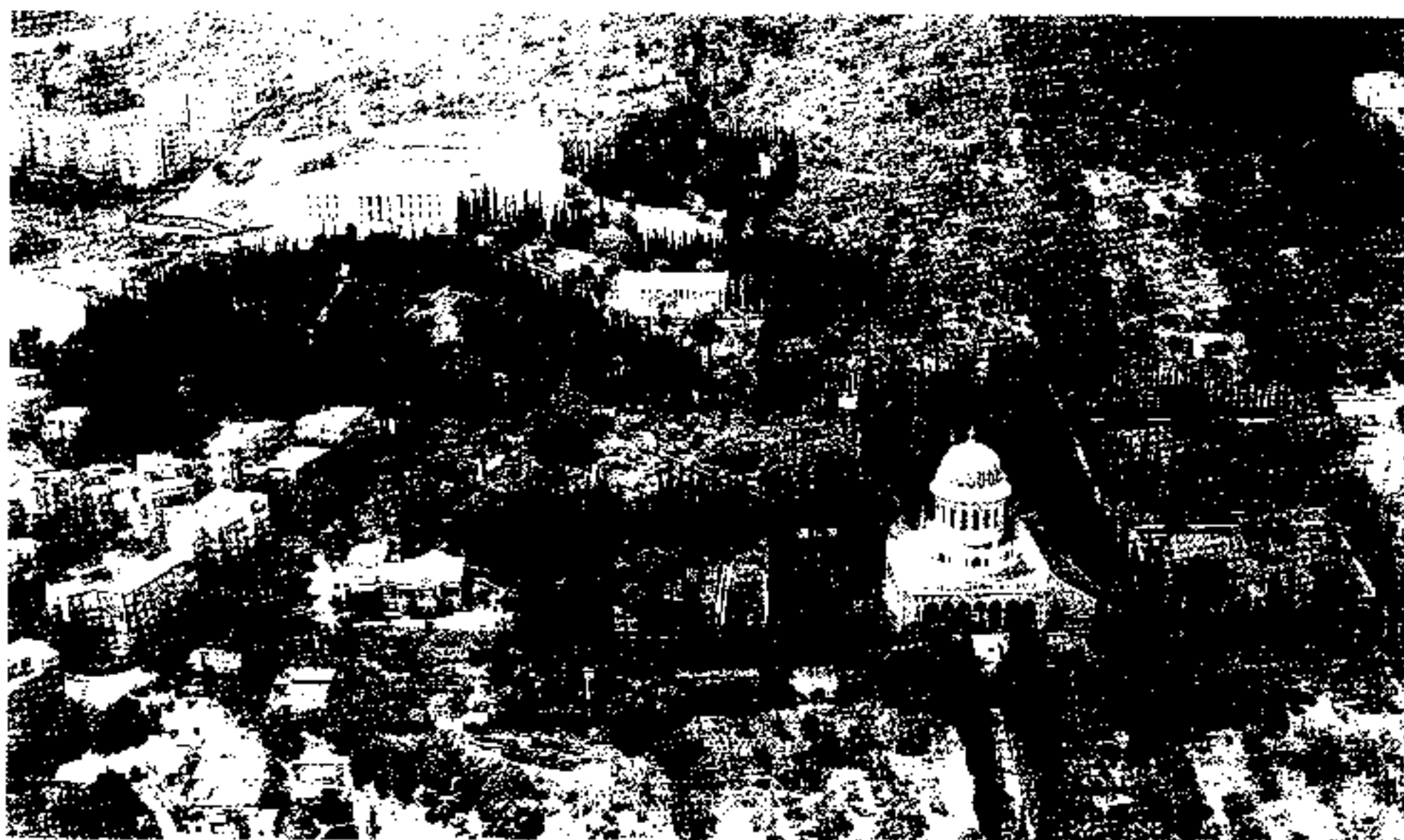
در نخستین توقیع منیع که به خط زیبای مبارک بواسطه محفل روحانی طهران خطاب به احباب ایران صادر شده منجمله چنین می فرمایند :  
 "... حال باید همگی بقوه خلاقیت کلماتش نظر نمائیم و منتظر تأییدات خفیه اش شویم ...  
 حصن حصین امر الله را محافظه کنیم و تعالیم جانپوروش را تعمیم و ترویج دهیم ..."  
 و در توقیع ثانی خطاب به محفل روحانی طهران بتاريخ ۱۵ شباط ۱۹۲۲ این بیانات مبارکه صادر قوله الاحلی :

"... تکلیف شدیدم آن است که افکار را حصر نموده بتمام قوی و به مشورت احبّاء متوجّه الیه و معتمداً علیه تمهیدات مهمه لازمه از برای تشکیل آن مرجعی که در مستقبل حلال مشکلات و واضع احکام و شرائع غیرمنصوصه و مبین امور مبهمه

است حتی المقدور فراهم آرم..."  
 مطالعه توقیع اولیه و مقایسه با بیانات مبارکه در توقیعات اخیر بهترین طریقه تصویر قدرت و عظمت ولی امر رب البریه و وقوف نسبی بر نحوه وسعت تدریجی دائره مؤسسات و مشروعات روحانیه و فداکاری و جانفشانی نفوس منقطعه زکیه برای اجرای نقشه دهساله جهاد کبیر اکبر است که در ظل هدایت و قیادت و تشویق و تحریض مولای بیهمتا حصول یافته و امر الهی را در شرق و غرب و جنوب و شمال کره ارض منتشر ساخته و این مقایسه در مثل عیناً بدان ماند که در طول این سی و شش سال ریزش قطرات باران اندک اندک به نهر روان و تدریجاً به بحر خروشان و سپس به اقیانوس بی پایان مبدّل گردیده است.

نکته رابع - بیت العدل اعظم الهی در پیام های متوالی مشاغل لانهایه حضرت ولی امرالله را برای تذکر و تبصر احبّای رحمانی بیان نموده و منجمله به کثرت مکاتبات و مخابرات هیکل مبارک به منظور تجسم عظمت و قدرت و در عین حال فقدان آسایش و راحت وجود اطهر اشاره نموده و این اعداد تقریبی را منتشر ساخته اند که





نمای امروزی مقام مقدس اعلی

صرف بنای مقام مقدس اعلی و تنظیم حدائق حول آن بنای رفیع البیان فرموده و تأسیس حرم اقدس در بهجی و ارتفاع مراقد ثلاثه مطهره در ظل مقام اعلی و بنای دارالآثار بین المللی و ابتیاع و تملك اراضی وسیعه حول مقام اعلی و زمین مشرق الاذکار آینده مرکز جهانی امرالله و مانند آن و رفع موانع و مشکلات کثیره و فیره که در سبیل تحقق این مشروعات جلیله موجود بوده و ساعاتی را که با زائرین اعتبار مقدسه گذرانده اند اضافه کرد. قرائت مکرر دو تألیف منیف که به قلم ایادی امرالله امثالیهاء روحیه خاتم حرم مبارک در ترجمه حیات مقدس حضرت ولی امرالله ترقیم یاقته به درک و فهم بسیاری حوادث ایام پرآلام رسالت مبارک کمک خواهد نمود.

این ذره بيمقدار دویار افتخار تشریف به مقامات مقدسه علیا و زیارت طلعت منور حضرت ولی امرالله را من دون استحقاق حاصل نموده و بدیده عنصری بقدر طاقت بشری عظمت و جلال و در عین حال رأفت و عطوفت و بنده نوازی بيمثال گوهر بیهمال را دیده و آنچه را شنیده و فهمیده در اوراقی جداگانه نگاشته و برای آیندگان بیادگار گذاشته است.

ارض اقدس حیفاء، علی اکبر فروتن

آنچه تا حال طبق اسناد موثوقه موجوده بدست آمده مجموع مکاتیب صادره به السنه فارسی و عربی و انگلیسی کتبی و تلفرافی که از ارض اقدس به سراسر دنیای بهائی ایصال شده بالغ بر چهل و سه هزار و یکصد و نود و نه فقره بوده و خاطر نشان فرموده اند که این احصائیه کامل نیست و در آینده دقیق تر خواهد شد.

تدوین کتب و رسائل عدیده در تشریح و توصیف نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاءالله و بیان وقایع و حوادث آتیه و ترجمه بسیاری از الواح و آثار نازله از قلم اعلی و تدوین تاریخ امرالله و توضیح اصول عقائد اهل بها و تحکیم اساس وحدت پیروان حضرت بهاءالله در شرق و غرب دنیا خارج از دائره مخابرات و مراسلات مزبور است که انشاء الله اجیال آتیه موفق به تفحص و تدقیق در این موضوع دقیق خواهند بود تحریر و تسطیر این ارقام بر صفحات اوراق سهل و آسان است ولی تصور متاعب و آلام هیكل مبارک که برای انجام دادن این مرام بجز ساعات معدوده بهیچوجه استراحت و آرامش نداشته اند بسهولت امکان پذیر نیست.

در این مقام باید اوقاتی را که هیكل مبارک

بیانات  
تصویر  
وقوف  
بیانات  
شانی  
سینه  
قادت  
فته و  
شمس  
ر مثل  
ت سال  
رون و  
توس  
پیام  
را  
وده و  
هیكل  
ر عین  
شاره  
ند که

# فرع دو شجره مبارکه و ثمره دو سدره ربانیه

دکتر محمد افنان

است. اصطلاح "قربی" که در قرآن مجید مذکور است در آیه "قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی" (سوره شوری آیه ۲۳) بنا بر نظر مفسرین به استناد احادیث به حضرت علی امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه و دو امام همام حضرت حسن و حضرت سید الشهداء حسین اشاره دارد.

در این مختصر مقصد آشنائی بیشتر درباره نسبت حضرت ولی عزیز امرالله با حضرت ربّ اعلی است و طرح زیر حکایت از این نسبت و وابستگی دارد و طبقات نسلی هم دوره را

حضرت شوقی افندی ولی امرالله به نسبت جسمانی به خاندان افنان منتسبند ولی در حقیقت این نسبت سبب مزید شرافت عائله افنان است که از ابتداء بعلمت انتساب به آستان حضرت ربّ اعلی ممتاز و مفتخر شده است.

عنوان افنان را جمال قدم بر متقدمین و سابقین این خاندان خطاب فرمودند و بعدها اولاد و احفاد نیز بهمین خطاب در آثار حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله مفتخر گشتند.

حضرت نقطه اولی در آثار مبارک منتسبات حضرتش را بعنوان ذوالقربی خطاب فرموده

طبقه اول	طبقه دوم	طبقه سوم	طبقه چهارم	طبقه پنجم
	حاجی میرزا ابوالقاسم	آقا سید حسین	آقا میرزا هادی	حضرت ولی امرالله
حاج میرزا علی (برادر اصغر)	حاج میرزا سید حسین (افنان کبیر) اخت حرم حرم مبارک والده هیکل مبارک	حضرت ربّ اعلی	احمد	
حاج میرزا محمد حسن (برادر ارشد)	خال اصغر	حاجی میرزا محمد تقی (وکیل الحق) حاج میرزا محمد علی		
	خال اعظم (شهید) خال اکبر			

۴ - آقامیرزا آقا (آقاسید محمد) نورالدین فرزند اخت حرم به اتفاق همسرشان دختر حاجی میرزا ابوالقاسم و بهمراهی فرزندان حاجی میرزا بزرگ - حاجی میرزا حبیب الله و حاجی میرزا ضیاء و حاجیه خانم طوبی در سال ۱۳۱۹ هجری قمری به حضور حضرت عبدالبهاء مشرف شده بودند. تولیت بیت مبارک در این خاندان به امر جمال قدم موروثی است.

۵ - آقامیرزا عبدالوهاب نواده خال اکبر که در سال ۱۳۲۷ هجری قمری مشرف شدند.

۶ - زیور سلطان بیگم مادر آقامیرزاهادی که در اواخر ایام حیات پس از درگذشت آقا سید حسین همسرشان حسب اراده حضرت ولی امرالله در ارض اقدس ساکن شدند و در همانجا درگذشتند.

۷ - آقا میرزا محمد علی و خواهرشان افسر خاتم نواده خال اصغر بهمراهی مادرشان بی بی سلطان بیگم دختر جناب وکیل الحق که پس از درگذشت همسر و پدر بی سرپرست شده بودند نیز در اواخر ایام حیات حضرت عبدالبهاء به آستان مبارک باریافتند. پدرشان آقا میرزا محمد باقر مورد عنایت مخصوص هیکل اطهر بوده و آب انبار مقام اعلی را به اسم ایشان تسمیه فرموده اند. این خواهر و برادر سال ها در جوار عنایت مشمول الطاف بودند و در بیروت به مدرسه رفتند و بعداً جناب آقامیرزا محمد علی در انگلستان به مرحمت و عنایت حضرت عبدالبهاء تحصیل کشاورزی نمودند و مدتی کوتاه قبل از صعود به ارض اقدس مراجعت نمودند و در هنگام وقوع آن مصیبت کبری این عائله در ارض اقدس ساکن بودند ولی بعد به ایران مراجعت کردند. دوره تحصیل آقامیرزا محمد علی در بیروت و انگلستان مقارن با حضور حضرت ولی امرالله بوده است و آقامیرزا محمد علی همواره خاطرات پربرکت خدمت مبارک را بیاد داشتند.

۸ - آقاسید محمد و آقامیرزایبزرگ (آقامیرزا حسنعلی) فرزندان حاجی سید مهدی و نوه خال اصغر و آقا میرزا ضیاء الله فرزند حاجی

مشخص می سازد.

اگر چه مطلب اصلی در اینجا خاتمه می یابد اما بنظر می رسد که ذکر کسانی از خاندان افنان که بحضور حضرت ولی امرالله مشرف شده اند علاقمندان را بکار آید. بعضی از این نفوس احتمالاً این فرصت را در دوره حضرت عبدالبهاء بدست آورده اند که ذیلاً یادی از آنان شده است با این همه از بعضی از آنان هیچ یادداشتی در دست نیست تا این احتمال به یقین پیوندد.

۱ - حاجی میرزا محمد تقی وکیل الحق فرزند خال اکبر مأمور به مباشرت بنای مشرق الاذکار عشق آباد که در اواخر حیات چند سالی در جوار عنایت حضرت عبدالبهاء در حیفا ساکن شدند و در سال ۱۳۲۹ قمری (۱۹۱۱ میلادی) درگذشتند و در گلستان جاوید حیفا مدفونند. معظم له مورد عنایت مخصوص حضرت بهاء الله بوده بعد از صعود جزء حواریون جمال قدم در ضمن آثار حضرت ولی امرالله مذکور شده اند. شرح حیات ایشان در تذکرة الوفا از قلم مبارک صادر شده است.

۲ - آقا میرزا ابوالحسن فرزند حاجی میرزا ابوالقاسم (برادر حرم مبارک) و عموی پدر حضرت ولی امرالله و همسرشان فاطمه سلطان بیگم دختر افنان کبیر که عموزاده ایشان بودند. هر دو در اواخر ایام حیات در حضور مبارک حضرت عبدالبهاء و ساکن حیفا بودند. مشارالیه در نتیجه احساس صعود قریب الوقوع حضرت عبدالبهاء خود را به دریا انداختند، همسر ایشان نیز به فاصله کوتاهی قبل از ایشان درگذشته بودند. مشارالیه مورد عنایت هیکل مبارک بودند و در هنگام تشییع جسد مخصوصاً گوشه صندوق را چند قدمی بدوش اطهر حمل فرمودند. تنها دختر ایشان با جناب موقر الدوله علیمحمدخان ازدواج نمودند.

۳ - آقا میرزا محسن فرزند افنان کبیر و همسر طوبی خانم دومین صبیبه حضرت عبدالبهاء که در اولین سال های دوره ولایت درگذشتند.

سید حسین نوه دیگر خال اصغر نیز در ایام حیات حضرت عبدالبهاء مشرف شده و بعضاً بحضور حضرت ولی امرالله رسیده بودند چه که طبق اظهار خود آنان در هنگام تشریفشان حاجی میرزامحمدتقی هنوز حیات داشته اند. جناب حاجی میرزامحمدتقی از اواخر ۱۳۲۵ قمری (۱۹۰۷) تا هنگام صعودشان در ۱۳۲۹ (۱۹۱۱) ساکن ارض اقدس بوده اند. اما نفوسی که در دوره ولایت امرالله این سعادت را حاصل کرده اند:

۱ - میرزاحسن خان موقر بالیوزی که ایام جوانی را در مدرسه کلیه بیروت تحصیل نموده سپس برای تکمیل تحصیل به انگلستان رفتند و در لندن مستقر شدند از همان ابتدا در ظل عنایت و تربیت هیکل مبارک قیام به خدمت نمودند و بالاخره به مقام ایادی امرالله به نمایندگی از خاندان افغان منصوب گشتند. ایشان نواده حاجی میرزا ابوالقاسم برادر حرم می باشند.

۲ - برادر جناب بالیوزی دکتر عبدالله خان نیز در همان ایام در بیروت به تحصیل مشغول و هر ساله در ایام تعطیل مشرف می شدند.

۳ - آقامیرزامحمدعلی نواده خال اصغر که اقامت ایشان در بیروت و انگلستان و تشریفشان به حضور هیکل اطهر قبلاً ذکر شد بعد از آزادی از زندان که بعلمت توطئه و تهمت اعدا پیش آمده بود به محضر مبارک مشرف شدند.

۴ - آقامیرزامحمدحسین نواده دیگر خال اصغر که در خلال جنگ بین الملل دوم مشرف شدند و بعداً با خانواده به کوئته پاکستان مهاجرت نموده و سپس سال ها نیز در یزد به خدمت مشغول بودند.

۵ - هویه خانم نواده خال اکبر که در سال های اخیر حیات حضرت ولی امرالله به حضور مبارک رسیدند.

۶ - ملکه خانم نواده خال اصغر که همراه با هویه خانم مشرف شدند و مدتی نیز با جناب آقامیرزامحمدحسین عموزاده و همسر خواهرشان

به کوئته مهاجرت نمودند.

۷ - آقا میرزا ابوالقاسم افغان تولیت بیت مبارک شیراز، نواده اخت حرم که به همراهی خواهر محترمشان فردوس خانم بحضور مشرف شدند.

۸ - دکتر نصرالله نذری افغان نواده اخت حرم که به همراهی همسرشان فرح خانم نواده دیگر اخت مشرف و با خانواده به مسقط هجرت نمودند.

۹ - آقاسید مهدی برادر آقامیرزاهادی (پدر حضرت ولی امرالله) و نوه حاجی میرزا ابوالقاسم که در سنین جوانی در تحت کفالت برادر در ارض اقدس مشغول به تحصیل بودند و بعد به ایران مراجعت کردند فرزند برومندشان دکتر بهرام افغان در وقایع اخیر به مرتبه شهادت رسیدند.

۱۰ - دکتر عباس افغان نیره خال اصغر با همسر محترم شمیسی خانم علائی در سال های اخیر حیات هیکل اطهر مشرف شدند و ابتدا بحبشه و بعد به نیوفوندلند در کانادا و اخیراً به یوگوسلاوی مهاجرت نمودند. مشارالیهما مدتی نیز ساکن انگلستان بودند.

#### توضیحات

- عنوان مطلب از پایان انواح وصایای مبارک اخذ شده است.

- در طرح نسبت خانوادگی فقط به ذکر افراد معینی اکتفا شده و بهیچوجه ذکر اسامی همه افراد مورد نظر نبوده است.

- از آنجا که بستگی خانوادگی در خاندان افغان بعلمت ازدواج خویشاوندان از جهات مختلف بهم می پیوندد و شاید هر یک از آنان را بتوان از طرق مختلف به افراد سرسلسله خاندان پیوند داد برای تسهیل مطلب نسبت هر فرد از طریق پدر و اجداد پدری مشخص شده است و از ذکر بقیه نسبت ها خودداری شده است. چون ظاهراً اصطلاحات مخصوصی برای ردیف پدر فرزندی مشخص نشده در این یادداشت ترتیب فرزند - نوه - نواده - نیره رعایت شده که در هر حال برای آنک و ذکور یکسان تواند بود.

# دوران کودکی مولای محبوب، ولی عزیز امرالله

## هوشنگ گهرریز

پنج سیال پس از صعود جمال اقدس ابهی در مدینه منوره عکا در یوم یکشنبه ۲۷ ماه رمضان سال ۱۳۱۴ ه. ق. مطابق اول مارس سنه ۱۸۹۷ میلادی مولودی آسمانی پا بعرصه وجود گذاشت.

تولد این ودیعه الهی و همایون غصن ربّانی در کتب و صحف سماوی بشارت داده شده و در خزینه علم الهی از هزاران هزار سال قبل در صدف سر مستور بود تا آنکه مقدر گشت در آن یوم فرخنده دیده عالمیان به مشاهده روی غرای نوردیده اهل بهاء روشن گردد.

در اوآنیکه حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و پیمان الهی بواسطه تفسیقات دشمنان امرالله و بیوفائی افراد عائله مبارک فرداً و حیداً به طبریه هجرت فرموده و قلب مبارکشان از ظلم و جور ناقضین پرکین و منتسبین بی مهر و محبت در نهایت حزن و الم بود، اقتران والدین همایون غصن ممتاز بهاء با اجازه هیکل مبارک انجم گرفت و یوم تحقق بشارت و نبوات حضرت اشعیاء درباره این جوهر ابدع فرید عصماء و فرع مقدس که از خلال بحرین متلاطمین متکلا و منشعب گشت فرارسید.\*

تولد این طفل مسعود در بیت عبدالله پاشا سبب سرور قلب رئوف و مهربان حضرت

\* القاب و صفات به نقل از الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء است.

عبدالبهاء گشت و نام "شوقی" هدیه آن مولای شفق و حنون به نوه نازینشان در وقت تولد بود که در مناجاتی از قلم معجز شیم عزّ نزول یافت قوله الاحلی:

"یا الهی تری الابصار شاخصة الی ملکوت توحدک لمشاهدة انوار تفریدک ... ای ربّ هذا فرع انبت من شجرة رحمانیتک انبتہ نباتاً حسناً برحمتک و احسانک ... و قرأعین ابویه به یا من یهب لمن یشاء ما یشاء و سمه من ملکوتک شوقی لیشتاق الی ملکوتک و یطوق الی عوالم غیبک انک انت الکریم الوهاب ع ع" (۱)

درباره این مولود عزیز حضرت اشعیاء نبی که اعظم انبیاء بنی اسرائیل است چنین بشارت داده "طفل صغیری زمامدار آنهاست" این مطلب اشاره به ولایت امر پس از صعود حضرت عبدالبهاء است.

در سال ۱۹۰۲ میلادی خانمی از اهل غرب به نام میس اف. دری تون (Miss F. Dryton) از حضور حضرت عبدالبهاء سؤال نمود که از قرار معلوم و مشبوت در کتب آسمانی زمامدار و مرجع آینده اهل بهاء باید الآن موجود و طفل صغیری باشد. حضرت مولی الوری در لوحی خطاب به آن خانم می فرمایند که آری آن طفل اینک موجود است. صورت آن لوح منیع اینست قوله العزیز

"هو الله يا امة الله ان ذلك الطفل مولود و موجود سیکون له من امره عجب تسمعون به فی الاستقبال و تشاهدینه باكمل سورة و اعظم موهبة و اتم کمال و اعظم قوة يتلألو وجهه تلالوا يتنور به الافاق فلاتنسى هذه کیفیة مادمت حیا لان لها آثار علی ممرالدهور و الاعصار و عليك التحية و الثناء ع ع" (۲)

و نیز در لوحی که به افتخار سه تن از یاران ایران جنابان میرزا حیدرعلی اسکوئی، میرزا علی اصغر اسکوئی و حاجی عباس اسکوئی که مدت ها قبل از صعود حضرت عبدالبهاء سؤال درباره مرجع اهل بهاء پس از صعود مبارک نمودند می فرمایند: "مسئله ایکه سؤال نموده بودید ان هذالسر مصون فی صدف الامر المحتوم کاللولؤ المکنون و سیلوح انواره و یظهر اسراره و علیکم التحية و الثناء ع ع" (۳)

مضمون آنکه "درباره مطلبی که سؤال نموده بودید بدانید که در این اوان هنوز رمز مستور است و سرپنهان و مانند گوهری تابناک است که اکنون در صدف خود مختفی و مستور است عنقریب زمانی خواهد آمد که نور آن بزرگوار آشکار گردد و آثارش ظاهر و پدیدار شود و اسرارش مکشوف گردد."

و همچنین در بیانات شیخ محی الدین عربی و شیخ ابوسالم طلحه درباره دوران ولایت امر و نام مبارکش چنین مرقوم است:

"ثم يحکم الصبی صاحب الوجه البهی و یجلس علی السریر حرف الشین یعنی بعد از حضرت عبدالبهاء صبی و طفلی که صاحب رخساره روشن است بر سریر ولایت عظمی جالس می شود و آن وجود مبارک حرف اول نام مبارکش شین است "شوقی".

جناب دکتر یونس خان افروخته که مدت ها در حضور مبارک بوده در کتاب خاطرات ۹ ساله عکا می نویسد که از آن حضرت سؤال کردم که فلان کس از آمریکا نوشته در اینجا شنیده ایم که سرکار آقا فرموده اند ظهور بعد از من بتازگی متولد شده و در این عالم موجود است آیا چنین

مطلبی صحیح است" می فرمایند ا بلی صحیح است. مجدد می پرسد آیا موجود است؟ می فرمایند "ارتفاع امر در دست اوست" (۴)

چون این هدیه آسمانی متولد گردید از همان اوان شیرخوارگی با طلعت جذاب و شیرین خود دل و جان حضرت عبدالبهاء را تسخیر کرد و آن اب حنون و مهربان که در سن ۵۳ سالگی بشارت ولادت نوه ارشدشان را شنیدند چنان عشق و محبتی نسبت به آن محبوب و عزیز در قلب اطهرشان احساس فرمودند که وصف ناکردنی است. بهمین سبب برای اینکه روح بزرگوار آن کودک نازنین با آیات الهی مأنوس گردد دستور فرمودند که یکی از مشاهیر قرائت قرآن مجید هفته ای یکبار نزدیک گهواره این طفل رضیع جالس شده صفحاتی چند از آن سفر کریم را با صوت روان برای آن کودک محبوب تلاوت نماید.

این کودک ملکوتی در گهوار بود که عندلیب گلشن بهاء در ستایش آن "نوگل باغ ملاحظت" نغمه لای لای را مترنم گردید. باوجودیکه این نوزاد نازنین از همان دوران طفولیت ریشه محبت خود را در اعماق دل و جان حضرت عبدالبهاء ثابت و نافذ نموده بود اما بواسطه تحریکات ناقضین که در آن ایام به اوج خود رسیده بود و اقدامات رذیلانه ایشان که فضای غم انگیزی در عائله مبارکه ایجاد کرده بود مجبور شدند برای حفظ این ودیعه الهی و حفید دلیند خود، از بروز آن عشق آتشین که در قلب اطهر می گداخت خودداری فرمایند تا مبدا این ودیعه ربانی مورد حسادت و بغض آنان قرار گرفته صدمه ای بوجود نازنینش وارد گردد.

حضرت حرم مبارک درباره ایام طفولیت هیکل اطهر می نویسند که ایشان طفلی ظریف اندام و در نهایت درجه حساس بودند. هرگز از اطفال گوشه نشین و آرام نبودند، بلکه تمام روز را با جست و خیز و بازی با کودکان می گذراندند. در آن سنین سردسته بودن ایشان بین کودکان مسلم بود و همه می دانستند که ایشان سرآمد



حضرت ولی امرالله در حالی که اسمعیل آقا باغبان حضرت عبدالبهاء اختار حضور دارد. سال ۱۹۲۱

از تلاوت مناجات این طفل نازنین به آهستگی نزدیک شده قباى مبارك را بلند نموده بر پیشانی خود گذاشت و مجدداً به آرامی آنرا بر زمین گذارد و در حالیکه چشم از رخسار پدر بزرگ خود بر نمی داشت از درب اطاق خارج شده به جمع اطفال که مشغول بازی بودند پیوست.

جناب بدیع بشرویه ای در خاطرات خود می نویسد که حضرت شوقی ربانی حدود چهار سالگی روزی وارد اطاق حضرت عبدالبهاء شدند و قلمی که آنجا بود برداشتند که چیزی بنویسند. حضرت عبدالبهاء بنهایت ملاحظت ایشان را در آغوش گرفته فرمودند: «شوقی حال وقت نوشتن تو نیست حال وقت بازی است در آینده خواهی نوشت» (۶)

طبق خاطرات دکتر ضیاء بغدادی حضرت ولی امرالله پنج ساله بودند که دست از دامن حضرت عبدالبهاء بر نمی داشتند تا وجود مبارك چیزی برایشان مرقوم فرمایند. در نتیجه اولین لوح خطاب به حضرت شوقی افندی از پیراعه هیکل مبارك نازل گردید «ای شوقی، من فرصت تکلم

همه اطفال زرنک و باهوش می باشند و هر هنگامه ای که در جمع کودکان برپا می شد براهنمائی ایشان بود. مثلاً وقتی اعضاء خانواده می دیدند که این طفل صغیر با چه شتابی از پله ها بالا و پائین می رود و می دیدند که مانند آبشاری از بالای پله ها سرازیر شده بیک چشم بهم زدن پائین می رسند در دل احساس ترس و واهمه می نمودند. حضرت عبدالبهاء در مورد چالاکی و تحرک حضرتش در پشت پاکتی مرقوم فرموده اند «شوقی افندی مرد معقولی است ولی زیاد می دود» (۵)

یکی از ورقات مؤمنه غرب به نام میس اتا بود و کوپر (Miss Eta Budu Cooper) که به زیارت حضرت عبدالبهاء مشرف گشته در خاطرات خویش می نویسد وقتی که حضرت شوقی افندی طفلی ۲ ساله بودند روزی با والده خود به حضور حضرت عبدالبهاء مشرف گردیدند. در آن وقت مولای عزیز مشغول نوشتن بودند در این حین به ضیائیه خانم والده مبارك امر به تلاوت مناجات می فرمایند. پس

جمع  
از  
ترین  
کرد  
نکی  
چنان  
ز در  
صفا  
روح  
توس  
رنت  
مقل  
کرم  
توت  
نیب  
تت  
ین  
شه  
رت  
طه  
خود  
خی  
بود  
ظیب  
ب  
ین  
قدر  
یت  
رف  
ز  
ز  
ند  
کن  
مد

عکا به حیفا نقل مکان فرموده و در بیت مبارک با دیگر اعضاء فامیل زندگی می کردند در این بیت حضرت شوقی ربانی اطاق کوچک جنب اطاق حضرت عبدالبهاء را بخود اختصاص دادند.

حرم مبارک در کتاب گوهر یکتا مرقوم داشته اند که بسیاری از اوقات در دل شب حضرت مولی الوری ملاحظه می فرمودند که چراغ اطاق حضرت شوقی ربانی روشن است لذا می رفتند و بانهایت ملاحظت بردرب زده می فرمودند: "بس است نمی خواهید بخوابید" حضرت شوقی ربانی باین کمینه فرمودند که وقتی در همین حجره مشغول کار بودند هیکل اطهر وارد شده رو به پنجره ایستاده به بیرون نظاره می فرمودند بطوریکه پشتشان بایشان بود. در این لحظه صداهای گفتگو و خنده از اطاق دیگر مسموع شد. بعد از مدتی رو بایشان کرده فرمودند "نمی خواهم تو مانند اینها آلوده بدنیا گردی." وقت دیگری حکایت کردند که روزی در محضر مبارک بودند حضرت عبدالبهاء رو به حرم مبارک نموده فرمودند "نگاه به چشمانش کن مانند آب زلال است" و نیز حضرت شوقی افندی حکایت کردند که: روزی هیکل مبارک از پنجره به بیرون نظر می نمودند و ملاحظه کردند که من با نهایت شتاب از درب بیت مبارک وارد شده و به کمال عجله از پله ها بالا رقم فوراً مرا احضار کرده فرمودند: "اینطور راه نرو با وقار مشی کن" (۱۲)

پس از این ایام بود که ایشان بزرگ شده و برای خدمت حضرت عبدالبهاء دامن بکمر زدند.

#### منابع و مأخذ

- ۱- کتاب بیاد محبوب ص ۲۲
- ۲- ۳- ایام تسمه ص ۴۵۴ و ۴۵۰
- ۴- خاطرات نه ساله عکا ص ۲۴۵
- ۵- گوهر یکتا ص ۱۱
- ۶- کتاب بیاد محبوب ص ۴۹
- ۷- ۸- گوهر یکتا ص ۱۲ و ۸
- ۹- کتاب بیاد محبوب ص ۵۰
- ۱۰- گوهر یکتا ص ۲۵
- ۱۱- کتاب بیاد محبوب ص ۵۹ - گوهر یکتا ص ۱۷
- ۱۲- گوهر یکتا ص ۲۰

الحمد لله بسیار خوب است. تو به درس و مشق مشغول باش اگر توقف در اینجا قدری طول بکشد البته ترا خواهم خواست. "آی شوقی عزیز، نامه شما در نهایت سرور قرائت گردید ... مطمئن باش ترا خواهم خواست."

از کتاب بیاد محبوب ص ۲۶، ۲۷

از نفوس برجسته غیربهای که در آن ایام بشرف زیارت آن کودک آسمانی فائز شده خانم دکتر آلمانی به نام دکتر فالشیر- (Dr. Falls cheer) است که خاطرره خود را از ملاقات حضرت شوقی افندی چنین نوشته است:

در یکی از ایام تابستان اتفاق افتاد که مرا برای معالجه انگشت یکی از خدام بیت مبارک خواستند. پس از اتمام کار حضرت ورقه مبارکه علیا از من دعوت نمود که به اتفاق چای میل نمائیم در این بین حضرت عبدالبهاء مرا احضار فرمودند تا از احوال خدمه خود مطلع گردند. در همین موقع حضرت شوقی افندی بهمراهی پدرشان جناب میرزا هادی افنان وارد اطاق شدند. طفل نازنین نزدیک پدر بزرگ رفته با کمال احترام دست ایشان را بوسیدند و در نهایت وقار نزدیک درب ایستادند. سپس دست حضرت ورقه مبارکه علیا را بوسیده بر زمین جالس شدند.

ایشان لباس تابستانه کت و شلوار کوتاه دربرداشتند و ۱۱ ساله بنظر می رسیدند. این طفل با همان وقار و ادب بر زمین جالس و ابداً حرکت نمی نمود، و چون پدرشان اجازه مرخصی گرفت نزدیک او شده در گوشش چیزی گفتند و ایشان هم با کمال آرامی نزدیک پدر بزرگ رفته به انتظار کلمه ای ایستادند. حضرت عبدالبهاء چیزی به فارسی فرمودند و آن کودک آسمانی دست ایشان را بوسیده از در خارج شدند بطوریکه پشت بدرب اطاق بیرون رفتند و در تمام طول مدت توقف در اطاق چشمان سیاه و درشت خود را از چشمان حضرت عبدالبهاء برنگرفتند. (۱۱)

حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۰۷ میلادی از



# میراث حضرت شوقی ربانی، ولی امرالله

دکتر بهمن نیک اندیش

نمایان ساخته اند، اطمینانشان به درهم پاشیده شدن نظامهای بظاهر پابرجا، و عدم مماشات و عدم قبولشان از انحرافات اخلاقی و انواع فسادها، سر تعظیم فرو می آورند و برای درک صحیح اتفاقاتی که جهان با آن روبرو می گردد چاره ای جز مراجعه مکرر به آثارشان پیدا نمی کنند.

مشکلاتی که اکنون جهان را فراگرفته هر روزمرزها و ابعاد جدیدی پیدا می کند. میلیونها پنهاننده که از کشورهای درحال رشد و فقیر، یا بخاطر فقر و یا برای فرار از تبعیضات نژادی و مذهبی و سیاسی بسوی ممالک غربی هجوم آورده اند و میلیونها دیگر که بخاطر جنگهای ناحیه ای از تاجیکستان، گرجستان، یوگوسلاوی سابق و دیگر مناطق بحرانی و جنگ زده آواره شده اند، نقشه جهان را دگرگون ساخته و در مقابل چشمان وحشت زده و ناباور سیاستمداران و دولتمردان این حقیقت را جار می زنند که دوران حکومت های ملی با ملتی همگون و با زبان و فرهنگی یکسان بسر آمده، مرزها حتی اگر با قوانین محکم و با پلیس و سرباز محافظه شود یکی پس از دیگری بطور نامرئی فرو می ریزد و بشریت راهی جز اتحاد و یگانگی و تقسیم مواهب و ثروت خود بطوریکه همگان را در بر گیرد ندارد. در توفیق مبارک تولد مدنیت جهانی که در سال ۱۹۲۶ صادر شده، حضرت ولی امرالله پس از اشاره به انواع مشکلاتی که بشریت با آن دست بگریبان بوده و خواهد بود گوئی امروز جهان را روبروی چشم

سی و شش سال پس از صعود حضرت شوقی ربانی و هفتاد و دو سال پس از تاریخی که مقام ولایت را احراز فرمودند (۱۹۲۱)، هیچگاه وجود و حضور آن مولای محبوب مثل حالا در جامعه بهائی و در عرصه وقایع جهانی محسوس نبوده است. هر چه زمان گذشته و با هر دهه که تحولات گوناگون بهائی گیتی را درنوردیده چشم آگاهان بر حقایق و واقعیت هائی که حضرت ولی امرالله در طی نامه ها و توقیعات خویش در توضیح و تشریح سیر تمدن بشری بیان می فرمودند روشن تر شده است. توقیعاتی که در دهه های بیست تا پنجاه این قرن خطاب به جامعه کوچک بهائی آن روز از گوشه گمنامی در جهان چون فلسطین صادر می فرمودند، البته برای بهائیان، حتی اگر به عظمت و اهمیت آن پی نبرده و به مفهوم واقعی آن آگاه نمی شدند، آثاری گرانقدر از قلم مولای محبوبشان بود که بجان گرامی می داشتند. از نظر غیر بهائینی که به این آثار دسترسی می یافتند محتوای آنها، آرزوها و پیش بینی های مصلحی بشر دوست نسبت به آینده جهان بود که تحقق آنها با توجه به مسیری که حوادث جهان می پیمود تقریباً غیر ممکن می نمود. اما امروزه آنان که افتخار آشنائی نزدیک با آثار حضرتش را دارند، با توجه به سیل پرشتابی که همه چیز را در سر راه خود ویران نموده و هر اصل و پایه ای را از ریشه بر می کند، در برابر دوراندیشی شکفت ایشان، قدرتی که برآورد مسیر تاریخ جهان در آثارشان

عالم انسانی بطور کلی به جان در آرزوی اتحاد و یگانگی است تا بلکه مقهوریت و مظلومیت دیرینه اش بسر آید. اما هنوز با سرسختی از آغوش نور می گریزد و از اینکه جبین تمکین بر آستان قدرت اعلائی نهد که او را از این مخمصه و بلای مبرم می رهاند سر می پیچد.

از کتاب نظم جهانی بهائی، ص ۱۶۲، ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم

سرنوشت نهائی بشر مقدر فرموده می پردازند. در کتاب گوهر یکتا، حضرت حرم روحیه خانم به علاقه فراوان حضرتشان به کوه نوردی و تسخیر قلّه های بلند و پر برف کوههای سویس اشاره فرموده اند و اینکه چگونه در سالهای آغاز ولایت بخاطر تألمات روحی تک و تنها راهی سویس می شدند و هفته ها در کوهها و بر فراز صخره های سر به آسمان کشیده در سخت ترین شرایط زندگی می کردند. این روح کمال طلب و اوج گرا در آثار قلمی مبارک و در تزیین باغهای مقامات، در مجسمه های شاهین بلند پروازی که به تعداد فراوان در آن بهشت زمینی کار گذارده شده خود را تجلی می دهد. این روح در اوج رفیع افلاک به تابش انوار جانبخش حضرت بهاء الله روشن می شود و قلم حضرتش در گفتگو از نقطه کمال تمدن بشریت یعنی تحقق وحدت عالم انسانی می پرسد:

کیست که بتواند بلندی اوج اعلائی را که منزلگاه طیر فکرت انسانی از قفس رسته است تقدیر کند؟ کیست که بتواند فضای جانفزائی را که روان آدمی به پرتو انوار درخشنده حضرت بهاء الله کشف می کند تصویر نماید؟ (از کتاب نظم جهانی بهائی، ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم ص ۱۷۰) اینک در آغاز سخن گفتیم وجود و حضورشان هیچگاه این چنین در جامعه بهائی و

اتحاد اهل عالم درخشان ترین مرحله ایست که حال جامعه انسان رو بآن روان است. اتحاد خانواده، اتحاد دولت و شهر و اتحاد ملی مراحل است که بشر آنها پیموده و با موفقیت پشت سر گذاشته است و امروز اتحاد جهان است که هدف و مقصد بشر سرگردان است. دوره ملت سازی سپری گردیده و هرج و مرجی که از ایجاد دولت های ملی مختلف ناشی شده به اعلی درجه خود نزدیک می شود. لهذا جهانی که به بلوغ می رسد باید خود را از سر این بت برهاند و وحدت و یگانگی جمیع روابط انسانی را قبول کند و یکباره دستگامی را براه اندازد که این اصل اصیل وحدت را در آن تجسم بخشد.

از کتاب نظم جهانی بهائی، ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم ص ۱۶۲ و ۱۶۴

حضرت ولی امرالله در آثار خود تاریخ جهان و اتفاقات آنرا، از ابتدا تا عصرهای دور دست آینده، سیری تغییر ناپذیر بسوی وحدت عالم انسانی و سرنوشت شکوهمند نهائی بشر می دانند و نه مانند برخی از مورخین حوادثی جدا و بی ارتباط از هم که بطور اتفاقی رخ می دهد. امر مقدس الهی محور این وقایع و نیروی عظیم محرکه بشریت بسوی وحدت و یگانگی است. این امر اعظم نقطه اوج همه ظهورات قبلی است، چون سیلی خروشان بر پهن دشت جهان جاری می باشد و می رود تا بهار جاودان روحانی را در گیتی استوار سازد. با چنین اعتقاد راسخی افراد احباء، سپاهیان حیات را به پیش می خوانند تا به فتح روحانی کرمه ارض پردازند و در این راه دمی آسوده ننشینند و آرام نگیرند.

برای حضرت شوقی ربّانی هدف ها همه والاست و در عالیترین قلّه های خدمت و جانبازی جا دارد. جهان را از مکانی بسیار رفیع و دور می نگرند و با آگاهی از تحولات دهه ها و قرنهای آینده آن به تبیین آنچه قلم اعلی برای

پاشیده  
شاد و  
فساد  
صحیح  
چاره ای  
ت.  
رفته هر  
میونها  
فقیر، یا  
نژادی و  
ی هجوم  
جنگهای  
و سلاوی  
ده واره  
فته و در  
ش باور  
جر می  
همگون  
مرزها  
و سرباز  
نمرنی  
یگانگی  
همگان  
ت تولد  
در شده،  
ه انواع  
ب آن بوده  
ری چشم

نویسد: فریاد و فغان زیادی بلند بود. ناله ها، اشکها و فریادها به آسمان می رسید. بچه ها که بزرگترها را آشفته و سرگردان می دیدند خود به اطراف می دویدند و نمی دانستند چه بکنند. خانه پر از مردم بود و فریاد گریه از همه جا شنیده می شد. نوحه و شیون و فغان آن شب غیر عادی بود، فقط حضرت ورقه، علیا در حالیکه اطفال دور و برشان نشسته بودند در اطاق خود آرام و ساکت قرار داشتند... بعدا بمن گفته شد که حضرت ولی امرالله (با ملاحظه این وضع) فرموده بودند، خدمت به امر به این گریه و زاری ها ترجیح دارد (۱).

تعلق خاطر شدیدی که حضرت شوقی ربّانی به حضرت عبدالبهاء داشتند فراوان تر از آن بود که به وصف آید. ولی حضرتشان با قلب داغدار خود و با ملاحظه، تألم و غم هزاران بهائی در شرق و غرب عالم بجای سوگواریهای پیاپی، در طی توفیعات متعدد با جملات و کلماتی جانبخش و روح پرور، در کالبد آنان که از صعود مولای محبوب خود حضرت عبدالبهاء افسرده و دل آزرده بودند جان تازه دمیدند، شور و هیجانی بی مانند برانگیختند و نشاط و امید فراوان در دلها آفریدند و افق های جدیدی از خدمت و جانبازی به سانی که کمتر در تاریخ امر نظیر داشت بر روی بهائیان گشودند.

تحول بزرگ دیگری که حضرت شوقی ربّانی بوجود آوردند و اغلب نادیده از آن می گذریم تغییر کیش شخصیت پرستی در جامعه، و هدایت نمودن انظار احباء از افرادی که در جامعه اسم و رسمی داشتند، به نظم بدیع و اساس و روح امر بود. ایشان بخوبی دریافته بودند که ادامه کیفیت که در زمان حضرت عبدالبهاء جاری بود در آینده میسر نخواهد بود. نه تنها مایل به تقلید از سبک گفتار و نوشته ها و رفتار حضرتشان نبودند بلکه عصر رسولی را که با صعود حضرت عبدالبهاء بخاتمه آمد و عصر تکوین را که با افتتاح الواح وصایا و ولایت امر

در جهان احساس نمی شود نه فقط بخاطر مطالعه تحولات اجتماعی و سیاسی دنیا در دهه های اخیر با توجه به توفیعات و آثار ایشان است، بلکه بخاطر این نکته مهم نیز هست که پیشرفت و گسترش آئین الهی در اطراف و اکناف جهان، و حفظ وحدت و انسجام و یکپارچگی جامعه بهائی با ملیت ها و نژادها و فرهنگهای گوناگون، مرهون پایه و اساسی است که حضرتشان در بنیان نهادن نظم بدیع الهی ریختند و در وقتی که تعداد محافل روحانی جهان به صد عدد هم نمی رسید و تعداد محافل ملی از انگلستان يك دست تجاوز نمی نمود دورنمای روزی را در برابر خود مجسم می دیدند که پهنه جهان به انوار اسم اعظم روشنائی گرفته و هزاران هزار محفل روحانی محلی و ده ها محفل روحانی ملی تشکیل شده است.

مورخین بهائی و نزدیکان ایشان بر این متفقند که حضرتشان وجود خود را بکلی وقف امرالله و خدمت به آستان الهی نموده و هر چیز دیگر را فراموش نموده بودند. این نکته وقتی اهمیت می یابد که به ما حاصل سی و شش سال دوره ولایت نگاهی بیافکنیم و با توجه به دستاوردهای وسیع و متعدد حضرتش، آن هم تک و تنها، به این اصل مهم توجه کنیم که در قاموس حضرت شوقی ربّانی خود را فدا و وقف امر مبارک نمودن مساوی با خدمتی سازنده و کوششی مثبت برای بنا ساختن نظم جهانی و ترویج امر الهی، ترجمه آثار مقدسه بزبان انگلیسی، تألیف تاریخ و نگارش توفیعات، توسعه موقوفات بهائی و ساختمان و زیباساختن مقامات مقدسه بود و نه چیز دیگر. به همین کیفیت آنچه از احباء می خواستند برداشتن قدمی در تبلیغ و ترویج امر، و یا کوشش و تلاشی برای مهاجرت و تشکیل محافل روحانی و خدمات چشمگیر دیگر بود. نمونه این روحیه ایشان را در این روایت از يك زائر غربی در نخستین زیارتش که مصادف با سومین سال صعود حضرت عبدالبهاء بوده است می بینیم. می

و در بیان دیگری به زبان فارسی خطاب به احبای ایران می فرمایند:

"رجای اخیرم آنست که در مراسلات و مذاکرات احبای الهی جز به شوقی افندی مرا مخاطب نسازند. فخر و مباهاات این عبد به این نام است و بس چه که از فم اطهر صادر می گشت و در نظرم از هر اسم و لقبی عزیز تر و شیرین تر و شریفتر است و هم چنین احترامات فائده و تعظیم و تکریم از هر قبیل مخالف و مباین حال و تمنای این عبد است. نظر برادرانه نمایند و این نظر را در اعمال و اقوالشان نسبت به این فانی ابراز و اظهار نمایند." (۷)

این بیانات کاملاً با حالات و روحیات حضرتشان موافق است، حجب ذاتی، دوری گزیدن از هر نوع تظاهر و ناچیز شمردن خدمات خود تا بآنجا رسید که امروز وقتی زائری به ارض اقدس می رود و ساختمان مقام مقدس اعلی و باغهای زیبای روضه مبارکه و اطراف قصر بهجی و سایر تأسیساتی که به دست قدرت حضرتش با زحمات و مشقتات شبانه روزی بوجود آمد ملاحظه می کند، می بیند که هیچ جا اسمی و رسمی از ایشان نیست و شاید این گریزانی از نام و نشان بود که باعث شد حتی مقام ابدی ایشان هزاران کیلومتر از اراضی مقدسه دور باشد.

چنین افتادگی و خضوع و دوری جستن از هر نوع نام و نشانی را که در مورد خود با چنین وسواسی رعایت می فرمودند در مورد سایر خادمان به ساحت الهی، مبلغان و مهاجران و آنان که زندگانی خود را وقف امر نموده بودند روا نمی دانستند. هر جای جهان بهائی هر شخصی در خدمت امر می کوشید با تشویق و عنایت فراوان حضرتش مواجه می شد. هنگامی که دورتی بیکر مبلغه شهیر امریکائی در یک سفر تبلیغی در سانحه سقوط هواپیما کشته شد، طی تلگراف تسلیت عمیق و پر شوری خطاب به عالم بهائی، ضمن تمجید از خدمات جاودانیش به او

لقب ایادی امرالله اعطاء نمودند. خانم کیث رانسوم کهلر را که از طرف جامعه بهائیان امریکا برای تماس با اولیاء امور و کوشش در تخفیف فشار و ظلم به احبای، به ایران آمده بود و در سن ۵۵ سالگی در اصفهان به بیماری آبله درگذشت طی تلگرافی با گرمترین و صمیمانه ترین احساسات ستودند، شهادت و وفاداری و اراده محکم او را تقدیر فرمودند، و به لقب نخستین شهید جامعه بهائیان امریکا مفتخر داشتند (۸). به احبای اصفهان دستور فرمودند که او را در جوار مرقد نورین نیرین بخاک بسپارند، جمله سنگ قبر او را که مشخص می داشت "حیات گرانبهایش در راه امر مبارک در موطن حضرت بهاءالله فدا شد" (۹) خود انتخاب و تلگراف تسلیتی که نشان دهنده عنایت بی پایانشان به آن سرباز جانفشان آستان حضرت بهاء الله بود به احبای اصفهان مخابره فرمودند. (۱۰) هم چنین بود عنایات بی نظیر حضرتشان در حق مارثا روث که پس از ایمانش آنی آرام نجست و در سفرهای تاریخی خود موفق به ملاقات بزرگان و سران ممالک گردید که از جمله ایمان علیاحضرت ماری ملکه رومانی را بدنبال آورد. در صعود او حضرت ولی امرالله جایگاهش را در "کهکشان ستارگان جاودان امر حضرت بهاءالله" دانسته وی را به القاب و صفاتی چون "نخستین و عالیترین میوه ای که عصر تکوین تاکنون فراهم آورده... سرآمد ایادیانی که وصیت نامه حضرت عبدالبهاء در نخستین قرن بهائی به خدمت برانگیخته" (۱۱) مباحی و مفتخر فرمودند.

برخی از خادمان درگاه الهی را ضمن تشویق و عنایت فراوان به مقام ایادی امرالله برگزیدند تا نامشان در تاریخ جاودانی گردد، و آنان را که خدمات خاصی در زمینه معینی نموده بودند نوعی دیگر به اوج افتخار رساندند. از جمله نامگذاری باقی مانده ابواب مقام مقدس اعلی به نام شخصیت هائی چون جناب قصابچی، و دکتر جیاگری، مهندس ماکسول و آیوآس،

محبوب الشهداء و اعطاء لقب نخستین شهید امریکائی به آن بانوی فداکار، بهائیان دو کشور ایران و امریکا را حتی بطور ظاهر و محسوس، از طریق این شهیدان راه الهی که اینک در جوار هم آرمیده بودند بیکدیگر مربوط ساخت و یاد آور جامعیت و قوه جهانگیری این پیام جانبخش گردید. در مورد میس مارثاروت، پس از صعودش دستور فرمودند مقام او را در نقطه ای مخصوص در هونولولو که تلاقی شرق و غرب باشد بنا سازند تا نشانی از خدمات فراموش نشدنی وی در شرق و غرب عالم تلقی گردد، و خود عهده دار شرکت در مخارج ایجاد ستون یاد بود برای آن مبلغ نام آور امر الهی شدند تا قدردانی و حق شناسی شخص حضرتش به عنوان ولی امر الهی به خدمات او ادا گردیده باشد. انتقال رمس مطهر حضرت ورقه علیا و حضرت غصن الطهر را به جوار مقام مقدس اعلی طی تلگراف مهمنی در تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۳۹ به اطلاع جامعه بهائی امریکا رساندند و در تلگراف دیگری که شش روز بعد مخابره فرمودند تصادف این اقدام تاریخی و مهم را با تصمیم جامعه بهائی امریکا مبنی بر جمع آوری وجوه کافی برای ساختن طبقه نخستین مشرق الاذکار که در همان روز انتقال اجساد مطهره اتخاذ شده بود، مورد تأکید و نظر قرار داده و به برکت این تقارن، احباء امریکا را به قیام برای به پایان رساندن بنای مشرق الاذکار دعوت و آنان را به انجام آن مطمئن فرموده اند. (۱۲)

زمان آغاز و انجام نقشه های تبلیغی که طرح می فرمودند نیز تصادفی نبود. از جمله شروع نقشه ده ساله جهاد روحانی، که سال ۱۹۵۲ را که با یکصدمین سال اظهار امر خفی حضرت بهاله در زندان سیاه چال طهران مقارن بود سال مقدس اعلام فرموده، و با آمادگی روحانی احباء سراسر جهان، پایان آنرا با شروع نقشه ده ساله جهاد کبیر اکبر مقارن فرمودند. از اینگونه مثالها فراوان در تاریخ دوره ولایت می توان یافت. بارزترین آن تشریح تقسیم تاریخ

ایادیان امرالله و یا نصب دروازه ای در اراضی حول روضه مبارکه بنام باب کالینز بیاد خدمات برجسته و فراموش نشدنی امیلیا کالینز ایادی امرالله.

ایجاد لوحه افتخار بیاد فارسان امر حضرت بهاء الله که در نقشه ده ساله به فتح نقاط مخصوصی موفق شدند و قرار دادن آن در آستانه ورودی روضه مبارکه، که سال پیش در شب صعود جمال ابهی طی مراسم پرشکوهی در ارض اقدس به انجام رسید یکی دیگر از نمونه های تشویق و تمجید هیکل مبارک از خادمان امر الهی و وفاداری و احترام عمیق ایشان به چنین افرادی بود.

با اینهمه نباید فراموش کرد که جامعه بهائی را در سراسر جهان از شخصیت پرستی بر حذر می داشتند. در تلگرافی خطاب به محفل ملی امریکا می فرمایند: "با تمام قلب و بدون هیچگونه تأمل این اصل را که شما نیز به آن اشاره کرده اید تصویب می کنم که جامعه نباید دور شخصیت ها بنا شود بلکه آنها، هر قدر هم که مقام و خدماتشان بالا باشد، باید تحت هر شرایطی مطیع محافظی که با اصول صحیح بنا گشته باشند. هر قدر این اصل اساسی تشکیلات بهائی مورد تأکید و توجه قرار گیرد باز کم است. (۱۲)

نکته شایان توجه دیگر آنست که می بینیم هیکل مبارک حضرت ولی امرالله وقایعی را که اتفاق می افتاد و نقشه های تبلیغی که قرار بود آغاز شود از سوئی با گذشته قهرمانی و پر افتخار، و از سوی دیگر با آینده شکوهمند امر مربوط ساخته و بطور دقیق تمام وقایع تاریخی و اقدامات و دستاوردهای جوامع و افراد بهائی را در محیطی الثیری و روحانی که یک سر آن ظهور حضرت رب اعلی و سر دیگر آن هاگیری تمدن الهی بر روی کره ارض بود مربوط و ممزوج می دانستند. برای مثال اراده ایشان مبنی بر قرار دادن مرقد میسز کهلر در کنار مرقد دو شهید نامدار دوره جمال ابهی، سلطان الشهداء و

نم کیث  
بهائیان  
شش در  
مده بود  
ری آبله  
سمیمانه  
داری و  
به لقب  
مفتخر  
دند که  
سپارند،  
دشت  
موطن  
خواب و  
یت بی  
حضرت  
مخابره  
نظیر  
یانش  
د موفق  
که از  
مبی را  
مرنله  
دن امر  
صدتی  
عصر  
ینی که  
تین قرن  
مفتخر  
ضمن  
مرنله  
شردد، و  
نی نموده  
دند. از  
مقدس  
بچی،  
یواس،

بهائی از آغاز تا قرنهای متمادی آینده به قسمت هائی مانند دور، عصر، و عهد است که هر یک از آغاز ظهور با وقایع مهم و برجسته تاریخی مشخص گردیده و کیفیت و حالت مخصوص زمان و دوره خود را دارد (۱۴)

بدین ترتیب هیکل مبارک فلسفه جدیدی از تاریخ ارائه دادند، بجای آنکه هر واقعه تاریخی در کشوری خاص اساس و مبدأ چرخش تاریخ و ورق خوردن فصلی جدید قرار گیرد، اینک تاریخ جهان یکجا در پرتو تحولات دیانت بهائی شکل می گیرد، شخصیت ها از قالب ملی و نژادی خود در آمده شکل جهانی می گیرند و حتی پس از مرگ خود در پهندهشت گیتی عامل و کارساز می شوند موجهای کوه پیکری که در پای ستون یاد بود مقبره مارثاروت بهم می آمیزد بصورت نمادین تلاشهای او و سایر جانبازان راه الهی را در ترویج امر در شرق و غرب جهان مجسم می سازد، و در عین حال این تلاشها از انقباض پاک او مدد می گیرد. زنان و مردانی که در نقشه دهساله برای مهاجرت و خدمت قیام می نمایند از نیروی قدسی و روحانی عظیمی که به برکت یکصدمین سال اظهار امر جمال جانان در جهان ساطع است مدد می یابند، و تحولات اساسی در جهان بهائی در کوچکترین نقاط دنیا حتی اگر بظاهر از آن تحول سهمی نبوده باشند تأثیر می گذارد و آن جوامع را وارد عهدی جدید از تاریخ می نماید.

حضرت ولی امرالله، با بهره مندی از موهبت تبیین آیات الله، به امر الهی وسعت و گسترش دیگری دادند و در هر زمینه مرزهای بر آن گشودند که هنوز نسل های آینده باید به شناسائی و کشف آن بپردازند، تحولات جهان را در پرتو آن بسنجند، امر الهی را در پناه آن تبیین ها و آثار به قلّه های شامخ پیروزی برسانند و جهانی نو که اساس آن وحدت عالم انسانی است بنا سازند، و ای خوشا پویندگان این راه، چه که در هر قدم مولای خود ولی امرالله را در این مجاهدات حاضر و همراه خواهند یافت. پایان

## یادداشتها

۱- Marzich Gail, *Khanum, The Greatest Holy Leaf*, George Ronald, 1981. p. 20-21

۲- علیقلی خان نبیل الدوله که چندی در حضور حضرت عبدالیهاء به ترجمه آثار و نامه های مبارک به انگلیسی اشتغال داشته و سه سال پس از صعود مبارک با خانواده خود مشرف می شود، شبی در ارض اقدس به همسر و دختر خود اینطور حکایت می نماید امروز وقتی در حضور حضرت ولی امرالله در اطراف مقام مقدس اعلی در کوه کرمل قدم می زدیم در یک نقطه معینی توقف نموده و به من فرمودند که بکلی با حضرت عبدالیهاء خود را متفاوت می دانند. علیقلی خان اضافه می کند عجب آنکه در همین نقطه بود که سالها قبل روزی در حضور حضرت عبدالیهاء قدم می زدم و ناگهان توقف نموده و اظهار فرمودند که ایشان بکلی با حضرت بهاء الله متفاوت هستند. کتاب بالا ص ۱۵

۳ تا ۷- کتاب دور بهائی، ترجمه فارسی *The Dispensation of Baha'u'llah* صادره از قلم حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۲۴، مجله ملی نشر آثار امری به زبان فارسی، لانگنهاين، آلمان ۴۴ بدیع، ۱۹۸۸ میلادی، صفحات ۲ - ۵۳ - ۸۵.

۸- رجوع شود به تلگراف مبارک مورخ ۲۰ اکتبر ۱۹۲۳ *Messages to America, 1933/1946, p.3*

خطاب به جامعه بهائی امریکا، ترجمه فارسی در کتاب اختران تابان جلد ۱، ص ۲۳۵ آمده است.

۹- ۱۰- کتاب اختران تابان، جلد ۱ ص ۲۵۵ و ۲۵۶  
۱۱- رجوع شود به تلگراف مبارک مورخ ۳ اکتبر ۱۹۳۹ خطاب به جامعه بهائی امریکا

*Messages to America, 1932-1946 p. 30*

۱۲- رجوع شود به تلگراف مبارک مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۲۳ خطاب به جامعه بهائی امریکا

*Messages to America, 1932-1946 p. 2*

۱۳- رجوع شود به تلگراف مبارک مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۳۹ و ۳۰ دسامبر ۱۹۳۹ خطاب به جامعه بهائی امریکا

*Messages to America, 1932-1946 pp. 30-38*

۱۴- برای شرح بیشتر رجوع شود به توفیق منبع مبارک مورخ رضوان ۱۰۵ بدیع، در کتاب توقیعات مبارکه، نشر آلمان ۱۹۹۲، ص ۲۷۳

# کلیاتی درباره

## پیام های عمومی

### حضرت ولی امرالله

دکتر مهري افنان

ولایت در مدّ نظر حضرتش بود و یاران راستان به مدد هدایت و صیانت آن حضرت باحراز آنها توفیق یافتند .

در توقیعات اولیه (۱۹۲۲ - ۱۹۲۳ میلادی)، هیكل مبارك به هدایت جامعه در تأسیس نظم اداری امرالله می پردازند و در این سبیل قدم به قدم یاران الهی را در ایران و سایر ممالک شرقیه راهنمایی می فرمایند . حفظ وحدت جامعه و تشویق بر تبلیغ و اشاعه امرالله و ثبات و استقامت و توجه و استعانه از حیّ قدیر در اکثر توقیعات مبارکه مورد نظر بوده است . بتدریج به تعلیم نحوه تأسیس محافل روحانیه که بالمآل منجر به تأسیس "محفل مرکزی" و تشیید اساس بیوت عدل الهی می گردد می پردازند . سپس اصول شور و مشورت را بیان می فرمایند و امر به تشکیل لجنات امریه در ظل محافل روحانیه برای تصدّی امور امریه مانند "امر تبلیغ" و "مخابرات امریه" ، طبع و انتشار الواح و کتب و مقالات امریه و "تنظیم محافل و مجالس احبّاء" ، تأسیس مدارس بهائی و "امر مشرق الاذکار" می فرمایند .

"اشترک بمجلات امریه" مانند نجم باختر، البشارة و خورشید خاور و نوشتن مقالات امریه در نهایت اتقان و متانت و سلاست و ارسال اخبار و بشارات برای سرور قلوب احبّاء ، استفسار از عده احبّای الهی (شروع امر احصائیه) ،

در میان آثار حضرت ولیّ مقدّس امرالله به زبان فارسی که در سراسر دوران ولایت ۳۶ ساله آن حضرت عزّ صدور یافته است توقیعات عمومیّه حضرتش دارای مقامی خاص و حاوی رسالتی مخصوص است . مطالعه این توقیعات مبارکه بخوبی این نکته اساسی را روشن می دارد که حضرتش از همان ایام اولیه که ردای ولایت امرالله بر قامت مبارکش قرار گرفت و بموازات اوقات و احیائی که با توسّل بذیل دعا و استغاثه و استعانت از ساحت حیّ توانا وجود مبارکش را برای در دست گرفتن سگان سفینه امرالله آماده می فرمود ، نقشه و برنامه های اصولی و بنیادی برای تنظیم و ترتیب امور و خدمات جامعه و تربیت روحانی و اداری محافل و افراد احبّاء در خاطر مبارکش نقش می گرفت و هدف آن حضرت آن بود که بتدریج و با پیشرفت زمان و اقتضای اوضاع و احوال حصول باین اهداف را برای یاران عزیزش میسر فرماید . تأیید و تشویق پیروان امر بهاء به خدمت به امرالله و به ثبوت و رسوخ بر میثاق الله ، حفظ وحدت بهائی ، استحکام ارتباط بین مراکز امریه ، ترویج تبلیغ در شرق و غرب عالم ، تمهید مقدمات تأسیس بیوت عدل عمومی یعنی وضع اساس و تشکیل محافل روحانیه و محافل مرکزی و برقراری ارتباط کامل با ارض اقدس و آن هیكل مکرم ، از اهداف مهمه ای بود که در تمام دوران

شرکت اماء الرحمن در انتخابات و داشتن حق تصویب یعنی ابدای رأی، در توفیعات بعدی هیکل مبارک مطلع نظر قرار می گیرد.

دعای آن حضرت همیشه بدرقه راه یاران و حافظ و حارس آنان است. در الواح اولیه ذکر دشواری فراق از هیکل عنصری حضرت عبدالبهاء و توجه به آستان مبارک آن حضرت و طلب تأیید از آستانش به کرات آمده است.

مخاطبین الواح احبای ایران و گاه همراه ممالک مجاوره و در بسیاری از اوقات بواسطه محافل مقدسه روحانیه در مراکز مهمه ایران و خطاب به احبای شهرهای اطراف آن مراکز است.

در بسیاری از توفیعات، ضمن توصیف اوضاع جاری جهان و انقلابات مستولی بر آن، اشاراتی راجع به رواج مرام مادی و اهمیت اثبات "لزومیت دین" به دلائل "قولی و فعلی" به مفسدین و مادیون عالم و اینکه بالاخره "مادیون عالم خود قیام نمایند و این آشوب و فتن را بدست خویش خاموش کرده بنیان بیدینی مغرطشان را از اساس براندازند" ملاحظه می گردد. عدم مداخله در امور سیاسی، تبلیغ، لزوم رعایت حکمت، تبلیغ به اعمال و تحسین اخلاق و تربیت افراد از مطالبی است که در بسیاری از توفیعات مبارکه مورد نظر بوده است. اهل بهاء را به "مدعوین مائده رحمانی و ممتازین ملکوت الهی" مخاطب می فرمایند و دعای مبارک در لیالی و ایام در سه بقعه مبارکه در حق یاران عزیز مستمر است.

مسائل مربوط به تربیت اطفال و جوانان در توفیعات مبارکه مطرح و ذکر موفقیت های یاران در خارج از ایران و جریان تبلیغ و پیشرفت سریع امرالله در غرب و سراسر عالم در آنها منعکس می گردد. به موازات این ترقی سریع امر در شرق و غرب جهان، "مطالب و لوازم و احتیاجات عمومیّه احبای در قطعات و اقالیم عالم" و بطریق اولی "مشاغل ذهنی و عملی" هیکل مبارک رو بافزایش می گذارد معذک هدایت آن ولی امر نازنین، و معصوم از خطا آنی از یاران

عزیزش در شرق علی الخصوص کشور مقدس ایران، مقطوع نمی گردد.

لزوم ارسال راهرت مرتب از اوضاع و احوال امریه از سراسر ایران عموماً و طهران خصوصاً و لزوم مکاتبات محفل مقدس طهران با هیکل مبارک را مرتباً تأکید می فرمایند. در خلال تمام توفیعات مبارکه به اقتضای هر مورد نصایح و تعالیم اخلاقی برای حفظ و تحکیم اساس اعتقادات روحانی و آداب بهائی ملاحظه می شود و از بیانات مقدسه جمال اقدس ابهی و مولای مهربان حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه بکرات استشهاد می فرمایند.

بتدریج اهمیت تشکیل محافل مرکزی و نحوه انتخاب آنها و تعیین عدد و کلاه، لزوم تهیه نظامنامه محفل روحانی را متذکر می شوند زیرا تا آن "محافل خصوصی و مرکزی مکملاً مرتباً قانوناً تشکیل نگردد و دائر نشود تأسیس بیت عدل اعظم ممکن نه ..."

بیانات مبارکه در تشویق و تحریض احبای بخدمت و تبلیغ و ایجاد روح امید و نشاط در بحبوحه انقلابات، بی نظیر و عدیل است و هر جمله و عبارتی روح حیات در کالبد یاران می دمَد و قوت و قدرتی مافوق امکانات بشری در آنان تولید می کند.

تأسیس صندوق خیریه، تأسیس مدارس دختران و پسران "اجرای وسائل فاعله از برای ترقی امر زنان" و تشکیل لجنه ای مخصوص جهت "تشویق و تحریض و تعزیز و تکریم حضرات اماء الرحمن و تعلیم دختران و اکمال و توسعه محافل و مجالس زنان و معاونت آنان با مردان در خدمات امریه و تحکیم اساس محافل روحانی"، تأکید در جلوگیری از اختلاف و عدم ائتلاف و بالاخره ارسال بشارات ترقی امر در شمال و جنوب و شرق و غرب عالم، مطالبی است که در توفیعات اواخر سال های ۱۹۲۲ و شروع ۱۹۲۴ به چشم می خورد و در خلال اوراق این توفیعات مبارکه پس از گذشت دو سال از صعود مولای شفق و حنون حضرت عبدالبهاء، مراتب تأثر و



۱

بسم الله الرحمن الرحیم  
 حضرت ولی امرالله، که در آوریل ۱۹۹۲ صادر گردیده و در آن اعلام فرموده اند که بخاطر تألمات روحی ناشی از صعود حضرت عبدالبهاء و کارشکنی های دشمنان امر، ارض اقدس را ترک فرموده امور را برعهده حضرت و رفته علیا محول فرموده اند.

۲

دستخط حضرت ولی امرالله، که در آوریل ۱۹۹۲ صادر گردیده و در آن اعلام فرموده اند که بخاطر تألمات روحی ناشی از صعود حضرت عبدالبهاء و کارشکنی های دشمنان امر، ارض اقدس را ترک فرموده امور را برعهده حضرت و رفته علیا محول فرموده اند.

مطالبی است که در توقیعات سال های ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ مذکور است. غم هجران و فراق مرکز میثاق همچنان در قلب مبارک زنده است و در مناجات های مبارکه صادره در خلال این توقیعات و خطبه الواح مبارکه، واضح و مشهود است: "اینها المحترقون من نارالفراق ..." و "ای مولای توانا از عالم بالا نظری باین بندگان بینوا نما و آه و این این خسته دلان را اجابت کن ..." نمونه ای است از این سوز و احتراق.

توقیعات مبارکه جنبه تشویق و تعلیم هردو را داراست. تأیید شدید اقدامات مثبت مهمه و ترغیب به ادامه فعالیت های سابقه و ازدیاد خدمات لاحق می فرمایند. در مصائب و بلایا و وقایع شهادت احباً همدردی و رأفت و شفقتی بروز می دهند که به وصف نیاید: "ای حی توانا و مولای بیهمتا تو دادرس ضعفائی و یگانه ملجأ اولیاء، پناه خسته دلانی و دستگیر هر درمانده،

اندوه هیکل مبارک به وضوح محسوس است. توقیعات مبارکه از سال ۱۹۲۴ میلادی، بواسطه محفل مقدس روحانی مرکزی ایران به احباً ابلاغ می شود و تأکید بیشتر بر فرائض اصحاب شور و محافل روحانیه است.

امر به استنساخ و جمع و ترتیب و حفظ آثار نازله از قلم جمال اقدس ابهی و حضرت اعلی و حضرت عبدالبهاء که از احتیاجات ضروریه بیت العدل عمومی است و تشکیل جنبه ای مخصوص این امر در ظل محافل محلی و مرکزی، "ابتیاع مواقع متبرکه و نقاط تاریخیه، و ثبت آن بنام محفل مرکزی، تخصیص محلی مناسب برای تعیین مرکزیت امر الهی بنام "حظیره القادس"، تشکیل محفظه آثار امریه و بالاخره بشارت تأسیس محفظه آثار امری در ارض اقدس و "ابتیاع اراضی مجاور مقام مقدس در جبل کرمل" و سعی و همت یاران امریک در بنیان مشرق الاذکار



علیاحضرت ماری ملکه رومانی

بینوا... نمونه ای از آن و در عین حال با ذکر پیشرفت امر در ممالک غرب و شرح خدمات تبلیغی و اسفار مارثاروت "به دیار بلغار و صقلاب" و ربودن قلب آزاده ملکه تاجدار آن دیار علیاحضرت ماری، با کلمات و جملاتی بس نافذ و دلنشین قلوب غمدیده یاران شرق را تسلی و تسکین عطا می فرمایند.

"ای برادران و خواهران روحانی آه مظلومان است که این شور و آشوب را در دل و جان مهتران اروپا افکنده و افروختگی رخ جان نثاران ممتحن ایران است که انعکاسش در قلب لطیف آن ملکه زمان ظاهر و هویدا گشته."

اولین پیام عمومی آن حضرت مورخ ۱۹ ک ۲۰- ۱۹۲۲ میلادی است و تا سال ۱۹۲۶، مجموعاً ۴۹ توفیق عمومی از قلم معجز شیم آن حضرت نازل گردیده که باضافه ۱۲ توفیق دیگر یعنی جمعاً ۶۱ عدد در ۲۲۰ صفحه همراه با فهرست عناوین و مخاطبین و تاریخ صدور، در ابتدای مجموعه و لغت نامه ای در آخر آن، در سال ۱۲۹ بدیع توسط مؤسسه مطبوعات امری در ایران بطبع رسیده است.

از سال ۱۹۲۷ میلادی به بعد بسیاری از پیام های مبارک خطاب به امنای محفل روحانی مرکزی و نمایندگان انجمن های شور روحانی و شامل ترغیب و تشویق آنها به خدمت و حفظ امرالله

از شر ناقضین، نحوه اجرای انتخابات بهائی در ایام رضوان، تعیین عدد نمایندگان (۹۵) و لزوم تهیه احصائیه مرتب و صحیح می باشد و بالاخره ذکر این مطلب که محافل روحانی مرکزی در آینده ایام به بیوت عدل خصوصی معروف و موصوف خواهند شد.

در پیام مبارک مورخ ژانویه ۱۹۲۹ که خطاب به جمهور بهائیان در اقطار شرقیه و اعضای محافل مقدس روحانیه است، هیکل مبارک پس از شرح مختصری از وقایع ایام حیات مبشر و شارع قدیر و مرکز عهد الهی، تاریخچه ای مختصر از سقوط امپراطوری و خلافت عثمانیان و عاقبت امور حکومت های مختلفه شرقیه را ارائه می فرمایند و یکی از فرائض اولیه و حتمیه بهائیان را در سراسر عالم، اثبات جامعیت امر حضرت بهاءالله و تعمیم معارف و احکام بهائیه و ایجاد و تشیید روابط رسمی با اولیای امور و لزوم تفرس در حال مصدقین و تفاهم و تعاون در جامعه بیان می فرمایند.

در پیام ۲۷ نوامبر ۱۹۲۹ دستور اتمام مشروع بنای اولین مشرق الاذکار باختر و در پیام آپریل ۱۹۳۰، دستور مشاوره برای تهیه وسائل انتخاب محفل ملی ایران را ابلاغ می فرمایند. از نوروز سال ۸۸ بدیع (۱۹۳۱ میلادی) توفیقات مبارک مفصل تر و تقریباً شامل سه قسمت عمده خطبه، تاریخ امر و فتوحات حاصله تا تاریخ صدور لوح و بالاخره تشویق و تحریر احبای الهی به خدمات آینده می باشد.

توفیق مبارکه نازله را در ۱۵ تموز ۱۹۳۲ مطابق ۲ شهرالکلمات ۸۹ در رشای صعود حضرت ورقه مبارک علیا و شرح ایام حیات سراسر رخ و ابتلاء آن خانم اهل بها و زحمات و خدمات و فداکاری ها و عنایات و رأفت و محبت آن وجود عزیز است. عبارت "ای خانم اهل بها، رفتی و شکست محفل ما هم محفل ما و هم دل ما" گویای غم و اندوه آن مولای مهربان است. ادامه این مطلب در توفیق ۱۲ دسامبر ۱۹۳۲ مشاهده می شود و معذک با هجوم غموم

...اولین تجلی نظم بدیع مشعشع جمال ابهی بر بسیط غبراء چه ولوله ئی در جهان انداخته و قیام عاشقانه لشکر حیات و سپاه نجات در تأسیس و ترویج و تنفیذ مشاریع مهمه متقنه بر وفق اصول و مبادی این نظم بی همتا چه نهضتی ایجاد نموده....

از پیام مبارک مورخه رضوان ۱۰۵ بدیع

گذشته احباً تا تاریخ صدور توقیع می پردازند.  
- بعد نقشه ها و اهداف آینده امر (بجز لوح قرن که مسائل و مطالب آن جنبه تحلیل تاریخی دارد) را تشریح می فرمایند.  
- و بالاخره هر توقیع با بیانات مهیمن و مهیج و منبع در ترغیب و تشویق اهل بها و استمداد از عنایات الهیه و یا با مناجات (لوح قرن) و یا با استشهاد به بیانات مبارکه (لوح نوروز ۱۱۰) خاتمه می یابد.

توقیع مبارک مورخ نوروز ۱۰۱ بدیع به نام لوح قرن احباً شرق معروف می باشد و مقارن با کتاب قرن بدیع " (God Passes By) که به زبان انگلیسی است صادر شده است. مناجات معروف حضرت ولی مقدس امرالله "یا ربنا الاعلی نسالک بحق دمک المرشوش علی التراب ..." در این لوح منبج مندرج است.

در توقیع رضوان ۱۰۵ اصطلاحات کور و دور و عصر و عهد را برای نخستین بار بیان و تشریح می فرمایند. در این لوح تشیید بنای مقام مقدس اعلی را ذکر می فرمایند (پس از آن در تلگراف های متعدد اخبار پیشرفت این بنای مقدس را مخابره فرموده اند).

مطالب توقیع نوروز ۱۰۸ اکثراً دربارۀ رفعت شأن "ودیعہ ربانیہ" و "مقام هیکل اعز صمدانیہ" و وقایع تاریخیه ای است که در ظرف ۶۰ سال متدرجاً در ارض اقدس روی داد تا منجر به تهیه

بی حدوحصر، هیکل مبارک به شرح مبسوط وظائف امنای امرالله و ترتیب انتخاب اعضاء محفل ملی و لجنات امریه مرکزی و وضع نظامنامه ملی بهائیان ایران و قانون اساسی جامعه پیروان امر حضرت رحمن و تأسیس اوقاف بهائی می پردازند.

در توقیع رضوان ۸۹، جلوه عظمت و غلبه امرالله را در قرن اول دور بهائی در دو قاره اروپا و امریکا بل تمام جهان نتیجه "امراق دماء مطهره شهیدان ایران" بیان می فرمایند و به تفصیل این انتصارات را تشریح و در شروع هر قسمت جمله فوق را تکرار می فرمایند. این توقیع مبارک یکی از مؤثرترین توقیعات حضرت ولی مقدس امرالله است. در توقیع ۲۵ دسامبر ۱۹۲۹، بشارت استقرار رمسین و زیارتنامه های مبارکه نازله به افتخار حضرت آسیه خانم و حضرت غصن اطهر و مطالب مربوط به مرکز روحانی و اداری امرالله در جبل کرم را بیان می فرمایند.

توقیعات حضرت ولی امرالله از سال ۱۹۲۷ میلادی (۸۴ بدیع) تا سال ۱۹۳۹ میلادی (۹۶ بدیع) جداگانه بصورت کتابی در ۲۰۰ صفحه و شامل فهرست مطالب بترتیب حروف الفباء و فهرست عناوین توقیعات مبارکه و مخاطبین آنها در اول کتاب و لغتنامه ای در آخر کتاب، توسط مؤسسه ملی مطبوعات امری در سال ۱۲۹ بدیع در ایران بطبع رسیده، تعداد آن توقیعات بیست عدد است که یازده عدد از آنها توقیعات عمومیۀ آن حضرت است.

از این پس توقیعات مبارکه مفصل تر و بطور کلی با طرحی مشخص تر صادر شده است.  
- اکثر این توقیعات با خطبه ای فصیح و زیبا به زبان فارسی یا عربی در حمد و ثنای محبوب ابهی و حضرت اعلی و حضرت عبدالبهاء و نیز ذکر خدمات و صدمات و زحمات احباً و استشهاد از بیانات مبارکه، هیاکل مقدسه مبارکه، آغاز می گردد.

- سپس به شرح فتوحات و انتصارات

مقدمت اولیه تشیید قبه ذهبیه مقام مقدس حضرت رب اعلی گردید. مقداری از مطالب لوح ۱۰۵ درباره دور و کور مجدداً تشریح می گردد و بالاخره پیش بینی جشن عید مثنوی حلول سنه تسع در این لوح شده است.

توقیع مبارک نوروز خطاب به هیأت مجله، ایادی امرالله، حضرات افنان، جنود مجاهدان و مهاجران، مبلغان و اعضای محافل و افراد جامعه و از توقیعات مهمه عمومیه آن حضرت است زیرا مصادف با جشن مثنوی دعوت سری جمال اقدس ابهی است و دعوت عموم احبای به اشتراک در جهاد روحانی کبیر اکبر. مطالب مهمه لوح بر همان سیاق الواح اخیره هیکل مبارک و شامل چهار قسمت مجزی است و تأکید مبارک بر تشریح اهداف بیست و هشتگانه نقشه دهساله برای فتح روحانی جهان و ذکر جزئیات این نقشه جلیله و نیز مقدمات انعقاد کنفرانس های بین القارات است و بالاخره در پایان لوح به احبای جمال رحمن اطمینان می دهند که اگر بر اجرای اهداف نقشه با انقطاع قیام نمایند و استقامت کنند "چنان نفوذی در هویت عالم امکان نماید" که "خود حیران گردند". مراحل هفتگانه مجهولیت تا استقرار سلطنت الهیه را در این لوح مبارک تشریح می فرمایند.

در توقیع منبع ۱۱۱ بدیع نیز مخاطبین مانند توقیع ۱۱۰، عموم افراد احبای از جمیع طبقات و در تمام ممالک شرق می باشد. در شرح فتوحات سنه گذشته نصب قبه ذهبیه مقام اعلی و "بشارت کبری" اعطای حق عضویت بانوان در محافل محلی و ملی و بالغ شدن عدد ممالکی که در ظل امر الهی وارد شده اند به عدد ۲۱۹ از اهم مطالب است. تاریخ فتوحات امریه را با استفاده از اصطلاحات دور و عصر و عهد بیان فرموده اند و بالاخره در ذکر اهداف آینده به تأسیسات کوه کرمل مانند دارالتشریح، و مشرق الاذکار کوه کرمل اشاره فرموده اند.

توقیع ۱۱۳ (۱۹۵۷) آخرین توقیع عمومی آن حضرت به زبان فارسی است. در خطبه این

توقیع که "متعاقب انقلاب اخیر در موطن اصلی رب قدیر" صدور یافته، بیان دریغ و افسوس از اینکه کشور ایران هنوز پس از صد سال "به کابوس ثقیل گرفتار" است می فرمایند و با استشهاد به بیانات مبارکه در ذکر بلایای وارده به آن طلعات مقدسه، با احبای ایران که به صدمات و لطمات گرفتارند همدردی فرموده آنرا تشویق و تحریص بر تشبث به ذیل اصطبار و عدم خوف از اقویای ارض، بلکه توکل بر پروردگار و تفویض امور به او که ناصر حقیقی است می فرمایند. این توقیع مبارک با توقیعات گذشته متفاوت است و در آن به تحلیل وقایع و اثرات آن در انتشار صیت امرالله و تقویت اساس آن در قلوب پیروان این آئین نازنین پرداخته و به بیان مبارک "قل ان الاعراض من کل معرض مناد لهذا امر و به انتشار امرالله و ظهوره بین العالمین" استشهاد فرموده "یاران راستان" را در این "ایام انقلاب و افتتان" به بیانات مبارکه توجه می دهند.

بطور کلی مطالب فوق را می توان باین مفهوم خلاصه کرد که هدف حضرت ولی مقدس امرالله در این توقیعات مبارکه، اجرای وصایای حضرت عبدالبهاء و ابلاغ اصول امر و خط مشی جامعه از جهت وظائف اداری و روحانی و هماهنگ کردن جامعه و رساندن آن به مرحله تأسیس بیت العدل اعظم و قدردانی و تشویق احبای و تذکر به وظائف و خدماتی است که از آنان انتظار می رود.

#### منابع مطالعه:

- توقیعات مبارکه ولی امرالله، ۱۹۲۲ - ۱۹۳۶ میلادی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ ب)، ج ۱  
توقیعات مبارکه ولی امرالله، ۱۹۳۷ - ۱۹۳۹ میلادی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ ب)، ج ۲  
توقیعات مبارکه ولی امرالله، خطاب به احبای شرق (لانگنهایم: لجنه ملی نشر آثار امری به زبان فارسی و عربی، ۱۴۹ ب، ۱۹۵۲ م)  
توقیعات مبارکه ولی امرالله، اکتبر ۱۹۵۲ - ۱۹۵۷ شهر المشیه ۱۰۹ - شهر المشیه ۱۱۴، (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۱۹ ب)

# دیدگاه تربیتی حضرت ولی امرالله

دکتر لیلی امین

"اطفال بهائی من دون استثناء می باید قرائت و کتابت را بیاموزند و به آداب و رسوم و شعائر و احکام منصوصه کتاب الله مانوس و آشنا گردند و در علوم و مبادی و فنون عصریه و اخلاق حمیده، زکیه و آداب و شعائر بهائیه چنان ممتاز از سایرین گردند که عموم طوائف ... اطفال خویش را به طیب خاطر و رغبت تمام ... بدست مریبان بهائی سپارند."

(حضرت ولی امرالله - ژانویه ۱۹۲۹)

لوهلن به تاریخ ۲۵ اگست ۱۹۴۴ مرقوم فرموده اند مطلبی به این مضمون خوانده می شود "امیدوارم که جوانان بهائی نه فقط به زیور ایمان بلکه به خلق و خوی بهائی آراسته گردند یعنی افرادی باشند مهربان، هوشیار، باحقیقت، درست و فرمانبردار از احکام الهی که برای این دوران از پیشرفت بشر خلق شده اند. فقط خود را بهائی نامیدن کافی نیست. باید کوشید که از طریق تمسک به حیات بهائی در کل وجودمان شرافت طبع تجلی نماید."

در نامه های دیگری نیز که خطاب به نوجوانان از جانب ایشان نوشته شده است ملاحظه می شود که یکی دیگر از هدف های آموزش و پرورش را آماده ساختن اطفال و نوجوانان برای به عهده گرفتن وظایف خطیری می دانند که باید در آینده عهده دار شوند و پرورش این توانائی را منوط به کسب اطلاعات عمیق امری درباره مسائل مختلف می دانند و می فرمایند که برای احراز مقامات شامخی چون شهادت، قهرمانی و یا اداره صحیح امور مختلف

نام حضرت ولی امرالله معمولاً به هنگام بحث درباره نظم اداری بهائی در اذهان تداعی می شود ولیکن به ندرت بهائیان به عمق ارشادات و هدایات ایشان در موارد مربوط به آموزش و پرورش توجه می کنند. این شاید از آن روی است که حضرت ولی امرالله براساسی مؤسس نظم اداری در جامعه بهائی هستند و بسیاری از پیام ها و مکاتبات ایشان به این موضوع مربوط می شود. در صورتی که باتوجه به آثار ایشان متوجه می شویم تربیت اطفال و نوجوانان را نیز از اهم مسائل امری می دانسته اند. در ذیل بسیاری از نامه و توقیعات خود خطاب به جوانان و نوجوانان امضای "برادر حقیقی شما - شوقی" را می نگاشته اند که خود نشانه ای از علاقه عمیق آن حضرت به نونهالان است.

از لابلای این گونه نامه هاست که می توانیم دریابیم ایشان چه هدف های عالی و روشنی برای تربیت نوجوانان و نونهالان این قرن بدیع در نظر داشته اند. در یکی از نامه ها که خطاب به نوجوانان شرکت کننده در مدرسه تابستانه

شمارند. یکی از مهم ترین وظایف والدین و بخصوص مادران را ایجاد محیطی مناسب برای رشد و تربیت سالم اطفال محسوب می دارند و در حالی که آنان را تشویق به تعلیم اصول دیانت بهائی به اطفال خود می نمایند در عین حال ایشان را از تمایل به تظاهر به دین داری و پرهیزکاری برحذر می دارند.

در مورد والدینی که یکی از آنها بهائی نیست همیشه توصیه به حفظ وحدت و یگانگی در خانواده می فرمایند و آنوقت در مورد تربیت اطفال در چنین خانواده ها به لزوم مشورت و گرفتن تصمیمی واحد در این باره سخت تأکید می فرمایند و سپس می افزایند: "ولی بهرحال در سن بلوغ (۱۵ سالگی) باید به او (فرزند) فرصت انتخاب دین مورد نظرش داده شود ولو اینکه این انتخاب مطابق نظر هیچ یک از والدین نباشد".

در نحوه تربیت اطفال به مرتبان بهائی اعم از معلمان یا والدین چند نکته خاص را تأکید می فرمایند: یکی لزوم وجود نظم و دیسیپلین در امر تربیت است و آن را لازمه تربیت شدید و مؤثر می دانند زیرا معتقدند که تربیت سالم بدنی و پیشرفت لازم اخلاقی طفل میسر نخواهد شد مگر از راه هم آهنگ کردن و مقید ساختن تمایلات طبیعی او، و سپس اضافه می فرمایند که والدین بهائی در برخورد با رفتارهای ناهنجار و گاه شرورانه اطفال خویش نباید از سیاست سازش و عدم مقاومت پیروی کنند. حتی خاطر نشان می سازند که در این مورد فقط پرداختن به دعا و مناجات کافی نیست. بلکه باید جداً کوشید که از همان سنین خردسالی آنان را با استفاده از محبت و صبر و تحمل با اصول رفتار صحیح آشنا ساخت؛ و در این راه هیچ غفلتی را جایز نمی دانند.

نکته دیگر که بارها در توقیعات مبارکه دربارہ مرتبان مشاهده می شود تأکید بر لزوم تربیت روحانی و عقلانی به همراه یکدیگر است. زیرا پرورش توانائی جوانان را در خدمت به امر

علاوه بر اطلاعات مزبور اراده ای محکم و تصمیمی قاطع نیز لازم است.

در نامه ای که در ۲۶ نوامبر ۱۹۲۳ به محفل مقدس ملی کشورهای کانادا و ایالات متحده آمریکا نگاشته اند آرزوی خود را برای آینده کودکان قرن رحمان چنین بیان می فرمایند که آنان "خادمان واقعی امر مبارک حضرت بهاءالله" گردند و سپس اضافه می فرمایند که وفاداری و از خودگذشتگی و نورانیت وجود آنهاست که به گسترش امر مبارک در آینده کمک خواهد کرد. مجموع این نظرات نشان می دهد که ولی عزیز امرالله با عشقی عمیق نسبت به کودکان و نوجوانان برای آنان آینده ای پرتلاش و مسئولیت پیش بینی می فرمایند که حاصل آن جذب قلوب به تعالیم امر و ارتفاع پرچم یگانگی و یکرنگی در جهان خواهد بود.

خوشبختانه حضرت ولی امرالله فقط به بیان نیات و آرزوهای خویش اکتفا نفرموده اند و جامعه بهائی را از راهنمایی های ذقیمت خویش در نحوه رسیدن به آن آرزوها بهره مند فرموده اند.

در امر خطیر تربیت روی سخن ایشان با دو گروه است: یکی مرتبان و والدین و بخصوص مادران و دیگر محافل مقدسه روحانی و مؤسسات تربیت امری.

در بیشتر نامه هائی که یا خود مستقیماً نگاشته اند و یا از جانب ایشان به احبای شرق و غرب نوشته شده است به اهمیت مسئله تربیت اولاد توجه خاص شده است و تأکید فرموده اند که آن را باید مرجح بر کلیه امور دانست. حتی در نامه ای که در سال ۱۹۲۸ به یکی از احبای مرقوم فرموده اند، اشاره می فرمایند که:

"تربیت فرزند کم اهمیت تر از تبلیغ نیست، زیرا وظیفه والدین نسبت به فرزندان کمتر از وظیفه آنان نسبت به امر نیست. و در نامه ای دیگر تربیت یک طفل را مهمتر از رفتن به زیارت اماکن مقدسه می

مبارک، مبتنی بر توازن بین این دو می دانند. در مورد تربیت روحانی اطفال می فرمایند که از خردسالی باید در دل نونهالان خشیت الله را بوجود آورد منتهی نه ترس از سخط پروردگار بلکه از عدل او. ولی در عین حال باید جوانان نیز این اطمینان قلبی را بیابند که عدل الهی اکثراً مغلوب رحیم و شفقت ذات ربانی است.

حضرت ولی امرالله والدین بهائی را تشویق می فرمایند که کوشش نمایند تا برای آیام متبرکه جهت اطفال خود رسماً اجازه مرخصی از مدارس را بگیرند. این امر نه فقط به پایداری در انجام احکام کمک می کند بلکه روشن است که در افزودن بر آگاهی اجتماعی نیز مؤثر واقع می شود.

در توقیعات مبارکه حضرت ولی محبوب بارها مرییان بهائی را در آموختن آثار مبارکه و تاریخ امر به نونهالان، لزوم حفظ کردن مناجات ها و برگزیده هائی از آثار مبارکه تشویق فرموده اند ولی در عین حال آنان را متوجه ساخته اند که این کار نباید به زور و جبر انجام گیرد و فقط چنانچه در نهایت لطف و مهربانی صورت گیرد منتج به اثرات مفید خواهد بود.

در مورد استفاده از تاریخ و بخصوص تاریخ ادیان و تاریخ امر مبارک تأکید فراوان می فرمایند و خاطر نشان می سازند که استفاده از داستان های تاریخی به درک تعالیم امری کمک شایان توجهی می کند. ایشان تهیه داستان های تاریخی مبنی بر شرح احوال بزرگان و پیامبران را از وظایف مهمه مرییان در آینده می شمردند. دو نکته دیگری را که در تربیت اطفال و نوجوانان مهم می شمارند یکی پرورش نطق و بیان آنان است تا بتوانند در مسائل دینی و اجتماعی روشن و جالب سخن بگویند و شنوندگان را مجذوب گفتار خویش سازند و دیگر آنکه اطفال و نوجوانان بهائی باید راه های دفاع از خویشتن را چه از لحاظ معنوی و چه از نظر جسمانی بخوبی بیاموزند ولی در عین حال باید آنان را از جنگ و جدال نیز برحذر داشت.

محافل روحانیه محلیه باید بجمعیت وسائل موجود در تنویر افکار جوانان از لحاظ مادی و روحانی سعی بلیغ مبذول دارند و موجبات تربیت اطفال را فراهم سازند و در موارد ممکنه مؤسسات تربیتی بهائی تأسیس و امور آنان را منظم نمایند و تحت نظارت و سرپرستی خویش گیرند و بهترین طریق برای ترقی و پیشرفت مؤسسات مذکوره را آماده کنند.

از رقائم حضرت ولی امرالله ترجمه از انگلیسی نقل از مجموعه آثار مبارکه راجع به تعلیم و تربیت، مؤسسه ملی مطبوعات امری ۱۲۵ بدیع، ص، ۸۲

چنانکه در آغاز اشاره شد در بسیاری از توقیعات مبارکه به محافل روحانی و سایر مؤسسات امری درباره اهمیت و لزوم و حتی نحوه تربیت اطفال و نوجوانان تأکید فراوان مشاهده می شود. حضرت ولی امرالله تربیت اطفال را از احتیاجات اولیه و ضروریات حیاتی این عصر می شمارند و تأکید می نمایند که ارائه این خدمت در جامعه بهائی نباید فقط اطفال بهائی را دربرگیرد و توصیه می فرمایند که تربیت اطفال از هر دین و گروه و دسته ای بخصوص اطفال بی بضاعت در هر جا که میسر گردد از وظایف اصلی جامعه بهائی است. ایشان محافل مقدسه را تشویق می فرمایند که وسایل و اسباب لازم برای پیشرفت امر تربیت روحانی و عقلانی و جسمانی اطفال را فراهم آورند و این اقدام را یکی از وسایل جذب قلوب به تعالیم امری می شمارند.

در توقیع مبارک به محفل مقدس روحانی تهران در دسامبر ۱۹۲۳ و همچنین در پیامی به احبابی شرق در ۱۹۲۹ ملاحظه می شود که می فرمایند در مدارس بهائی نباید فقط به تربیت

### نوگل باغ ملاححت

نوگل باغ ملاححت شوقی  
 آیت حسن و صباحت شوقی  
 غصن ممتاز یکی دوحه قدس  
 لؤلؤ بحر سماحت شوقی  
 واضع هندسه نظم بدیع  
 شارح رمز و صراحت شوقی  
 زده بر هیکل ربّ تاج طلا  
 حاجب آن در و ساحت شوقی  
 باغی آراسته در حول مقام  
 لایق سیر و سیاحت شوقی  
 فارسی را که لسان احلی است  
 برده تا اوج فصاحت شوقی  
 چار نه سال پی خدمت امر  
 فارغ از یک دم راحت شوقی  
 گرچه از دیده نهان گشت ولی  
 نرود حُبّ وی از هیچ دلی



همکار پیام بهائی  
 ۱۹۸۷/۲/۲۵

روحانی اطفال پردازند بلکه باید به آنان اصول تعالیم بهائی و خواندن و درك آثار مبارکه و تاریخ امر نیز آموخته شود بدون اینکه آموزش علوم مختلفه غیر دینی، هنرها و مهارت های گوناگون و زبان های مختلفه فراموش شود. ایشان خاطر نشان می سازند که اطفالی که بدین گونه تربیت شوند با رفتار و دانش خویش توجه دیگران را بخود و در نتیجه به اهمیت تربیت امری جلب خواهند کرد و بر خواستاران ورود به مؤسسات تربیتی بهائی خواهند افزود. حضرت شوقی افندی به مسئله آموختن فنون و هنرها و مهارت های گوناگون به اطفال و نوجوانان توجه خاص مبذول می دارند و آن را شرط موفقیت در خدمات مهاجرتی آنان در آینده به منظور نشر پیام مبارک می دانند. در این باره به نوجوانان و جوانان توصیه می فرمایند که در هنگام انتخاب رشته تحصیلی به نیازهای مردم جهان بخصوص در نقاطی که احتیاج به توسعه امر در آن نقاط بیشتر است توجه دقیق داشته باشند تا بعد بتوانند با آمادگی کامل آهنگ مهاجرت نمایند.

منظور اصلی از این مقاله کوتاه ارائه مقدماتی در تعالیم وسیع و جامع حضرت ولیّ عزیز امرالله دربارہ تعلیم و تربیت و جلب توجه والدین و مربیان و اداره کنندگان مدارس بهائی به این نکته مهم است که برخلاف آنچه بسیاری می پندارند در امر بهائی "تربیت امری" فقط شامل حفظ کردن آیات و آثار و احیاناً اطلاق از تاریخ امر و نظم اداری بهائی نیست. بلکه به فرموده حضرت عبدالبهاء تربیت واقعی شامل هر سه جنبه تعلیم و تربیت است یعنی تربیت قوای جسمانی، عقلانی و روحانی طفل بطور متعادل و هم آهنگ.

#### ماخذ

- ۱ - مجموعه منتخبات نصوص مبارکه دربارہ تعلیم و تربیت
- ۲ - توقیعات مبارکه حضرت ولیّ امرالله
- ۳ - Your True Brother مجموعه پیام ها و نامه های که حضرت امقالبهاء روحیه خاتم از طرف حضرت ولیّ امرالله خطاب به نوجوانان مرقوم داشته اند.



# مقدمه ای کوتاه بر : سبک توقیعات فارسی حضرت ولی امرالله

صالح مولوی نژاد

گر بریزی بحر را در کوزه ای

چند گنجد؟ قسمت یک روزه ای  
مطالعه سبک سخن فارسی حضرت ولی  
امرالله کاری است سترگ که تنها از پردازان  
سخن سنج برآید و آنچه ذیلاً به نظر خوانندگان  
عزیز می رسد فقط فتح بابی است به نشانه  
تمشق به مولای بی همتا و آثار گهربارش. باشد  
آنانکه مردان حقیقی این راهند و سبحان این  
بحر بی کران، قدم در پیش گذارند و حق مطلب  
را ادا کنند.

سبک چیست؟

سبک در نوشته تجلی می کند و نوشته  
محصول اندیشه و ذوق نویسنده است. هرگلی  
رنگی و بوئی و صورتی دارد که با گل دیگر  
متفاوت است. سبک در نگارش به منزله رنگ و  
بو و صورت گل است که مجموعاً در نوشته ای  
ظاهر می شوند و آن نوشته را از نوشته دیگر  
متفاوت می سازند. سبک غیر از اندیشه  
نویسنده است، اما نتیجه آنست. و نیز، سبک  
غیر از پیام و موضوع نوشته است، اما به آن  
تعلق می گیرد. سبک ثابت نیست، بلکه متغیر و  
متکامل است. فکر و احساس نویسنده و نیز  
موضوع نویسندگی سبک را تحت تأثیر قرار  
می دهند.

مقدمه

حضرت ولی امرالله در خاندان وحی نشو و

نما یافتند، تحصیلات ادبی فارسی نداشتند، در  
تحت حمایت و هدایت مربی عالم، حضرت  
عبدالبهاء، پرورش یافتند و در آغوش مهر بی  
کران حضرت ورقه علیا به رشد و بالندگی  
رسیدند.

برای مطالعه سبک نگارش فارسی حضرت  
ولی امرالله باید همه توقیعات مبارکه را مطالعه  
کرد، به تاریخ آنها توجه نمود، موضوع و مطلوب  
هریک را در نظر گرفت و مهمتر از هرچیز، به  
وضع امر و مسائل و مشکلات آن و نیز، به  
توقیعات و انتصارات زمان صدور توقیع توجه  
نمود.

راه عملی برای شناسایی سبک توقیعات،  
زیارت اماکن مقدسه و حدایق زیبای ارض اقدس  
است که مهندس و طراح آنها حضرت ولی امرالله  
بوده اند. مشاهده این اماکن که پر از رمز و راز  
است باید با دیده سر و دل هردو انجام گیرد.  
هریک از این ابنیه و حدایق در حد خود زیبا، گویا  
و کامل است و همه آنها باهم، از مقام اعلی و  
بناها و باغ های آن، تا روضه مبارکه و قصر  
بهجی و حدایق اطراف آن، همه، مجموعه ای  
همآهنگ، بی نظیر و اعجاب انگیزی را تشکیل  
می دهند که در تاریخ معماری دینی و غیر دینی  
و طراحی باغ و گل آرایی همه ملل و در همه  
اعصار بی سابقه است. خلق چنین مجموعه بی  
نظیری را جز به قدرتی الهی و استعدادی یگانه و

ذوق و سلیقه ای غیر اکتسابی تعبیر نتوان کرد. چنین است آثار قلمی حضرت ولی امرالله که سرچشمه آن الهام الهی و ممد آن استعدادی فطری است.

### مشخصات کلی

توقیعات فارسی مبارک در آغاز دوره ولایت کوتاه است و جمله ها نیز غالباً چنین است. مخاطب توقیعات اولیه احبای شهرها و ولایات مهد امرالله است. اما به تدریج میدان خطاب وسیع تر شده، یکایک کشورهای ایران، هندوستان و ترکستان را شامل می شود و در مرحله سوم بیشتر توقیعات عمومی به یاران شرق جمعاً خطاب شده و این روش ادامه یافته است، مگر در مواردی خاص.

سبک سخن در توقیعات اولیه ساده است (سبک مرسل) و شباهتی به دستخط های حضرت ورقه علیا دارد که این دستخط ها خود به نحوی فوق العاده از الواح کوتاه حضرت عبدالبهاء متأثر است. در این توقیعات صنایع لفظی از قبیل تشبیه و استعاره و تصویرگری هیچ یا اندک است. زبان، زبان محاوره و بیان حال است و هدف، تنها ابلاغ پیام. به تدریج که دامنه مخاطبان توقیعات از افراد یا محافل و یا احبای قراء و قصبات و شهرها گسترده تر شده و محافل مرکزی کشورها و یا جمیع یاران شرق را شامل می شود، سبک کلام متحول شده، اوج می گیرد، آرایش کلام و صنایع زیبایی سخن ظاهر می گردد و کلام مبارک به سبکی می گراید که گرچه بدیع و بی نظیر است، اما می توان آنرا سبک مجلل یا فاخر نامید.

در آثاری همچون توقیع نوروز ۱۰۱ (توقیع قرن)، رضوان ۱۰۵، نوروز ۱۱۰ سبک نگارش مبارک به اوج زیبایی و کمال می رسد. عبارات مسجع، تشبیهات و استعارات فراوان، تعبیر مسائل معقول در لباس محسوس و بصورت تصویرهای مهیج زیاد و تلمیحات روان و یکدست است. جمله ها، گاه همچون رگبار

بهاری متواتر و کوتاه و گاه مانند امواج دریائی خروشان، بلند و پراوج است.

### مشخصات برجسته سبک توقیعات

مشخصات عمده سبک فارسی توقیعات مبارک را، اجمالاً، به نحو ذیل بیان کرده، به خاطر رعایت جانب اختصار، در هر مورد به ذکر شواهدی معدود اکتفا می نماید.

#### ۱- مقایسه با دستخط های

##### حضرت ورقه علیا

"بندگان جمال ابهی و یاران حضرت عبدالبهاء هرچند قلوب اهل بها از این مصیبت عظمی در اشد احتراق و انین یاران گوشزد ملاء اعلی و طلعات قدس در جنت ابهی، ولکن چون یوم یوم خدمت و هنگام هنگام نشر نفحات است، باید احبای الهی چون شعله نورانی به کمال همت قیام بر خدمت امرالله نمایند و گوی سبقت از یکدیگر برمایند و چون شهاب ثاقب طارد هر ناقص ناگهی کردند ..."

(بهائیه خام حضرت ورقه علیا، نشر آلمان ص ۱۰۸)  
"حال در این آیام که شمس جمالش (شمس جمال حضرت عبدالبهاء) از دیده عنصری پنهان گشته و گوش امکان از ندای جانفزایش محروم و ممنوع شد، احبای الهی در شرق و غرب عالم علی الخصوص یاران آن سامان که پرورده ید عنایتند و سرمشق جهانیان، باید در جمیع شؤون و احوال به تمام قوی به این اوامر و نصایح ربانیه متوجه شوند و متمسک گردند. هر صبح و شامی جهدی جدید و سعی بلیغ مبذول دارند تا يك يك این تعالیم سماویه را عامل گردند و در حیات شخصی خود و معاملات و شؤون دنیوی و روحانی، هردو، این روح الهی را اظهار نمایند و این تعلیمات الهیه را اجرا کنند."

(حضرت ولی امرالله، توقیع دهم ژانویه ۱۹۲۳ خطاب به احبای طهران، توقیعات مبارکه ج ۱ ص ۴۷)

حاملان پیام نجات، در اقطار شاسعه آزاد در جولان و به فتح قلوب مشغول.

توقیع ۶ مارس ۱۹۲۵ - توقیعات مبارکه ج ۱ ص ۲۱۲  
۲ - تشبیهات و استعارات

در توقیعات فارسی، مخصوصاً توقیعات مهمی که در نوروز یا رضوان هر سال به افتخار یاران شرق شرف صدور می یافت، ترکیبات، تشبیهات و استعارات زیبایی می یابیم که هم تازگی دارد و هم بسیار خوش آهنگ و پرمعنی است.

"ولید امر عزیز گردگار" (مدنیت الهی)، "ملکه کرمل"، "تسلی دهنده، عالم" (هم در وصف حضرت بهاء الله و هم در نعت حضرت عبدالبهاء)، "راکبین سفینه حمراء"، آسیاب محن و بلایا" و صدها مثال دیگر.

۴ - تنسیق صفات

در هنر نگارش، گاه موصوفی را به چند صفت متصف می سازند. این فن ادبی را نباید با آوردن کلمات مترادف که به معنای کلام چیزی نمی افزاید اشتباه نمود.

در آثار فارسی حضرت ولی امرالله کلمات مترادف نادر است اما تنسیق صفات بسیار. تنسیق صفات مفهوم کلام را وسعت می بخشد و به موصوف مورد نظر ابعاد متعددی می دهد:

(۱) "چه مقدار عجیب و غریب است تصرفات ازلیه دافعه ساریه صمدانی".

(توقیع نوروز ۱۱۰)

(۲) "وظایف مقدسه متزایده، مهمه (در وظایف محافل روحانی)

(توقیع ۶ می ۱۹۲۵)

(۳) "ملاحظه فرمائید که این افکار مشوشه که حال در شرق سرایت نموده، جمیعش از دول غرب اقتباس گشته و سرچشمه و منشأ و مصدرش احزاب متنوعه متکاثره متنازعه در بلاد غرب بوده. ملاحظه نمائید که غرب در چه حالت است و به چه امراض و اسقامی گرفتار".

توقیع ۱۹ دسامبر ۱۹۲۲ - توقیعات مبارکه ج ۱ ص ۱۶۴

۲ - حذف افعال

حذف افعال تا آنجا که موجب ابهام در عبارت نشود، هم به زیبایی سخن می افزاید و هم از اطناب کلام می کاهد. در توقیعات فارسی، حذف فعل به وفور دیده می شود و این مشخصه را در الواح فارسی حضرت عبدالبهاء نیز به وفور می توان دید.

حذف فعل به قرینه:

(۱) "... تحقق وعود حتمی الهیه به تنبه و تذکر تمام هیأت اجتماعی بشر موقوف، و این تذکر و تنبه عمومی جز به وفور بلیات و تعدد اضطرابات و تزاید مشکلات حاصل نگردد. این است که اهل بها از جام اطمینان مرزوقند و به روح امید زنده و مشغول. بیدار و متوجهند و ثابت و هوشیار ..."

(توقیع ۲۰ اکتبر ۱۹۲۴ - توقیعات ج ۱ ص ۲۰۲)

(۲) "اهل بها حقیقت را پرستش نمایند و از اهل مجاز در احتراز".

(مأخذ بالا ص ۲۲۹)

(۳) "ای امنای الهی، شرق که مهبط انوار است و مطلع الهام، مهد تمدن الهی است و موطن اصلی جمیع انبیا و رسل، الیوم در دست احزاب اسیر است و در چنگ اهل تقلید و ریا مبتلا. تفسیقات متعدد و شدید است و آزادی وجدان مفقود".

(مأخذ بالا ص ۲۲۹)

و گاه به اقتضای وضوح مطلب، به شیوه بسیاری از الواح فارسی حضرت عبدالبهاء و دستخط های حضرت ورقه علیا، فعل به کلی حذف میشود:

(۱) "اقلیم مقدس ایران در این اوان منقلب، افکار عموم در هیجان، مروجین تقلید خائف و هراسان، ارکان مؤسسات عتیقه متزعزع و افراد ملت بمضی در بین یقظه و منام و اکثری مبهوت و آزرده و سرگردان".

(همان مأخذ ص ۲۰۳)

(۲) "ایران غافل و زاهل، یاران ستمدیده اش اسیر و مبتلا ولی جنود حیات،

(۴) "شجره مشمره مرفوعه لاشرقیه و لاغربیه".

(توقیع ۱۱۳ - آلمان ص ۶۱۴)

۵ - جمله های کوتاه - جمله های بلند  
قبلاً گفته شد که در توقیعات فارسی، هرگاه موضوع سخن هیکل مبارک بیان وقایع تاریخی، اصول نظم اداری و یا تربیت اخلاقی و روحانی یاران است، چه در توقیعات اولیه و چه در آثار اواخر دوره ولایت، علی الاصول جمله ها کوتاه و قاطع است:

(۱) "... ولی آنچه الزم و اهم و اعظم است، تبلیغ امرالله است و تولید آن روح و ذوق و شوق ترویج کلمتالله در قلوب افراد احباً. به قدر امکان نظر را باید از ترتیب و تنظیم امور داخله احباً به اتساع دایره امر و انتشار نفحات الله در بین سایرین متوجه نمود و دقایق و جزئیات امور را تا حدی ترک نمود."

(توقیع احبای فاران - مارس ۱۹۲۲ -

توقیعات مبارکه ج ۱ ص ۱۴)

(۲) "... اعضای منتخبه محفل جدید را تأییدی شدید از درگاه رب مجید طلبیم تا به وظایف مقدسه متزایده مهمه خویش به نهایت سرور و نشاط و متانت و اطمینان قیام نمایند. ترویج کلمه الله نمایند و حصن حصین امرالله را محافظه فرمایند. روابط متینه ای بین شرق و غرب جامعه بهائی ایجاد کنند و حقیقت و نوایای این آئین مقدس را به وسائلی متقه قولاً و فعلاً به زمامداران و اولیای امور اظهار و اثبات نمایند. در ترویج منافع عمومی به قدر وسع و استطاعت بکوشند و در سبیل تربیت اطفال از ذکور و اناث و ترقی عالم نساء همتی شایان مبذول دارند."

(توقیع ۹ می ۱۹۲۵ - مأخذ فوق ص ۲۲۱)

(۳) "سلاطین پرقوت و احتشام در خاور و باختر دست تطاول گشودند و حکم اسارت و محبوسیت شارع و مبشر و مبین این امر

اقدس را صادر نمودند و در قلع و قمع شجره الهیه همت بگماشتند و برخی نداء الله را اجابت ننمودند و دعوت الهی را نپذیرفتند و از نصرت مظهر نفس الله و ابلاغ کلمتالله کما امرهم القلم الاعلی امتناع ورزیدند ..."

(توقیع ۱۰۱ - توقیعات مبارکه، آلمان ص ۲۵۰)

نباید چنین پنداشت که وقایع تاریخی همیشه در قالب جمله های کوتاه بیان شده است. گاه امواج اندیشه حضرت ولی امرالله در بیان وقایع تاریخی چنان بی در پی اوج می گیرد که گویی مجالی برای ختم عبارت باقی نمی گذارد. باید دل و ذهن را به این امواج متواتر سپرد تا به پایان ره و ساحل ختم عبارت رسید:

"و همچنین در عصر ثانی این دور مشعشع الهی مصیبت عظمی، عروج غصن سدره بقا از عالم ادنی به ملکوت ابهی و قیام ناقض اکبر و غصب مفتاح مقام اقدس اطهر به واسطه زعیم ثانی و حصول بحران شدید در ارض اقدس و اقالیم مجاوره و جولان روبهان نقض در این ارض و عربده مشتی از سست عنصران سبک مغز در مصر و عراق و ایران و آمریکا و آلمان و غصب بیت اعظم در مدینه بغداد توأم به افتتاح عصر تکوین و تأسیس نظم بدیع و منجر به اعاده کلید ضریح مطهر و اثبات تولیت آن مقام مقدس و رفع قوائم و دعائم و ارکان بیت عدل اعظم و وضع قانون اساسی جامعه در بلدان و ممالک شرقیه و غربیه و تسجیل محافل روحانیه و تأسیس اوقاف و ابتیاع اماکن متبرکه و اراضی اولین معبد بهائی در موطن شارع امر الهی و تشیید حظائر قدس در عواصم ممالک مختلفه و تأسیس مدارس تابستانه و ابتیاع اراضی وسیعه در جبل کرم و بنای حجرات ثلاثه در قرب آن مقام اعلی و امتداد طبقات و تأسیس محفظه آثار و تخلیه و تعمیر و ترمیم و تنویر و تزئین قصر مشید جمال کردگار و معافیت آن از رسوم دولت و افتتاح باب مخایره بین امنای جامعه، اعضای محافل

اوج زیبایی سبک توقیعات فارسی را باید در تصویر سازی های بی نظیری دید که از روح پراحساس و فکر ملهم حضرت ولی امرالله سرچشمه گرفته، با قلم اعجاب انگیز مبارک بر صفحات توقیعات تصویر شده است. این تصویر سازی ها که غالباً به مسائل لطیف روحانی لباس محسوس پوشانیده، مخصوص توقیعات سنوات اخیر است و در آثار سال های اول ولایت دیده نمی شود. هر یک از این تصاویرها چون تاج مجللی است که به گوهرهای تلمیحات و استعاره های زیبا آراسته است. با حفظ اصل اختصار در این مقال، چند نمونه از این تصاویر دل انگیز نقل می شود:

(۱): "ملاحظه نمائید که شجره لاشرقیه و لاغریه که در عهد آدم ید قدرت الهیه در ارض مشیت غرس نموده و در ادوار سابقه در ارض میعاد در عهد حضرت خلیل و حضرت کلیم و حضرت روح و در جزیرةالعرب در عهد حضرت خاتم و در کشور ایران و هندوستان در عهد حضرت زردشت و حضرت بودا و سایر انبیای اولوالعزم صلوات الهه علیهم اجمعین در مدت شش هزار سال متدرجاً نشو و نما نموده و به دم شهدای لاتقد و لاتخصی سقاییت گشته و باوجود هبوب اریاح مخالف و عواصف گوناگون ریشه اش مستحکم گشته و اغصان و افنان و فروعش در ممالک و بلدان خاور و باختر تعدد و امتداد یافته و به مرور ایام به برک و شکوفه و گل آراسته و مزین گشته و سایه بر عالمیان افکنده و روائح معطره اش مشام مؤمنین و مؤمنات را در بسیط غربا معطر نموده، این شجره الهیه، شجره اصلها ثابت فی ارض الکبریاء و فرعها فی السماء که ادیان عتیقه در ادوار مختلفه از این اصل قدیم منشعب و متفرع، در سنه ستین در اقلیم فارس در مدینه طیبه شیراز بر اثر ظهور قائم موعود "النقطه الاولیه السنی تدور حولها ارواح المرسلین" ثمره ازلیه، جنیه اش را که در

روحانیه، و ولایة امور گردید."

(توقیع نوروز ۱۰۸ - توقیعات مبارکه - آلمان ص ۳۹۹)  
سخن در جمله بندی توقیعات فارسی مبارک ناتمام خواهد بود، اگر شاهی از ترکیب متناسب و خوش آهنگ جمله های کوتاه و بلند آورده نشود. عبارت ذیل چون کوهی است باشکوه که دامنه صمودی آنرا جمله های کوتاه، قلعه رفیع آنرا جمله ای بلند و دامنه نزولی آنرا مجدداً جمله های کوتاه تشکیل می دهد:

"آیها المقتبسون من نورالهدی این انقلاب اخیر در موطن اصلی امر ربّ قدیر از جهتی علت اشتها آئین الهی و انتشار صیتش در کل اقطار گشت و از جهتی دیگر اساسش را در قلوب پیروانش در کل اقطار تقویت و مستحکم ساخت. جمعی از کوه نظران در بدو این ضوضا و غوغا چنین تصور نمودند و به خود وعده دادند که این مقاومت و مهاجمت و اشتداد زجر و عقوبت و تندباد غضب و حدت و بطش و صولت و سطوت ارباب مکابرت و انذارات و تخویفات خصم الد امر حضرت احدیت و سیل افترا و تهمت عنقریب ریشه شجره مشمره مرفوعه لاشرقیه و لاغریه را در موطن و منبت اصلیه اش دفعه واحده قلع و قمع نماید و سراج وهاج را کاملاً خاموش نماید و جمعی از عشاق جمال ابهی و پرورده ید عنایت حضرت عبدالیه را در ممالک و دیار پریشان و مأیوس نماید و از صراط مستقیم منحرف سازد و زلزله به ارکان جامه در کافه ممالک اندازد و شعله نار محبت الله را در افنده صافیه مؤمنین و مؤمنات و موقنین و موقنات بیفسرد و شمل یاران راستان را متشتت نماید و رخنه در صفوف جنود مجنده احداث کند و علت انشقاق و انشعاب و تفرقه و اضمحلال و انقراض گردد. هیات، هیات. بس ماظنوا ..."

(توقیع نوروز ۱۱۳ ماخذ فوق ص ۶۱۴)

۶ - تصویرگری در توقیعات مبارکه

شجره  
الله را  
برقتند و  
نصرتالله  
...

سر ۲۵۰)

همیشه

ست. گاه

ن وقایع

به گوئی

بید دل

به پایان

شمع

ره بقا

ناقض

شهر به

دید در

رویهان

ست

یران و

مدینه

تاسیس

ضریح

و رفع

وضع

شرقیه

تاسیس

ی ولین

نهی و

مختلفه

رضی

ت ثلاثه

سقت و

ممیر و

جمال

فتاح

مخالف

### ۷. تلمیحات و ترکیب جمله های عربی و فارسی

ترکیب عبارت های عربی در متن توقیعات فارسی حضرت ولی امرالله هم فراوان است و هم بسیار زیبا و روان. این ترکیب ها چنان با ظرافت و لطافت انجام شده که خواننده متوجه نمی شود که سیاق کلام از فارسی به عربی گزاشیده و مجدداً به فارسی بازگشته است. ترکیب هائی از این قبیل معانی عبارت های عربی را به آسانی به ذهن خواننده القا کرده، بر هیمنه و جلال سبک فارسی توقیعات مبارک می افزاید. این ترکیب ها گاه صورت تلمیح پیدا می کند و تمام یا قسمت هائی از آیات الهی و احادیث اسلامی را در برمی گیرد<sup>۱</sup>

(۱) "و عروس آمال دیرینه آن ستمدیدگان  
رغمًا لكل آفك حسود نقاب از رخ بیفکنند."

(توقیع سنه ۸۸)

(۲) "رافع رایت سوداء و آیت استقامت و  
شهامت، النجم الساطع و البدر اللامع، حضرت  
اول من آمن که به لقب مرآت اولیه ملقب و  
به شهادت قلم اعلی لولاه ما استوی الله علی  
عرش رحمانیه و ما استقر علی کرسی  
صمدانیه ..."

(توقیع نوروز ۱۰۱)

(۲) "به زعم باطل خویش چنین تصور نموده  
که به سیف شاهرش شجره لاشرقیه و لاغربیه  
را برانداخت."

(توقیع نوروز ۸۸)

(۱) "جنین امر به مقام احسن التقوم رسید و  
هلله فتبارک الله احسن الخالقین و احسن  
المبدعین در اعلی غرفات جنت علیا مرتفع  
گشت."

(توقیع نوروز ۱۰۱)



هویتش مکنون و مخزون بوده پس از  
انقضای شش هزار سال ظاهر و آشکار نمود."

(توقیع نوروز ۱۱۰ - توقیعات مبارکه آلمان ص ۴۱۹)  
(۲) "یا معشر المحبین این بود شمه ای از  
انتشار سریع محیرالعقول انوار این مصباح که  
در مشکوٰۃ ارض طا صد سال قبل در  
بحبوحه طوفان بلا برافروخت و در زوراء از  
خلف حجبات خارج گشت و در بلاد ارض  
سر متللاً و مشتعل گردید و از افق حصن  
عکا و قبله اهل بها سطوع بر آفاق غربیه  
نمود و در نتیجه استقرار نظم بدیع الهی  
شعاعات انوارش پس از انقضای یک قرن از  
مرکز جهانی عالم بهائی بر کره ارض از  
اقصى شمال به اقصى جنوب عالم و از شرق  
اقصى به غرب اقصى پرتو افکند."

(توقیع نوروز ۱۱۰ - توقیعات مبارکه آلمان ص ۴۱۹)

(۲) "و این بنیان رفیع الشأن (مقام اعلی)  
قوی الارکان سرمدی الآثار که نتیجه  
شهادت آن سید اختیار و نفی و تبعید جمال  
مختار به این دیار و مقدمه سلطنت ابدیه و  
سلطه ظاهره و سیطره محیطه شارع اعظم  
و مظهر قدرت پروردگار است و بشارت  
دهنده استقرار مدنیت الهیه که ولید امر  
عزیز کردگار است و بر مدینه منوره  
فسیحه مبارکه حیفا مشرف و در قلب کوه  
خدا نورافشان، حال به مثابه ملکه در انتظار  
آشنا و بیگانه ظاهر و باهر و جالب انتظار و  
جاذب افنده و قلوب جمهور اغیار و ابرار در  
آغوش آن جبل مقدس در بحبوحه جنت علیا  
و در وسط اراضی موقوفه مقام علی اعلی بر  
عرش علی جالس و به رداء بیضاء مرتدی و  
صدرش به اسم اعظم مزین و رأسش به تاج  
ذهبی متوج و خرامش به لونین خضراء و  
حمراء ملون و به حدائق وسیعه متعدده  
محاط و در مقابل اقدامش طبقات ممتده که  
هریک به مصابیح مزیئه روشن، کاتها طبقات  
من النور نور علی نور ..."

(توقیع نوروز ۱۱۱ - مأخذ فوق ص ۵۲۶)

# بصیرت و بینش

## حضرت شوقی افندی

بقلم: J. Jameson Bond<sup>(1)</sup>

ترجمه: فؤاد روستائی

فعالیت های جهانگیر این سپاه مبادرت فرموده اند. در نقشه های تبلیغی که یکی پس از دیگری توسط حضرت ولی عزیز امرالله به زیور ترسیم و تنظیم آراسته گردید تقویم و جدول زمانی با اجرای مرحله به مرحله نقشه عظیم حضرت عبدالبهاء همراه گردید. این نقشه ها نه تنها از نظر دامنه وسعت تهور آمیز و شجاعانه بود بلکه از لحاظ رابطه زمانی و مکانی نیز در نهایت هماهنگی و انسجام بود.

بدین ترتیب، برای نخستین بار در جهان، شکوفائی يك دیانت آسمانی، در جریان تحول و پیشرفت آن، از دقت و وضوح برخوردار می گشت. آگاهی و وقوف بر عملیاتی این چنین دقیق و برنامه ای الهی که براساس آن نوع انسان بطرف استقرار نظم جهان آرای حضرت بهاء الله سوق داده می شد در واقع یکی از بزرگترین مواهبی است که به عنوان جزئی از میراث گرانبها و یگانه حضرت ولی عزیز امرالله بجا رسیده است.

حضرت ولی امرالله در مقام يك فرمانده و راهبر برجسته و درخشان بر این نکته وقوف کامل داشتند که نخستین گام در جهت اجرای همه جانبه و تام و تمام فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء برپائی، تربیت و تقویت يك رهبری تشکیلاتی و اداری است که بتواند اداره و هدایت عملیات جنود الهی را در دست گیرد. از

از بدو ولایت حضرت شوقی افندی این نکته از آثار و توقیعات حضرتشان آشکار بود که در تحول و تکامل عصر تکوین دیانت بهائی سه اثر از آثار شارع این امر مقدس و مرکز میثاق آن یعنی لوح کرم نازله از قلم اعلی، و الواح وصایا و بالاخره الواح و فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء نقشی حیاتی و تعیین کننده ایفا خواهند کرد.

الواح وصایای حضرت عبدالبهاء حامل قدرت و اقتدار لازم برای استمرار مشروعات اداری امر مبارک و تعریف و تعیین ساختار و اختیارات این مشروعات است.

مجموعه فرامین تبلیغی آن حضرت بمشابه سیاست و خط مشی اصلی و نیز توضیح مأموریت و تفویض اختیارات مربوط به اجرای آنست. حضرت ولی امرالله طی سال های متمادی بر غیرقابل تفکیک بودن "رشد و نمو مشروعات" امر الهی از "گسترش جغرافیائی" آن تأکید فرموده به تشریح آن پرداخته اند. به عنوان مثال، آن وجود نازنین در هر يك از نقشه های تبلیغی حضرتشان افزایش شمار محافل روحانی را به عنوان یکی از اهداف اصلی نقشه در يك فاصله زمانی معین قرار می دادند.

مجموعه فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء در واقع ابزاری نیرومند است که از طریق آن حضرتشان در مقام "سپهسالار جنود بهاء الله" به تعیین و تمشیت سیاست کلی و همه جانبه

۱ - این نوشته بصورت سخنرانی در نهمین کنفرانس سالانه انجمن معارف بهائی کانادا در دوم نوامبر ۱۹۸۴ ایراد شده و در مجموعه سخنرانیهای آن کنفرانس تحت عنوان The Vision of Shoghi Effendi بچاپ رسیده است.

اینرو، جای تعجبی نخواهد بود که آن حضرت شانزده سال نخست ولایت خویش را مصروف برپائی ساختمان اولیه و جنینی این نظم اداری در امریکای شمالی فرموده اند.

در ۱۹۳۷، این رهبری اداری که محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده امریکا و کانادا نام داشت به آن حد از نیرومندی برخوردار از منابع انسانی لازم در پایگاه خویش رسیده بود که حضرت ولی امرالله با بهره مندی از آن پی گیری و اجرای منظم نقشه عظیم حضرت عبدالبها را آغاز فرمایند.

هدف غائی نخستین نقشه هفت ساله تقویت امرالله در امریکا و کانادا و فتح دیگر کشورهای نیمکره غربی قرار داده شد. دومین هدف این نقشه به صورت اقدامی تهور انگیز به فتح روحانی اروپای غربی در سال های ۵۳ - ۱۹۴۶ متجلی شد. حضرت ولی امرالله در مورد فتح روحانی قاره اروپا فرمودند که ورود مهاجرین امریکای شمالی به ده کشور اروپای غربی، مهاجرینی که اکثراً از نسوان بهائی بودند، از نظر اهمیت با ورود پیروان حضرت مسیح به سواحل جنوبی این قاره در قریب به دوهزار سال پیش قابل مقایسه است.

سومین مرحله در اجرای نخستین دوره و عصر فرامین تبلیغی حضرت عبدالبها در ۱۹۵۲ با آغاز اجرای نقشه دهساله جهاد روحانی - در صدمین سالگرد اعلان امر سری حضرت بهاءالله در سیاهچال طهران - مقارن گشت. این رویداد عظیم در عین حال با آغاز نهمین بخش از روند ده مرحله ای تکامل روحانی نوع بشر همزمان بود. اهمیت این جهاد روحانی از جنبه های متعدد آن مسأله ایست که می بایست موضوع تحقیقات و پژوهش های امری بیشتری قرار گیرد. مدت زمان این جهاد دهسال بود که در تاریخ تحول و تکامل بشری لحظه ای بشمار می رود ولی تأثیرات چند جانبه ای بر جامعه بهائی در سراسر جهان گذارد و به درجه ای بارز و نمونه از رشد در این جامعه انجامید. وصف اهمیت و

تأثیرات برانگیزنده پیام ها و توقیعات متعدد و بی در پی حضرت ولی عزیز امرالله در خلال این جهاد دهساله خطاب به جامعه بهائی امری غیرممکن و دشوار است. رهبری والا و مستمر آن حضرت در این دوره به نقطه اوج خود می رسد و توانائی و قدرت حیرت انگیزشان در هر لحظه و هر ساعت به نیازهای همان لحظه و ساعت پاسخی درخور می دهد.

یکی از بارزترین موفقیت ها و دستاوردهای حضرت ولی امرالله ادغام دو روند همزمان و متوازی رشد یعنی گسترش جغرافیائی دیانت الهی و افزایش چشمگیر شمار مؤمنان آن از یکسو، و تحول و رشد سریع نهادها و مشروعات اداری و تشکیلاتی این امر نازنین از سوی دیگر است. تأثیر متقابل این دو روند در پی گیری و اجرای نقشه عظیم و یگانه حضرت عبدالبها امری ضروری و غیرقابل اجتناب بوده است. توضیحات روشنگرانه حضرت ولی عزیز امرالله در مورد این نکته که روند داخلی رشد و نمو [جامعه بهائی] با روندهای خارجی سقوط و فروپاشی دیگر جوامع انسانی بطور اعم همزمان بوده و بر یکدیگر تأثیراتی متقابل دارند نیز از اهمیتی هم ارز با مورد پیشین برخوردار است و یکی دیگر از زمینه های تحقیق و پژوهش های امری در آینده را تشکیل می دهد.

حضرت ولی امرالله در دوران ولایت خویش قوه میثاق را که از کتاب عهدی منبث گشته بود از طریق پی گیری و اجرای منظم الواح و فرامین تبلیغی حضرت عبدالبها در مسیر و مجرای خویش قرار دادند.

یکی از خصوصیات و خصائل يك فرمانده بزرگ توانائی وی در تشویق و تحریض نیروهای تحت فرماندهی خویش به نیل و ارتقاء به مدارج قهرمانی در عرضه خدمت است و حضرت ولی امرالله به صور مختلف این توانائی و قدرتمندی را از خویش نشان داده اند که بارزترین تجلی آن در مهارت آن حضرت در برقراری ارتباط با پیروان امر حضرت یزدان است. توقیعات مبارکشان بر



اقتصاد است. نمونه ای که آن حضرت ارائه می فرمایند در جامعه مصرف و مادی گرای امروز به آسانی قابل تأسی نخواهد بود. باوجود این برای موفقیت در نیل به این هدف باید به دو اصل اعتدال و کارآئی توسل جست. در حال حاضر، بیت العدل اعظم الهی در نهایت حکمت و خردمندی و برخوردار از شم رعایت مقتضیات همین اصل اقتصاد و صرفه جوئی را اعمال می نمایند که باید سرمشقی برای همگان تلقی شود.

توانائی و مهارت حضرت ولی امرالله در استفاده از امار و ارقام برای نشان دادن رشد و نمو دیانت بهائی در جهان تأثیری عمیق در برانگیختن دوستان به تحقق اهداف نقشه های تبلیغی داشت. آن حضرت از این اطلاعات و ارقام برای تشویق و ترغیب و نیز ایجاد یک روحیه سالم رقابت در خدمت بین جوامع مختلف استفاده می فرمودند. آینده نگری و بصیرت عمیق حضرت ولی امرالله احبای الهی را در پشت سرگذاشتن بحران های پی در پی یاری داده و آنانرا به پایداری و تحقق کارهای سترک و تاریخی رهنمون می شد.

آخرین اصلی که میل دارم به بررسی آن اقدام کنم اصل یا مفهوم "موازنه و تعادل" است.

احبای الهی در پی نیل به پیروزی در نقشه های تبلیغی متعدد حضرت ولی امرالله در سراسر جهان پراکنده شدند و به مناطق از نظر روحانی حاصل خیزی چون آفریقا، امریکای جنوبی و مرکزی، جزایر اقیانوس آرام و بالاخره آسیای جنوب شرقی مهاجرت کردند و بخش هایی از جهان را که قسمت اعظم ساکنان کره ارض را در بر می گیرد به عرصه مهاجرت و تبلیغ تبدیل کردند. در نتیجه این مهاجرت ها، سیاهان، سرخپوستان، زردپوستان، همانگونه که حضرت ولی عزیز امرالله بشارت داده بودند، در زیر لوای امر نازنین جمال قدم جل اسمه الاعظم گرد آمدند. بدین ترتیب، نسبت عضویت نژادها در جامعه جهانی بهائی به سرعت دستخوش تحول و دگرگونی شد.

دل و جان احباب می نشست و توضیحات و تبیینات مستدل و دقیق که در قالب زیبایی نافذ و تحلیل گر بیان می شد اهداف، اولویت ها و چگونگی طی طریق برای تحقیق این اهداف را برای یاران الهی روشن می ساخت. زبان آثار آن مولای حنون را تنها با صفاتی چون "فاخر" و "شورانگیز" می توان توصیف کرد. بطور کلی، ارتباط حضرتشان با احبای الهی از تلفیقی از جاذبه عاطفی و فکری براساس نیازها و موقعیت های هر مورد خاص تشکیل می شد و این ارتباط همواره از توازنی کامل برخوردار بود.

از دیگر جنبه های رهبری آموزنده و تربیت کننده حضرتشان تعیین هویت، شناساندن و توضیح اصولی است که در تکامل و تحول دیانت بهائی نقش فعال دارند. یکی از این اصول یا قوانین تناوب بحران و پیروزی است. در سایه عواملی چون ایمان توأم با آگاهی، عمل هوشیارانه و اطاعت دقیق، آنی و بدون قید و شرط، در پی هر بحران الزاماً یک پیروزی چهره خواهد نمود.

علاوه براین، حضرت ولی امرالله بکرات براین اصل تکیه می فرمودند که شدت و ضعف امتحاناتی که مؤمنان امر نازنین حضرت بهاءالله را در بوته آزمایش قرار می دهد با اهمیت پیروزی روحانی که حاصل سربلند بیرون آمدن از این بوته آزمایش است نسبت مستقیم دارد و در این راه مسئولیت و موفقیت دست در دست طی طریق می کنند. یکی دیگر از اصولی که همواره از سوی حضرتشان عنوان می شد این اصل است که هر پیروزی، پیروزی دیگری در پی خواهد داشت. هر بار که جامعه بهائی یک برنامه تبلیغی را با موفقیت به فرجام می رساند توانائی بالقوه خود را برای نیل به اهدافی بزرگتر در نقشه بعدی بمرض تماشا می گذارد و هر موفقیتی به جذب تأییدات الهی در مقیاسی وسیع تر، که بنوبه خویش ضامن پیروزی دیگریست خواهد انجامید.

یکی دیگر از خصائص رهبری حضرت ولی امرالله اعمال نمونه وار و بارز اصل صرفه جوئی و

حضرت ولی امرالله از طریق هدایت یاران الهی به بردن امر بهائی به میان گروههای مختلف نژادی نه تنها اصل اساسی وحدت در کثرت را از قوه به فعل درآوردند بلکه به ارزشهای خصوصیات گوناگون که خداوند بزرگ نژادها و فرهنگ های مختلف را به آن زیست داده است رسمیت بخشیدند. در نتیجه میزان حضور افراد از نژادهای مختلف در جامعه جهانی بهائی بیش از پیش به حالت "موازنه و اعتدال" نزدیک شده است.

بخاطر داریم که حضرت مولی الوری در الواح وصایای مبارکه احبای الهی را به توجه به سوی حضرت شوقی ربانی امر فرموده بودند. در خلال آن سال های سرنوشت ساز ولایت امر، هرچند فضاهای تبلیغ در سراسر جهان متنوع تر می شد، هرچند مشکلات و دشواری های شخصی بیشتر می شد، هرچند امتحانات گوناگون تر می شد، به همان نسبت توجه احبای و پیروان نازنین امر حضرت یزدان بسوی حضرت ولی عزیز امرالله مستقیم تر می گردید، درواقع وجود پیرکت آن حضرت محوری بود که زندگی و وجود مهاجران در سراسر جهان در حول آن در گردش بود. این مهاجران در نهایت ثقه و اعتماد از منبع فیاض و هستی بخش حضرت ولی امرالله تغذیه می کردند و قلوب شان را به نور محبت و قدردانی حضرت شان متور می ساختند.

امتالبها روحیه خانم حرم مبارک توضیح داده اند که حضرت شوقی ربانی در اجرای مسئولیت های عظیم خویش از شیوه اعمال تمرکزی فشرده و استفاده کارآمد از نیروی فوق العاده مدد می گرفتند.

شاید بهترین معیار در ارزیابی قدرت رهبری یک رهبر "حیات" شخص ایشان باشد. حیات حضرت ولی امرالله نمونه والائی است که هم اکنون در پیش چشم ماست - این نمونه والا یقیناً در سراسر دوران این ظهور اعظم به عنوان الگوئی تقلید ناپذیر و قله ای رفیع و غیرقابل دسترس باقی خواهد ماند.

ما بهائیان در حال حاضر بیش از آن به این وقایع نزدیک هستیم که بتوانیم به ارزیابی کامل و درستی از قوه محرکه عظیم حضرت ولی امرالله و نقش مهم این نیروی لایزال در رشد و تکامل کمی و کیفی مشروعات و تأسیسات اداری امر بهائی پردازیم.

صدور مجموعه الواح و فرامین تبلیغی از کلك مطهر مطهر میثاق در واقع ما را در برابر بزرگترین رخداد معنوی و روحانی تاریخ بشریت قرار داد. رویدادی که در عین حال با روندی قهرمانانه، پرشکوه و سرشار از رمز و راز همراه بود و در بحبوحه فرسایش و اضمحلال ایدئولوژی های مختلف در مقام عاملی حیات بخش و زندگی زا پی گیران و عاملان اجرای آنرا به سلاح برای ایمان و ایقان مجهز ساخت.

گرچه هنوز دیانت بهائی در مقیاسی گسترده مورد شناسائی و معرفت توده های عظیم جامعه انسانی قرار نگرفته است ولی اشاعه آن در سطح جهانی بگونه ای گسست ناپذیر در حالی که سرگرم شکستن و از میان برداشتن سدهای سنتی و دیرین حائل در سرراه وحدت عالم انسانی است ادامه می یابد. در این روند، دیانت بهائی بنحوی آرام و بتدریج به تغییر و تبدیل سرشت و طبیعت جامعه انسانی سرگرم است. این روند در مرحله بلوغ خویش و در لحظه موعود نظام جدیدی از ارتباط انسانی و مجموعه تازه ای از مشروعات و تأسیسات اداری برخوردار از هدایت و تأیید الهی را بر عرصه جهان خاکی ما مستقر خواهد کرد.

یکی از عناصر بنیادین رهبری بینش و بصیرت است ولی این بصیرت بدون اقدام و عمل معنایی نخواهد داشت. حضرت ولی عزیز امرالله با بصیرتی عمیق، بینشی ژرف و تلفیق آن با عمل و اقدام به اجرای اهداف دیانت بهائی، سربازان حضرت بهاءالله را از یک پیروزی به پیروزی دیگر رهبری فرمودند و تا آخرین لحظه سگان این سفینه را در نهایت کفایت در ید قدرت خویش داشتند.

# خاطراتی از زیارت به حضور حضرت ولی امرالله

ترجمه سخنرانی آقای امیرک فالّا Emeric Fala  
از احبّاء کانادائی که در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۷  
در یکی از اجتماعات لندنگ ایراد کرده و نیم قرن  
پس از زیارت خاطرات خود را بیان داشته اند.

## ترجمه ف. بهکرا

بودم آنجا به فعالیت های تبلیغی پردازد و در عین حال از سرمای کانادا نیز دور باشد. همه ترتیبات این سفر داده شده بود. در این موقع نامه حضرت ولی امرالله از حیفا رسید که با کمال محبت به بنده اجازه تشریف داده و در آن از اینکه خانم نمی تواند در این سفر همراه باشد ابراز تأسف نموده و در عین حال ابراز امیدواری فرموده بودند در مدتی که من از کانادا دورم همسرم به فعالیت های تبلیغی خود در کانادا ادامه دهد. با زیارت این نامه همسرم سفر خود را به فلوریدا لغو کرد و ترتیبی داد که با یک خانم دیگر کانادائی برای تبلیغ به منطقه ماریتان کانادا که بسیار کوهستانی و سرد و مرطوب است بروند زیرا قرار بود در آنجا محفل روحانی محلی تشکیل شود.

من سفر خود را به اروپا آغاز کردم و از انگلستان و ایرلند به وین رفتم. در آنجا در جلسات احبّاء و بیت تبلیغی که داشتند حضور یافتم. در وین آقای پولینگر منشی جمعیت بهائی

در سال ۱۹۲۴ که برای یک سفر تجارتي از کانادا عازم اروپا بودم مادر روحانی من سرکار خانم ماکسول (مادر حضرت حرم روحیه خانم) پیشنهاد کردند که اگر میسر باشد سفریم را طولانی تر نموده و برای زیارت اعتاب مقدسه و حضرت ولی امرالله به ارض اقدس بروم. آن موقع من نه وقت داشتم، نه پول سفر و نه اینکه خود را از لحاظ روحانی آماده می دیدم. اما سه سال بعد یعنی در سال ۱۹۲۷ پنجاه سال پیش باز با اصرار خانم ماکسول (که تمام عمر بهمین خاطر مرهون ایشان خواهم بود) قبل از سفر خود به اروپا نامه ای خدمت حضرت ولی امرالله تقدیم داشتم و اجازه خواستم که در ایام تعطیلات کریسمس و سال نو به حضورشان مشرف شوم. در آن موقع همسراول من که سالهاست وفات یافته از یک بیماری شدید آنفلوآنزا بهبود یافته بود و قصد داشت همراه با خانم الیزابت گرین لیف که از مبلّغین مشهور کانادا بود به فلوریدا سفر نماید و در طول دو ماهی که من در اروپا

تن از زائرین از سراسر جهان به حیفا رو می آورند. اما آن موقع برای من این زیارت افتخار بزرگی بود. فوجیتا بمن گفت که ساعت ۷ شب حضرت ولی امرالله به مسافرخانه غربی ها تشریف خواهند آورد و من این افتخار را خواهم داشت که در حضورشان شام صرف تمام.

در ساعت مقرر به اطاق غذا خوری رقتم و پس از چند لحظه سرکار روحیه خانم همراه با دو برادر جوان تر حضرت ولی امرالله حسین و ریاض وارد شدند. روحیه خانم یک روسری بر سر داشتند و چون هوا سرد بود لباس پشمی ضخیمی پوشیده بودند، و وقتی انتظار مرا برای زیارت حضرت ولی امرالله دیدند گفتند که متأسفانه ایشان بخاطر سرما خوردگی شدید قادر به شرکت در شام نیستند، و بعد مرا مطمئن ساختند که فردا به ملاقات ایشان نائل خواهم شد. از آنجا که اقامت کوتاه بود و فقط شش روز در حیفا می ماندم لذا از این بی نصیبی خود بسیار محزون شدم. من روحیه خانم را از سالها قبل از هنگامی که ایشان در کانادا یک جوان هفده ساله بودند می شناختم، با خانواده ایشان آشنائی نزدیک داشتم و همانطور که گفتم توسط مادر ایشان با دیانت بهائی آشنا شده و ایمان آوردم. طبعاً از دیدن ایشان بسیار خوشحال شدم و ایشان از کانادا و دوستان مشترک و اوضاع آنجا سوالاتی نمودند. آن شب ما چهار نفر با هم شام صرف کردیم و می خواهم از فرصت استفاده کنم و درباره دو برادر جوان تر حضرت شوقی افندی برایتان بگویم. حسین افندی در حدود ۲۵ و ریاض افندی ۲۵ سال داشتند. در مدت اقامت در حیفا هر روز یکی از ایشان بنا به دستور حضرت ولی امرالله مرا به زیارت اماکن مقدسه مثل بهجی، مقام اعلی، باغ رضوان و غیره می بردند و من ساعات بسیاری را با این دو برادر گذراندم. در مکالماتمان هنگام اشاره به حضرت ولی امرالله هیچگاه نمی گفتند "برادرم" و یا حتی از ایشان به "شوقی افندی" یاد نمی کردند بلکه همواره با احترام با لقب "ولی

به من گفت که پیشرفت امر در اطریش تقریباً متوقف شده زیرا دو نفر از بهائیان قبلاً یهودی بوده اند و اطریشی ها با تعصبی که نسبت به یهودیها پیدا شده به جلسات تبلیغی و سایر گردهمائی هائی که این دو نفر حضور دارند نمی آیند. توجه داشته باشید که این جریان مربوط به سال ۱۹۲۷ و قبل از جنگ بین الملل دوم و کشتار نازیها از یهودی ها است. در بوداپست جامعه بهائی مرکب از ۹ نفر خانم بود و در جلسه ای که با ایشان داشتم متوجه شدم که با نگاههای عجیبی بمن می نگرند. سرانجام طاقت نیاوردم و پرسیدم چرا اینطور بمن نگاه می کنید. پاسخ دادند که تو نخستین مرد بهائی هستی که ما در عمرمان دیده ایم. مبلغین آنها مارتاروت، خانم ماکسول و خانم می بولز بودند و هرگز بهائی مرد ندیده بودند! از آنجا به صوفیا رقتم و خانم ماریان جک نقاش بهائی را که حضرت عبداله با بخاطر شجاعت هایش به او لقب ژنرال جک داده بودند ملاقات کردم. برخی از نقاشی های او در قصر بهجی وجود دارد. در آنجا ۲۵ تن از احباء بلغاری در اطاق هتل منتظر من بودند و شب فراموش نشدنی با آنها گذراندم. از بلغارستان سفر خود را به ترکیه و آنکارا و تریپولی ادامه دادم و سپس خود را با اتوبوس به بیروت و حیفا رساندم. در حیفا فوجیتا نخستین بهائی ژاپنی در مسافرخانه غربی ها بمن خوش آمد گفت. من تنها زائر غربی بودم و فوجیتا بمن گفت که در آن سال یعنی ۱۹۲۷ فقط دو نفر از احباء غربی برای زیارت به ارض اقدس آمده اند، اولی خانم مک کورنی از شیکاگو بود که در ابتدای سال مشرف شده بود و دومی من بودم که در ماه آخر سال، دسامبر، این افتخار را می یابتم. در آن زمان ما یک جامعه کوچک بودیم. از امریکا سفر به ارض اقدس مشکل بود. بلیط هواپیما بسیار گران بود و با کشتی و قطار چنین سفری زیاد وقت می گرفت و فقط خانم های میلیونر امریکائی از عهده آن بر می آمدند. بر عکس حالا که هر دو هفته یکبار تقریباً یکصد

حیفا زمستان سختی را می گذراند و اطاق غذا خوری بسیار سرد بود و هیچگونه وسیله گرما در اطاق نبود. حضرت ولی امرالله که آثار سرما خوردگی در صورتشان پیدا بود از من درباره سفرم و اینکه راحت بود یا نه پرسیدند. سپس از حال همسرم سؤال فرمودند. اظهار داشتم که سرما خوردگی شدیدی داشت و قرار بود ماههای زمستان را به فلوریدا بروم اما حالا برای تبلیغ به نواحی سرد کوهستانی کانادا رفته است. با تعجب پرسیدند، چرا سفرش را به فلوریدا لغو کرد. عرض کردم شما دستور دادید. خیلی جدی و تقریباً ناراحت فرمودند، من نمی دانستم که ایشان کسالت داشته و می بایست در یک منطقه گرم استراحت می کردند. بعد فرمودند اول سلامت بعد تبلیغ.

می توانید به میزان تعجب من پی ببرید. من برای زیارت حضرت ولی امرالله که "مصون از خطا" بودند به حیفا آمده بودم و نخستین چیزی که ایشان بمن فرمودند این بود که "نمی دانستم". آن شب در حضورشان شام صرف شد و این افتخار را داشتم که پنج شب متوالی بهمین کیفیت دو سه ساعت در حضورشان باشم. بیاد نمی آورم که غذا چه می خوردیم زیرا در تمام مدت صرف شام من از حضورشان سوالاتی می کردم. در آن موقع من سی و یکساله بودم، ده سال بود که به دیانت بهائی ایمان آورده بودم و خیلی کنجکاو و علاقمند به دانستن بودم. حضرت ولی امرالله در آن موقع چهل و یک سال داشتند و هر دو تقریباً جوان بودیم.

یکی از سوالاتی که من و بسیاری دیگر از احباء آن زمان داشتیم در مورد "مصون از خطا" بودن حضرت ولی امرالله بود که در النواح و سایای حضرت عبدالبهاء به آن تأکید گردیده است. فرمودند "مصون از خطا" بودن درجات مختلف دارد. حضرت بهاء الله به اراده الهی و بدون واسطه، این مقام مصون از خطا بودن را از

امرالله<sup>۲</sup> به ایشان اشاره می نمودند و در گفتار و لحن صدایشان نهایت احترام و عشق و ایثار نسبت به حضرت ولی امرالله احساس می شد. ریاض عاشق نقاشی بود و می خواست که تحصیلات خود را در رشته هنر ادامه دهد ولی حضرت ولی امرالله مایل بودند که وی در حیفا بماند و در امور مختلف به ایشان کمک نماید. حسین منشی حضرت ولی امرالله بود. هر دو بسیار با محبت، تحصیل کرده، مبادی آداب بودند و من در عالم تصورات آن روزم فکر می کردم که یکی از آنها بعداً ولی امرالله خواهند شد. سالها بعد وقتی شنیدم که هر دو از امر خارج شده اند بسیار متاسف شدم، دلیلش را نفهمیدم و هنوز هم نمی دانم.\*

شب بعد باز سرکار روحیه خانم همراه با برادران حضرت ولی امرالله برای صرف شام وارد مسافرخانه غربی ها شدند و چون تعجب مرا از اینکه حضرت ولی امرالله تشریف نیاوردند دیدند بلافاصله مرا مطمئن ساختند که حضرتشان بزودی بما ملحق خواهند شد. قریب یک دقیقه بعد حضرت ولی امرالله تشریف آوردند و این جریان هر شب بهمین ترتیب تکرار شد. ایشان همواره تنها تشریف می آوردند.

حضرت ولی امرالله یک کلاه سیاه (فزن) بر سر و نیم تنه بلندی در بر داشتند. بی نهایت مهربان و صمیمی و با محبت بودند و با گرمی و لطف با من برخورد فرمودند و با اصرار مرا در بالای میز شام نشاندند و وقتی که به عرضشان رساندم که از نشستن بالای میز در حضورشان ناراحت هستم فرمودند این رسم مهمان نوازی شرقی است و شما باید همان بالا که جای میهمان است بنشینید. خود ایشان در سمت راست من قرار گرفتند. روحیه خانم کنار ایشان نشستند، ریاض روبروی ایشان نشست و در سر دیگر میز حسین افندی قرار گرفت، و هر شب ترتیب نشستن بهمین کیفیت بود. آن سال

\* پیام بهائی، این دلیل یا علت بر یاران ایران که به لزوم اطاعت کامل از مرکز عهد الهی،

حضرت ولی امرالله واقف بوده اند پوشیده نیست.

ذات کبریائی خداوند یکتا دریافت فرمودند. در مورد حضرت عبدالبهاء این کیفیت منبعت از حضرت بهاء الله و در مقام مقایسه، بسیار محدود تر است. "مصون از خطا" بودن ولی امرالله در مقام مقایسه از آنچه شامل حضرت عبدالبهاء می شد نیز محدود تر و در درجات پائین تری قرار دارد و فقط محدود به تبیین و تشریح آثار مبارکه است. سپس برای روشن شدن مطلب واقعه ای را که همان اواخر در حین اتفاق افتاده بود مثال آوردند. فرمودند که یک در گران قیمت در قسمت ورودی به باغهای حول مقام در خیابان النبی Alenby کار گذاریم و هنوز مدتی از نصب آن نگذشته بود که شهرداری حیناً تصمیم به تعریض و پهن کردن خیابان گرفت و دو سه متر از طول باغها را تصاحب کرد و ما مجبور شدیم که دوباره در را از جای خود در آورده و سه متر عقب تر کار بگذاریم. من از تصمیمی که شهرداری بعداً گرفت اطلاعی نداشتیم و کاری انجام دادم که فکر می کردم برای حیثیت امر مبارک ضروری است. با این مثال و با مثالهایی که شب های بعد بیان فرمودند کوشش داشتند کیفیت "مصون از خطا" بودن مقام ولایت امر را توضیح دهند و نمودار سازند که هدف این مصون از خطا بودن حفظ وحدت و یکپارچگی آئین الهی و جلوگیری از اختلاف و چند دستگی است.

در موقعیت دیگری از حضورشان سوال کردم چگونه می توانیم بدانیم وقتی شما با ما صحبت می کنید چه وقت به عنوان شخص شوقی افتدی و کی به عنوان ولی امرالله است. وقتی این سوال را مطرح کردم روحیه خاتم نیز فرمودند که ایشان هم خیلی مایلند که پاسخ این سوال را بدانند. حضرت ولی امرالله آن شب پاسخی به این پرسش من ندادند اما این موضوع در پایان سفرم بر من روشن شد، که بعداً برایتان خواهم گفت.

یکی از شب ها از ایشان پرسیدم که آیا میل ندارید به امریکا و کانادا تشریف بیاورید؟ طرح

این سوال روحیه خاتم را نیز به وجد آورد زیرا مطمئناً ایشان میل داشتند که به کانادا تشریف ببرند و در کنار همسر عالیقدر خودشان خانواده و دوستان خود را به بینند. حضرت ولی امرالله با قیافه ای خیلی جدی و آرام پس از قدری تأمل فرمودند: حالا که برنامه ای برای این سفر ندارم اما هرگاه در آینده منافع امر اقتضاء کند البته خواهم آمد. شب بعد باز گفتگو از وضع امر در امریکا و کانادا شد که در آن وقت هر دو کشور يك محفل روحانی ملی داشتند. گفتگو از محدود بودن جامعه و کمی تعداد بهائیان شد. من به عرض حضرت ولی امرالله رساندم که ما با آنکه از لحاظ تعداد کم هستیم اما از نظر ایمانی و شوق به خدمت و تبلیغ، بسیار قوی و نیرومند می باشیم. در همین زمینه سوال خود را تکرار کردم و پرسیدم آیا میل ندارید برای راهنمایی و دادن نیرو به ما سفری به امریکا و کانادا بفرمائید و بما یاد بدهید که چگونه تبلیغ کنیم؟ این بار نیز حضرت ولی امرالله بطور جدی فرمودند حالا نه. شب سوم غیباتم چه شد که باز بخودم اجازه دادم این استدعا را تکرار نمایم. عرض کردم شما راهبر و پیشوای ما هستید، ما سربازان شما هستیم، هر ژنرالی سربازان خود را می شناسد، تشریف بیاورید و بما بگوئید که چگونه در خدمت امر کوشا تر باشیم و بهتر تبلیغ نمایم. فرمودند تنها راهی که فعلاً می توانم احباء را ملاقات کنم هنگامی است که ایشان برای زیارت به ارض اقدس می آیند، به همین کیفیت که شما آمده اید.

در آن موقع امریکا را دنیای جدید می نامیدند، سرزمین رؤیایها و آرزوها بود، دیدن این قاره آرزوی هر فردی بود، به عنوان يك فرد انسانی شاید حضرت ولی امرالله نیز میل داشتند که از این قاره دیدن نمایند، اما می دیدم و احساس می کردم در مسائلی که با امر مبارک سر و کار داشت احساسات فردی و شخصی ایشان بهیچوجه جایی برای بروز و ظهور پیدا نمی کرد، هم چنین می دیدم که حتی خواست

بشما الله ابهی می گفتند. هر گاه بر میخواستند که نطق کنند صرفنظر از اینکه حاضرین بهائی بودند یا غیربهائی سخنان خود را با الله ابهی آغاز می کردند. وقتی به قسمت های دیگر افریقا رفتم که مهاجران امریکائی تبلیغ را آغاز کرده بودند، دیدم که آنجا از الله ابهی خبری نیست، بلکه خیلی بیشروری نظم اداری تکیه می کردند. لذا من دو نوع جامعه بهائی دیدم، الله ابهی گویان و کسانی که الله ابهی نمی گفتند. برای يك غیر بهائی این تفاوت خیلی چشمگیر بود، گوئی اینها دو جامعه مختلف بودند.

در اینجا نمی خواهم همه سؤالاتی را که از حضرت ولی امرالله نمودم مطرح نمایم. خیلی از آنها بچگانه و احمقانه بود و زمان و تجربه به آن پاسخ می داد و لازم نبود از محبت و حوصله حضرت ولی امرالله سوء استفاده نمایم. اما يك سؤال از آغاز ایاتم همواره فکر مرا بخود مشغول داشته بود، و آن مساله تعالیم اجتماعی و اقتصادی امر بهائی بود. در بیوت تبلیغی در آغاز تقاسم با خانم ماکسول و سایر مبلغین، ایشان بر این عقیده بودند که عشق مهمترین پایه و اساس دیانت بهائی است، و من می گفتم عدالت مهمترین پایه است. ایشان می گفتند که بفرموده حضرت عبدالبهاء عشق همه مشکلات را حل می کند و عشق پایه و اساس هر چیز است، و من می گفتم با عشق تنها نمی توان مشکلات جهان و اختلافات بین ملت ها را حل کرد ولی عشق و قانون که توأم شود عدالت را بوجود می آورد و عدالت بزرگترین موهبتی است که حضرت بهاء الله به بشریت عرضه فرموده اند. آنها با من موافق نبودند و من نمی توانستم با آنها موافق باشم. وقتی به حضور حضرت ولی امرالله رسیدم موقعیت را برای طرح این مساله و دانستن نظریات حضرتشان مناسب دانستم و ضمن بیان سابقه کار عرض کردم حضرت موسی مفهوم قانون را با خود آورد و تمدن ما بر اساس نظم و قانون استوار است. سویس کشور متمدنی است و تمدن آن کشور

همسرشان برای سفر به امریکا و کانادا کمترین تأثیری در تصمیم گیری ایشان نداشت. در پایان سفر بود که دریافتیم من در این سفر حضرت شوقی افندی را ملاقات نکردم. آرزویم این بود که در این سفر شخص شوقی افندی را به بینم و بشناسم اما احساس قوی من این بود که حضرتش با قبول مسئولیت عظیم مقام ولایت امر، برای همیشه با شخصیت فردی خود بنام شخص شوقی افندی وداع گفت و چنین کسی دیگر وجود نداشت. بجای آن شخصیتی را می دیدم که همه چیز خود را فدای امر کرده بود، هیچگونه آرزو و خواستی از خود نداشت، برای ایشان هیچ چیز قابل اهمیت نبود مگر امر مبارک که جان خود را وقف آن نموده بود. من در عمر طولانی خود هرگز کسی را ندیده ام که این چنین بخاطر امر همه چیز خود را فدا کرده باشد.

شب بعد عرض کردم آیا می شود از احبباء ایرانی افرادی را برای راهنمایی و آموزش ما به امریکا اعزام فرمایند؟ فرمودند نه. من میل ندارم هیچ مبلغ ایرانی به امریکا برود. میل ندارم اصلا ایرانی ها به امریکا بروند.

برخی از احبباء قدیمی پیاد دارند که در آن موقع برای بهائیان ایرانی رفتن به امریکا ممنوع بود. حضرت ولی امرالله که تعجب را در صورت من دیدند توضیح داده فرمودند: آرزوی من آنست که هر ملتی و هر کشوری امرحضرت بهاء الله را برای خود و روی پای خود کشف نماید و روح عظیم امر را در چهارچوب فرهنگ و زبان و شخصیت آن کشور تجلی دهد، نمی خواهم فرهنگ دیگری (از طریق امر) به آنان تحمیل گردد.

سالها بعد حکمت این بیان مبارک بر من واضح شد. من چهارده سال در افریقای جنوبی زندگی کردم، به بیست و پنج کشور افریقائی مسافرت کردم. در این کشورها بسیاری از افریقائیان از طریق احبباء ایرانی به امر مبارک ایمان آورده اند. هر جا بهائیان را می دیدید

بخاطر قانون و نظم است. حضرت مسیح اصل عشق را آوردند که روابط بین افراد را توسعه داد و تحکیم بخشید. توأم نمودن عشق با قانون که حاصل آن عدالت اجتماعی است موهبت بزرگ حضرت بهاء الله به بشریت در این عصر بلوغ انسانی است، این عدالت اجتماعی در عصرهای گذشته وجود نداشته و بدون نظیر و مانند است. حضرت ولی امرالله با این نظریه من موافق بودند و من از اینکه این استدلال مورد قبول حضرتشان واقع شده خوشحال شدم. در آنشب در مورد نهضت های سوسیالیستی بحث کردم و اینکه چطور این نهضت ها بسیاری از تعالیم امر مبارک را پذیرفته و بکار گرفته اند، مثل تساوی حقوق زن و مرد که در قانون اساسی شوروی آمده و هنوز در کمتر کشور غربی مورد قبول قرار گرفته بود. من هم چنین تفاوت بین مرام سرمایه داری و مرام سوسیالیستی را در نحوه تولید کالا مطرح نمودم. حضرت ولی امرالله فرمودند حضرت بهاء الله در اینکه تولید باید در سطح ملی متمرکز و در دست دولت باشد یا اینکه خصوصی باشد چیزی نفرموده اند بهمین جهت باید بیوت عدل الهی در آینده در این مسائل قانون گذاری نمایند. در تمام مذاکرات ما درباره مرام سوسیالیستی، حضرت ولی امرالله بسیار منصفانه و بی طرفانه قضاوت می فرمودند نه از سرمایه داری طرفداری نمودند و نه از سوسیالیستی و بعداً حکمت این امر را دریافتم. باری سخن را کوتاه کنم، من از حضور حضرت ولی امرالله سوالات بسیاری کردم، ولی ایشان فقط از من یک سؤال نمودند. شبی سر میز شام فرمودند، می خواهم از شما یک سؤال بکنم. در زمان حضرت اعلی قدرت، قدرت نهائی در دست حضرت باب بود. در زمان حضرت بهاء الله این قدرت در دست خود مظهر ظهور قرار داشت، در زمان حضرت عبدالبهاء این قدرت و نیرو در کف خود مرکز میثاق بود. بعد از من سؤال فرمودند: و حالا؟ عرض کردم، البته قدرت در دست شماست

یعنی حضرت ولی امرالله. فرمودند خیر. عرض کردم الواح مبارکه وصایا. فرمودند خیر. پاسخ های متعدد دیگری دادم که هیچ کدام درست نبود. سپس حضرت ولی امرالله با غمی که از چشمهایشان ظاهر بود فرمودند، آیا احباء نامه های مرا نمی خوانند؟ اشاره ایشان به یکی از توقیعاتشان بنام دور بهائی The Dispensation of Baha'u'llah بود که دو یا سه سال پیش از زیارت من منتشر گشته بود، و بعد ها پس از صعود مبارک دریافتیم که حکم وصیت نامه حضرتشان را داشته است. این توقیع مبارک به چهار بخش تقسیم شده: باب، بهاء الله، عبدالبهاء، نظم جهانی حضرت بهاء الله. فرمودند پاسخ این سؤال خیلی روشن و صریح در این نامه آمده است. مرکز قدرت امر الهی پس از صعود حضرت عبدالبهاء به نظم جهانی حضرت بهاء الله منتقل شده که بر دو پایه استوار می باشد، ولایت امر و بیت عدل اعظم. پس از مراجعت به کانادا خاطرات تشریفم را در هفت هشت صفحه نوشتم ولی به سؤال حضرت ولی امرالله و پاسخی که خودشان دادند اشاره ای نکردم زیرا واقعا در آن موقع اهمیت این سؤال را درک نمی کردم. بیست سال بعد، پس از صعود مبارک در سال ۱۹۵۷ بود که به اهمیت و کیفیت عظیم این سوال، پس از توجه و مناجات پی بردم، و دریافتم که آنچه من در حیفاً آموختم سوالاتی نبود که من از حضرت ولی امرالله کردم، بلکه سوالی بود که ایشان از من فرمودند. در طول شش هزار سال از آغاز عهد آدم در تمام ادیانی که ظاهر شده مساله رهبری و قدرت پدرانه اصل و اساس بوده است. هر جامعه حتی در یک دهکده، یک کشیش یا ملاً، و در کشوری بزرگ پاپ یا کاردینال ها هستند که مردم برای حل مشکلات دینی خود به آنها مراجعه می کنند درست مثل رابطه فرزند و پدری. رابطه شخصی نا بالغ با شخصی بالغ. همه ما عادت داشتیم که برای حل مشکلات خود،



پس از صعود حضرت ولی امرالله دیگر شخصیتی به عنوان ولی امر در میان ما نیست، آنست که ما می بایست خود را از این کیفیت فرد پرستی و توجه به شخص رهبر دینی به عنوان مرکز قدرت رها کرده با روح نظم جهان آرای حضرت بهاء الله در توافق و هماهنگی باشیم. احباء قدیمی بیاد دارند که در آن موقع محافل ملی و محلی قدرت چندانی نداشتند. محفل ملی از احباء می خواست که به مهاجرت بروند، کمتر کسی توجه می کرد. وقتی حضرت ولی امرالله می خواستند آنگاه همه قیام می نمودند، و ما نا بالغ بودیم می خواستیم که باز هم در طی قرون و اعصاری که می آمد ولی امرالله داشته باشیم. تنها راهی که خداوند برگزید که ما زود تر به بلوغ روحانی برسیم شاید آن بود که شخصیتی بنام ولی امرالله در میان ما نباشد تا بتوانیم هر چه زود تر همه نیرو و توجه خود را در بیت عدل اعظم متمرکز نمائیم، در محافل محلی و ملی متمرکز نمائیم، زیرا در سطح محلی و ملی این دو مؤسسه هستند که مرکز و مرجع کلیه فعالیت های ما می باشند و رهبری هر نوع فعالیت را در جامعه بر عهده دارند. هیچ فردی هر چه هم که از مقام و عنوان برخوردار باشد نمی تواند از اطاعت این مؤسسات سر باز بزند. سوای هیاکل مقدسه، ما از نظر روحانی به این مؤسسات وابسته و دلبسته هستیم و نه به افراد. افراد می توانند با مسائلی را ارائه و پیشنهاد نمایند اما قدرت و اختیار نهائی در دست مؤسسات نظم اداری است.

#### پایان

پیام بهائی؛ خوانندگان محترم توجه داشته باشند که این ترجمه بر اساس نوار سخنرانی آقای امریک فالانجام شده و نظریاتی که در آن ارائه گردیده برداشت و استنباط ناطق محترم است و نمی تواند مرجحاً نظرگاههای هیأت تحریریه را منعکس نماید.

همین اصل بطور کلی در مورد سایر مقالاتی که در این مجله درج می شود جاری است.

برای پیشبرد کارهای خود به رهبر دینی، می خواهد پیغمبر باشد یا امام یا پاپ و غیره، رجوع کنیم و از آنها کمک بخواهیم. با حضرت شوقی افندی نیز می خواستیم همین رابطه را برقرار کنیم، پاسخ همه مشکلات خود را از ایشان می خواستیم. درست رابطه فرد ناپخته، نا بالغ با فرد پخته و بالغ، اما این رابطه فرزند و پدری که شش هزار سال در همه ادیان سابقه داشت با صعود حضرت عبدالبهاء خاتمه یافت حضرت عبدالبهاء در جهان ادیان بزرگترین و آخرین رهبر و مظهر قدرت پدران بودند. البته اینها برداشت و فهم شخصی من از این مطلب است و لزوماً نمی تواند درست یا قطعی باشد.

حضرت ولی امرالله میل نداشتند که سمت پدری داشته باشند. زیر بیست هزار نامه به سراسر جهان بهائی امضاء فرمودند، "برادر حقیقی شما شوقی"، با اجازه ندادند که عکس ایشان را داشته باشیم و منتشر کنیم، تولدشان را جشن بگیریم، و فکر می کنم یکی از عللی که چرا هیچگاه از هیچ جامعه بهائی در هیچ کجای دنیا بازدید نفرمودند همین مطلب باشد. زیرا ما که هنوز بطور کامل بالغ نشده ایم به ایشان بصورت پدر توجه می کردیم و ایشان مایل نبودند چنین سمتی احراز نمایند، بلکه می خواستند که به نظم جهانی حضرت بهاء الله، محافل روحانی محلی و ملی و به بیت العدل الهی توجه کنیم. اینها مراکز قدرت ما هستند اما نه بصورت پدر زیرا این تأسیسات را ما انتخاب می کنیم، جزئی از جامعه هستند ولی نیروی تأیید الهی با آنها همراه است. وظیفه حضرت ولی امرالله تبیین آثار بود و می خواستند که ما عادت شش هزار ساله را که همیشه ناظر به رهبر دینی باشیم به کنار بگذاریم و به روح امر و آثار الهی در ظل تشکیلات توجه کنیم. تا وقتی که به این بلوغ و درک روحانی نرسیده ایم نمی توانیم در این عصر بلوغ انسانی که با امر حضرت بهاء الله آغاز شده نقشی را که بر عهده ما هست بخوبی ایفا نمائیم. به نظر من یکی از دلایلی که چرا

# اخبار و بشارات

## جامعه جهانی بهائی

### ترجمه و تنظیم فواد روستائی

#### اسفار تبلیغی ایادی عزیز امرالله امقالبها روحیه خانم

حضرت امقالبها روحیه خانم در دنبال سفرهای تبلیغی خویش به کشورهای اروپای شرقی و جمهوری های سابق اتحاد شوروی، پس از دیدار از جمهوری آذربایجان، تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان و ترکمنستان، در روز دهم ژوئن در ممیت سرکار خانم ویولت نخجوانی وارد مسکو پایتخت جمهوری فدرال روسیه شدند. حضرت روحیه خانم در گزارشی که به ارض اقدس ارسال فرموده اند دیدار دو هفته ایشان از مسکو را دیداری سرشار از موفقیت و پراهمیت از نظر آشناسدن مردم آن سامان با امر مقدس بهائی توصیف کرده اند.

ایادی عزیز امرالله در مسکو علاوه بر دیدارهای خصوصی با هنرمندان و روشنفکران این شهر در يك جلسه عمومی در حضور بیش از سیصد تن از مردم پایتخت روسیه از جمله خبرنگاران رسانه های عمومی حضور یافته پس از استماع يك کنسرت به تشریح اصول و مبادی امرالله پرداختند. در پی این سخنرانی تلویزیون روسیه با پخش يك برنامه نیم ساعته شامل فیلمی ویدیویی که در کانادا برای آشنائی با امر الهی و اماکن مقدسه ارض تهیه شده است بمدت پانزده دقیقه مصاحبه ای با حرم مبارک حضرت ولی امرالله به معرفی دیانت بهائی انجام داد.

ایادی عزیز امرالله علاوه بر مصاحبه هائی با چندشبکه تلویزیون خصوصی در گفت و شنودهائی با روزنامه انگلیسی زبان Moscow Times و يك هفته نامه روسی زبان و بالاخره یکی از روزنامه های روسی زبان به پرسش

خبرنگاران این نشریات در مورد آئین نازنین حضرت بهاءالله به تفصیل پاسخ دادند. ایادی عزیز امرالله افزون براین بمدت يك ساعت با وزیر حفظ محیط زیست و منابع طبیعی جمهوری فدرال روسیه دیدار و گفتگو کرده و این دیدار را مهم ترین ملاقات خود توصیف کرده اند. این شخصیت روسی در جریان کنفرانس جهانی زمین در ریودوژنیرو با دیانت بهائی آشنا شده و خواستار آگاهی بیشتری در این مورد بود.

امقالبها روحیه خانم در جریان همین سفر در دانشگاه مسکو حضور یافته و پس از ملاقات با رئیس دانشکده فلسفه و ادیان این دانشگاه برای گروه کثیری از کارکنان و استادان این دانشکده سخنرانی کردند. در گزارش ارسالی ایادی عزیز امرالله پیرامون دیدارشان از مسکو براین نکته تأکید شده است که در حال حاضر فرصتی عظیم برای پرکردن خلاء روحانی موجود در این منطقه از جهان بوجود آمده و مردم به تعالیم دیانت بهائی و فعالیت های تبلیغی احبای الهی بگونه ای چشمگیر پاسخ می دهند.

امقالبها روحیه خانم پس از شرکت در اجلاس محفل روحانی منطقه ای بهائیان روسیه، گرجستان و ارمنستان در روزهای پنجم و ششم ژوئیه از شهر یاکوتسک پایتخت جمهوری ساخا در منطقه سیبری دیدن کردند. ایشان در فرودگاه یا کوتسک مورد استقبال دو تن از اعضای پارلمان این جمهوری قرار گرفتند. ایادی عزیز امرالله در روز هشتم ژوئیه پس از ملاقات با رئیس شورایعالی (پارلمان) جمهوری ساخا اعلام کردند رئیس پارلمان در این دیدار از اصول دیانت بهائی به عنوان اصولی درخور توجه و

مسکو مراجعت فرموده و در پی توقیفی چند روزه در مسکو در روز پنجم ماه اوت وارد شهر تاریخی سن - پترزبورگ شدند. امثالیهاء روحیه خانم ضمن دیداری از معاون دانشکاه سن - پترزبورگ از کتابخانه عظیم این دانشگاه دیدن کردند و در این دیدار آثار بهائی موجود در بایگانی این کتابخانه، از جمله الواحی از حضرت بهاءالله جل اسمه الاعلی و نیز نخستین ترجمه روسی کتاب مستطاب اقدس که در ۱۸۹۹ به زیور طبع آراسته شده است زیارت نمودند. حضرت آیادی عزیز امرالله و سرکار خانم نخبوانی در روز یازدهم اوت از سن پترزبورگ راهی تالپ در جمهوری استونی گردیدند.

#### نقشه سه ساله جامعه آلمان

در نقشه سه ساله بهائیان که اخیراً ترجمه فارسی آن نیز در دسترس قرار گرفته از جمله اهداف چاپ و نشر ترجمه آلمانی کتاب مستطاب اقدس تا رضوان ۱۹۹۶، رساندن تعداد محافل روحانی محلی به ۱۲۰ محفل، افزایش عده نقاطی که احباً در آن سکونت دارند به ۷۵۰ نقطه، سعی در تبلیغ هرچه بیشتر اقلیت های ساکن آلمان، اقدام برای دخول همه طبقات جامعه در ظل امر الهی پیش بینی شده است. تعمیر ام المعابد اروپا، تهیه نقشه های لازم برای توسعه باغ های اطراف مشرق الاذکار، تأسیس گروه گر برای مشرق الاذکار و توسعه برنامه های دعا و مناجات در آن نیز از جمله هدف های برنامه مذکور است.

#### نخستین انجمن مطالعات بهائی در روسیه

نخستین انجمن مطالعات بهائی در سنت پترزبورگ روسیه در فاصله ۲۹ تا ۳۱ اکتبر سال جاری تشکیل شد از جمله سخنرانان این انجمن جنابان ویلیام هاچر (موضوع، مفهوم روحانیت)، اوگوستولوپز (تفکرانی در مورد تحولات اروپای شرقی)، سهیل بشروئی (پیشرفت يك فرهنگ جهانی)، مونا گریزر (الر اصل برابری در دنیا)، گرگوری دال (به سوی يك اقتصاد جهانی)، سویدا معانی (روح و قانون) و عده ای از سخنرانان روسی بودند.

هماهنگ با مبانی اعتقادی خویش تجلیل کرده است. امثالیهاء روحیه خانم پس ازین ملاقات در جلسه پارلمانی حضور یافته و پس از معرفی کوتاه دیانت بهائی به پرسش های حاضران پاسخ دادند و روز بعد در جلسه ویژه پارلمان که برای رسیدگی به مسائل حفظ محیط زیست تشکیل شده بود بمدت یکساعت به تشریح دیدگاههای بهائی در این زمینه خاص پرداختند. آیادی عزیز امرالله پس از دیداری دو روزه از پایتخت این جمهوری بمدت يك هفته از دیگر شهرهای ساخا دیدن کرده و با احبای الهی و مقام های محلی به گفتگو و تبادل نظر نشستند. آیادی عزیز امرالله پس از جمهوری ساخا رهسپار جمهوری بوریات Buryat گشتند و در اولان - اود Ulan-Ude پایتخت این جمهوری مورد استقبال معاون وزیر فرهنگ، نماینده ای از پارلمان و خبرنگاران تلویزیون قرار گرفتند.

امثالیهاء روحیه خانم روز بعد از ورودشان به اولان - اود با رئیس پارلمان و پنج تن از وزیران جمهوری بوریات دیدار و گفتگو کردند که اخبار مربوط به آن در رادیو و تلویزیون این جمهوری به تفصیل پخش گردید. حضرت روحیه خانم پس از دیدارهای متعدد با دیگر مقام های بوریات در کنفرانس تبلیغی اولان - اود که با شرکت بیش از دویست و پنجاه نفر از احبای پانزده کشور و هجده سرزمین روسیه آسیائی تشکیل شده بود حضور یافتند. آیادی عزیز امرالله در سخنان خویش در این کنفرانس بر اهمیت فراوان تبلیغ در روسیه، ضرورت تاسی دقیق به اصول اخلاقی و معیارها و موازین دیانت بهائی در رفتارهای اجتماعی احباً، به عنوان وسیله ای مؤثر و کار آمد در جذب مردم به سوی دیانت مقدس حضرت بهاءالله تأکید فرمودند.

حضرت روحیه خانم پس از دیدار با پانزده تن از احبای مغولستان که برای دیدن حضرتشان رنج سفر را بر خود هموار کرده بودند، از اولان اود به نووسیبیرسک Novosibirsk در قلب سیبری عزیمت فرمودند و در آنجا با احبای الهی و اعضای گروه تبلیغی ماریون جک، دیدار و گفتگو نمودند. آیادی عزیز امرالله پس از این دیدار به

تازنین  
آیادی  
وزیر  
فدرال  
مهم  
این  
س زمین  
شده و  
بود.  
نفر در  
ت با  
شکاه  
ن این  
سالی  
مسکو  
حاضر  
موجود  
دم به  
حبابی  
ت در  
روسیه،  
شم  
ساخا  
ن در  
تن از  
آیادی  
ملاقات  
ساخا  
صول  
وجه و

## پیام جامعه بهائی به پارلمان جهانی ادیان

ترجمه پیام جامعه بین المللی بهائی به پارلمان جهانی ادیان توسط Wilma Ellis در اجلاس این پارلمان قرائت شد.

بهائیان سراسرگیتی برپائی اجلاس پارلمان جهانی ادیان را در آستانه صدمین سال نخستین نشست این پارلمان در شیکاگو گرامی داشته و به گرمی از این رویداد استقبال می کنند.

این رویداد دارای اهمیتی بسیار برای کلیه مؤمنان جهان به ویژه پیروان دیانت بهائی است. قرن نوزدهم قرن تضادها و تناقضها بوده است. قرن نوزدهم قرن يك ملت گرائی (Nationalism) بدون قیدوبند، انحصارطلبی سرسختانه، امپریالیسمی پیروزمند و بالاخره قرن ارتقاء فرضیه برتری نژادی تا سطح يك نظریه علمی و فلسفی بوده است. معذالك همین قرن نوزدهم شاهد میلاد همبستگی جهانی، انترناسیونالیسم، فروپاشی و سقوط برده داری و اعلان آرمان های برابری نژادی نیز گردیده است. قرن نوزدهم قرن بود که در خلال آن از سوئی بهره کشی و استثمار زنان ادامه یافت و از سوئی دیگر فریاد آنان برای احقاق حقوق حقه خویش و برابری با مردان به فلك سربرکشید.

این قرن قرن جنگ ها و فتوحات و در عین حال قرن اعلان شجاعانه قریب الوقوع بودن استقرار صلح جهانی بود. قرن نوزدهم قرن رویارویی تلخ علم و دین و مناقشه و کشمکش های مذاهب و در آن واحد قرن آغاز تأثیرگذاری آرمان ها و ایده آل های جهانشمولی، تساهل و مدارا و جهانداری مذهبی بر رفتار و کردار مردان و زنان عمیقاً مذهبی بود.

پارلمان جهانی ادیان به نحوی بیان حدیث آرزومندی اخوت و برادری، صلح و آشتی و تفاهم و همیاری متقابل بین ادیان مختلف است. بدیهی است که کلیه جوامع مذهبی از آغاز چنین برداشتی از این پارلمان نداشتند. گروهی خود را از آن کنار کشیدند و گروهی دیگر برپائی آنرا چونان مصالحه و سازشی با بی ایمانی و لامذهبی تلقی کردند. با همه این ها پیام پارلمان جهانی ادیان پیامی روشن بود:

"کلیه ادیان جهان تا حدودی بیان يك حقیقت واحدند."

نخستین پارلمان جهانی ادیان برای بهائیان یادآور خاطره ای خوش با اهمیتی خاص است. درست صدسال پیش بود که دیانت بهائی برای نخستین بار علناً در امریکای شمالی مطرح شد. در سال ۱۸۹۲ حتی يك بهائی در ایالات متحده امریکا و کانادا حضور نداشت. نخستین گروه بهائی در ۱۸۹۴ در شیکاگو تشکیل شد و هفده سال بعد نخستین سنگ بنای اولین مشرق الاذکار نیمکره غربی در شمال شیکاگو در ساحل دریایچه میشیگان کار گذاشته شد.

آرمان هائی که انگیزه برگزاری نخستین پارلمان جهانی ادیان بود هنوز هم از پذیرش و مقبولیتی جهانشمول برخوردار نگشته است. کار سترگ نزدیک ساختن مردم مختلف به یکدیگر، فراخواندن آنان به برقراری ارتباطی هرچه ژرف تر و بالاخره ارتقاء و تقویت ایمان و آگاهی مذهبی آنان کاریست که هنوز نیازمند پی گیری بی وقفه است. تلاش های انسانی که انگیزه آن کسب قدرت، نیل به شهرت و یا حتی آمیزه ای مبهم از حسن نیت باشد ممکن است مسأله ای از مسائل جامعه بشری را حل کند ولی از قوه به فعل در آوردن راه حل های مشکلات اساسی عصر ما چون نژادپرستی، برابری حقوق زن و مرد، تعدیل فقر و ثروت در جهان و از بین بردن افراط ها و تفریط ها و بالاخره استقرار صلح جهانی جز از طریق داشتن روحیه ای سرشار از ایمان مذهبی میسر نیست. همین ایمان و روحیه مذهبی است که تلاش های بشری را از استمرار برخوردار ساخته و ایثار و فداکاری را ممکن می سازد و بالاخره عاملان این فداکاری و از خودگذشتگی ها را از چنان رضای خاطر درونی برخوردار می سازد که با هیچ پاداش دنیوی درخور قیاس نمی باشد.

از نظر بهائیان همیاری و همگامی با پیروان ادیان دیگر امری طبیعی است. به اعتقاد ما، حقایق الهی بتدریج و مرحله به مرحله از چهره پرده برگرفته و آشکار شده اند و هر قوم و ملتی در پهنه این کره خاکی بر بخشی از این حقایق آگاهی و تملک دارد.

پیام بهائی

نشریه ماهانه محفل روحانی ملی  
فرانسه برای بهائیان.

\*

سال پانزدهم شماره یازدهم  
شماره مسلسل ۱۶۸  
شهرالعلم، شهرالقدرة، شهرالقول ۱۵۰  
مهر - آبان ۱۳۷۲

\*

نشانی هیئت تحریریه برای ارسال  
مقالات و نامه ها و پیشنهادات  
P.O. Box 106  
1211 Genève 25, Switzerland

\*

نشانی برای ارسال حق اشتراك،  
نامه های مربوط به امور اشتراك و  
تغییر نشانی

B.P. 9  
06240 Beausoleil  
FRANCE  
Fax: 33-93-784418

\*

حق اشتراك سالیانه برای همه کشورها  
۲۲۰ فرانک فرانسه است. تقاضا دارد با  
حواله پستی یا با چك بانکی به فرانک  
فرانسه به نشانی بالا و یا توسط بانک به  
شماره حساب زیر حواله گردد:

Payam Baha'i 37261910  
(30003) Societe Generale  
(01500) 8 Av. J.Medecin  
06000 Nice, France

کلیه اشتراك ها در اول هر سال میلادی  
تجدید میگردد. "Payam-i-Baha'i"

Supplement de "BAHAI  
FRANCE"

Publie par l'Assemblee spirituelle  
Nationale des Baha'is de France.  
45 Rue Pergoiese,  
75116 Paris, FRANCE

سخنی با خوانندگان

هیأت تحریریه پیام بهائی کوشش دارد ستون های  
این مجله را که باید شامل مقالات و اخبار باشد کمتر به  
مسائل و مشکلات مالی تخصیص دهد اما گاه بگاه  
بحران وضع اقتصادی مجله ما را مجبور می سازد مطالبی  
که بارها به عرض خوانندگان رسانده ایم باز تکرار نمائیم  
و آن اینکه بقای این مجله و پیشرفت آن جز با کمک های  
مالی و وصول مرتب حق اشتراك ممکن نیست. متأسفانه  
این موضوع آنچنانکه باید مورد عنایت و توجه مشترکین  
ما قرار نمی گیرد، بطوریکه در ماه سپتامبر یعنی ۹ ماه از  
سال پانزدهم مجله گذشته، فقط ۵۰ درصد از مشترکین  
حق اشتراك را پرداخته اند و برخی سالهاست که این  
موضوع را فراموش فرموده اند. اگر همه مشترکین  
وجوه اشتراك خود را بپردازند ما نه تنها قادر به ازدیاد  
صفحات مجله و احتمالاً بزرگ کردن قطع آن خواهیم بود  
بلکه خواهیم توانست در اعیاد مختلف و مناسبت های  
گوناگون مجله را رنگی و در صفحات بیشتر تقدیم  
خوانندگان نمائیم. اما اکنون با گران شدن بهای چاپ و  
کاغذ و مخصوصاً هزینه تبر پست ماه بجا مضیقہ مالی  
ما شدید تر می شود. از خوانندگان تقاضا داریم هرچه  
زود تر حسابهای معوقه خود را به ترتیبی که در ستون  
مقابل آمده و یا توسط نمایندگان ما با دفتر مجله تسویه  
فرمایند و همانطور که با نامه و تلفن مشوق ما هستند از  
لحاظ مالی نیز این پشتیبانی را دریغ نفرمایند.

انتشار این شماره که اختصاص به غصن ممتاز اهل بهاء  
حضرت ولی امرالله دارد فرصت مناسبی است که بخشی  
از منویات و آرزوهای حضرتشان را در مورد ترویج  
نشریات و مجلات و کتب بهائی زینت بخش این اوراق  
نمائیم!

و اما در خصوص اشتراك مجلات امریه از فرائض  
احیای الهی آنست که به تمام قوی تقویت و معاونت این  
مجلات بهائی را نمایند و در صورت استطاعت احیاء جمعاً  
و رسماً بواسطه محفل روحانی خویش اشتراك به این  
مجلات کنند. و نیز می فرمایند:  
"امنای الهی باید در فکر انتشار و ازدیاد نفوذ و  
تنظیم و ترتیب و توسعه دایره این مجلات امریه  
باشند... و احیاء را به اشتراك و تبرعات و تحریر مقالات  
تشویق کنند و هرگونه مساعدت مالی و ادبی نمایند."

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتَى  
إِنَّ رَبَّهُ لَسَدِيدٌ  
الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الرَّحِيمِ  
الْمَنَّانِ  
سنة ١٤١٣ هـ